

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



فهرست

شمارهٔ صغیر

عنوان

درس

عربی لاهم

| | | |
|-----|---|------------------------------------|
| ۸ | ذالِكَ هُوَ اللهُ | الدُّرُسُ الْأَوَّلُ |
| ۳۷ | أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ | الدُّرُسُ الثَّانِي |
| ۵۶ | مَطَرُ السَّمَكِ - التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ | الدُّرُسُ الثَّلَاثُ وَ الرَّابِعُ |
| ۸۵ | هَذَا خَلَقَ اللهُ | الدُّرُسُ الْخَامِسُ |
| ۱۱۰ | ذُو الْقُرْنَيْنِ | الدُّرُسُ السَّادِسُ |
| ۱۳۲ | يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ | الدُّرُسُ السَّابِعُ |
| ۱۵۰ | صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ | الدُّرُسُ الثَّامِنُ |

عربی پانهم

| | | |
|-----|---|----------------------|
| ۱۶۹ | مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ | الدُّرُسُ الْأَوَّلُ |
| ۱۹۰ | فِي مَخْضَرِ الْمُعَلِّمِ | الدُّرُسُ الثَّانِي |
| ۲۱۰ | عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ | الدُّرُسُ الثَّلَاثُ |
| ۲۲۸ | آدَابُ الْكَلَامِ | الدُّرُسُ الرَّابِعُ |
| ۲۴۶ | أَلْكَذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ | الدُّرُسُ الْخَامِسُ |
| ۲۶۶ | أَنَّهُ مَارِي شِيْمَلِ | الدُّرُسُ السَّادِسُ |
| ۲۸۵ | تَأْثِيْرُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ | الدُّرُسُ السَّابِعُ |
| ۳۰۶ | | پاسخنامه تشریحی |
| ۴۴۳ | | پاسخنامه کلیدی |

النَّزْهُ الْأَوَّلُ

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَنَمَائِجُهَا

أوزان الأسماء

یاد گرفتیم که وزن اسم‌ها در ترجمه آن‌ها تأثیرگذار است و در همین رابطه با اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا شدیم که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

| | | | |
|---|------------|------------|----------|
| شاعر، حافظه، عالمت، صادقین و ... | وزنِ فاعِل | ثلاثی مجرد | اسم فاعل |
| هادی، شاکي، ساعي، راعي و ... (فاعي) | | | |
| آخر، آسِف، أمير، آجل و ... (أجل) | | | |
| فُعَال ← كَفَّار، حُرَّاس، تُجَّار و ... | | | |
| جمع مكسر | | | |
| فُعَلَة ← طَلَبَة، خَدَمَة، كَفَرَة و ... | | | |
| فُعَلَاء ← شُعْرَاء، فُضَلَاء، صُلْحَاء و ... | | | |
| مُفْسِد، مُكَبِّر، مُتَقَدِّم، مُسْتَحْدِم | م... ـ ← | ثلاثی مزید | |

| | | | |
|--|---------------|------------|-----------|
| مَعْرُوف، مَشْهُورَة، مَظْلُومِيْنَ، مَخْلُوقَات و ... | وزنِ مَفْعُول | ثلاثی مجرد | اسم مفعول |
| مَهْدِيّ، مَرْضِيّ، مَخْفِيّ و ... (مفعي) | | | |
| مَفَاعِيل ← مَفَاهِيم، مَحَاصِيل، مَشَاهِير و ... | جمع مكسر ← | | |
| مُطَهَّر، مُحْتَرَم، مُنْزَل و ... | م... ـ ← | ثلاثی مزید | |

| | | |
|---|-----------------|------------|
| عَلَام، شَكَاك، زَرَّاق، كَدَّاب، سَتَّار و ... | وزنِ فَعَال ← | اسم مبالغه |
| فَهَامَة، عَلَامَة، حَنَانَة و ... | وزنِ فَعَالَة ← | |

تذکر مصدرهایی که بر وزن «مفاعلة» هستند را با اسم مفعول اشتباه نگیریم، مثلاً «مجاهدة، مناسبة و ...».

تذکر اگر وزن‌های «فَعَال» یا «فَعَالَة» بر شغل یا وسیله‌ای دلالت کنند باز هم آن را اسم مبالغه به حساب می‌آوریم: «فَتَّاحَة (دربازکن) - ثَلَّاجَة (یخچال) - فَلَاح (کشاورز) - حَبَّاز (نانوا) و ...»

- پیشخوان** ① اسم تفضیل با چه وزن‌هایی ساخته می‌شود؟
 ② اسم‌های تفضیل خاص کدام‌اند؟
 ③ اسم‌های تفضیل را چگونه ترجمه کنیم؟
 ④ «خیر و شر» چه خاصیت ویژه‌ای دارند؟
 ⑤ اسم مشتق چگونه اسمی است؟
 ⑥ اسم مکان چه اوزانی دارد؟

و حالا در ادامه این بحث می‌خواهیم وزن‌ها و ساختارهای جدیدی را بشناسیم که در ترجمه اسم‌ها تأثیر دارد.

اسْمُ التَّفْضِيلِ

به جملات زیر دقت کنید: ① علی از دوستان خود **داناتر** است. ② این ماشین **زیباترین** ماشین‌های جهان است. گاهی می‌خواهیم بین انسان‌ها یا اشیاء، مقایسه‌ای انجام بدهیم تا بدانیم کدام‌یک برتر هستند. در زبان فارسی برای این کار از صفت عالی یا صفت تفضیلی کمک می‌گیریم و در زبان عربی از اسم تفضیل برای این کار استفاده می‌شود.

برای ساخت اسم تفضیل در عربی از وزن‌های زیر استفاده می‌کنیم.
أَفْعَل (برای مذکر) ← **أَجْمَل** (زیباتر، زیباترین)، **أَفْضَل** (برتر، برترین)، **أَكْرَم** (گرامی‌تر، گرامی‌ترین) و ...
فُعَلَى (برای مؤنث) ← **حُسْنَى**، **عُظْمَى**، **دُنْیا** و ...

پس برای نوشتن همان جملات به زبان عربی به روش زیر عمل می‌کنیم:

- ① عَلِيٌّ أَجْمَلُ مِنْ أَصْدِقَائِهِ!
 ② هَذِهِ السَّيَّارَةُ أَجْمَلُ السَّيَّارَاتِ فِي الْعَالَمِ!

تست عین ما لیس فیہ اسم التفضیل:

(۱) ﴿لله الأسماء الحسنى﴾ (۲) الدنيا مزرعة الآخرة! (۳) ﴿و جزاء سيئة سيئة مثلها﴾ (۴) ﴿ولكن أكثر الناس لا يعلمون﴾
پاسخ گزینه «۳» در این گزینه، کلمه‌ای بر وزن **أفعل** یا **فعلی** دیده نمی‌شود، ولی در گزینه‌های دیگر:
 گزینه (۱): «حسنى» بر وزن «فعلی» و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «الدنيا» بر وزن «فعلی» و اسم تفضیل است. / گزینه (۴): «أكثر» بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل است.

نکات تکمیلی:

۱ اسم‌های تفضیل ممکن است با کمی تغییر ظاهری در جمله حضور پیدا کنند، یعنی با وزن‌های زیر دیده می‌شوند:
 ✓ **أفل** ← أهما (مهم‌تر، مهم‌ترین)، أحب (محبوب‌تر، محبوب‌ترین)، أجل (باشکوه‌تر، باشکوه‌ترین) و ...
 ✓ **أفعی** ← أعلی (بالتر، بالاترین)، أعلی (گران‌تر، گران‌ترین)، أخفی (پنهان‌تر، پنهان‌ترین) و ...
تذکره کلماتی که بر وزن «أفعی» هستند اگر به یک ضمیر متصل شوند، «الف» آن‌ها به صورت کشیده نوشته می‌شود، یعنی به صورت «أفعا» دیده می‌شوند.
مثال أئقی + کم ← أئفاکم

تست عین عبارة لیس فیها اسم التفضیل:

(۱) من أهما أسباب قطع التواصل بين الناس، الغيبة!
 (۲) إن الله يحب بين العبادات أخفاها!
 (۳) الجهل أشد الأمراض للمجتمع!
پاسخ گزینه «۴» در این گزینه، اسمی که بر وزن «أفعل» یا «فعلی» باشد، دیده نمی‌شود. دقت کنید که «إحدى» با کسر شروع شده و اسم تفضیل نیست.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «أهما» بر وزن «أفل» بوده و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «أخفاها» در اصل «أخفی + ها» بوده، پس «أخفی» بر وزن «أفعی» یک اسم تفضیل است. / گزینه (۳): «أشد» بر وزن «أفل» یک اسم تفضیل است.

۲ اسم‌های تفضیلی که بر وزن «أفعل» هستند معمولاً بر وزن «أفعل» جمع بسته می‌شوند.

مثال أكبر جمع ← أكابر أعظم جمع ← أعاظم أفضل جمع ← أفاضل

۳ در زبان عربی بیشتر رنگ‌ها و برخی عیب‌ها در حالت مذکر بر وزن «أفعل» و در حالت مؤنث بر وزن «فعلاء» آورده می‌شود. این کلمات را نباید اسم تفضیل بگیریم.

مثال • رنگ ← أخضر (خضراء): سبز - أحمر (حمرء): سرخ - أزرق (زرقاء): آبی - أصفر (صفراء): زرد و ...
 • عیب ← أحمق (حمقاء) - أعمى (عمياء): نابینا - أبكم (بكماء): لال و ...

جمع‌بندی با اطلاعاتی که تا الان به دست آوردیم، با چند نوع «أفعل» آشنا شدیم که هر کدام کاربرد و معنای خاص خود را دارد و باید بتوانیم آن‌ها را در جملات از هم تشخیص بدهیم.

| | | |
|-----------|-----|--|
| اسم تفضیل | اسم | • با «تر» یا «ترین» ترجمه می‌شود. |
| | | • مؤنث آن بر وزن «فعلی» است. |
| عیب و رنگ | اسم | • به یک رنگ یا عیب دلالت دارد. |
| | | • مؤنث آن بر وزن «فعلاء» است. |
| فعل | فعل | • از باب «إفعال» است. |
| | | • مربوط به صیغه «هو» می‌باشد. مثال ← أرسل، أصبح، أظفر و ... |
| | | • فعل مضارع |
| فعل مضارع | فعل | • ثلاثی مجرد است. |
| | | • مربوط به «أنا» می‌باشد. مثال ← أذهب، أعلم و ... |

مثال ۱ ﴿إني أعلم ما لا تعلمون﴾ ← با توجه به معنای آیه و وجود ضمیر «ی» (من) مشخص می‌شود که «أعلم» فعل مضارع است: «من می‌دانم آن‌چه را که شما نمی‌دانید».

مثال ۲ ﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى﴾ ← با توجه به معنای آیه شریفه و وجود ضمیر «هو» مشخص می‌شود که «أرسل» فعل ماضی است، «او کسی است که پیامبرش را با هدایت فرستاد».

تست عین ما فیہ اسم التفضیل:

(۱) إشتري أبي لأختي الصغيرة أساور من ذهب!
 (۲) ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل!
 (۳) لاعبوا هذا الفريق لهم ثوب أخضر!
 (۴) أصبح مطر السمك ظاهرة تحير الناس!
پاسخ گزینه «۲» «أفضل» بر وزن **أفعل** بوده و اسم تفضیل به حساب می‌آید.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «أساور» ظاهراً بر وزن «أفاعل» است اما این کلمه، جمع «سوار» به معنای «دستبند» است و اسم تفضیل به حساب نمی‌آید. / گزینه (۳): «أخضر» به معنای «رنگ سبز» است و اسم تفضیل نیست. / گزینه (۴): «أصبح» فعل ماضی و به معنای «شد» است و نباید آن را اسم تفضیل بگیریم.

مطالعه کنکور

| | | |
|----------|-----------|----------|
| آخر | آخر | |
| اسم فاعل | اسم تفضیل | نوع کلمه |
| پایان | دیگر | ترجمه |
| أَجْرَة | أُخْرَى | مؤنث |

۲ کلمه «آخر» اسم تفضیل به حساب می‌آید و مؤنث آن «أُخْرَى» است؛ سعی کنید تفاوت آن را با «آخر» به خاطر بسپارید.

۵ برای مقایسه میان مؤنث‌ها هم از وزنِ أَفْعَل استفاده می‌کنیم.
مثال: مریم أَعْلَمُ مِنْ فاطمة.

اما اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفتِ یک اسم مؤنث به کار ببریم، غالباً از همان وزن «فُعْلَى» کمک می‌گیریم.

مثال: • دانش آموز دیگر

| | | | | |
|-------------|------------------|--------|-----|------------------------------|
| } تلمیذ آخر | } تلمیذة أُخْرَى | } مؤنث | } • | برادر بزرگ‌تر ← الأخ الأكبر |
| | | | | خواهر بزرگ‌تر ← الأخت الكبرى |

تست: عین المناسب للفراغ: «أختي» تعمل في المستشفى و تخدم المرضى!

۱) الكبير ۲) الآخر ۳) الثاني ۴) الكبرى
پاسخ: گزینه «۴» می‌خواهیم برای «أخت» صفت بیاوریم پس باید صفت آن مؤنث باشد. در بین گزینه‌ها تنها «الكبرى» مؤنث است: «خواهر بزرگ‌تر» در بیمارستان کار می‌کند و به بیماران خدمت می‌کند.

خبر و شَر

دو کلمه «خیر» و «شَر» با این که بر وزن «أفْعَل» نیستند اما گاهی اسم تفضیل به حساب می‌آیند. برای تشخیص این مورد باید طبق دستور زیر عمل کنیم: اگر کلمه «خیر» در جمله، معنای «بهتر یا بهترین» و کلمه «شَر» معنای «بدتر یا بدترین» بدهد، اسم تفضیل به حساب می‌آید.

مثال: • تفكّر ساعةٍ خَيْرٍ من عبادة سبعين سنةً (ساعتی اندیشیدن از عبادت هفتاد سال بهتر است).

در این عبارت «خیر» معنای «بهتر» می‌دهد پس اسم تفضیل است.

• ﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (هر کس ذره‌اندکی خوبی انجام بدهد، آن را می‌بیند).

در این عبارت، «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد، پس اسم تفضیل نیست.

تست: عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

۱) الوحدة خير من جليس السوء! ۲) خير الناس من له خلق حسن! ۳) من دعاك إلى الخير فهو صديقك! ۴) هذا خير عمل يحبه الله و رسوله!
پاسخ: گزینه «۳» در این گزینه، «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد، پس اسم تفضیل نیست: «هر کس تو را به خوبی دعوت کند، دوست توست». در سایر گزینه‌ها «خیر» معنای «بهتر» یا «بهترین» می‌دهد پس اسم تفضیل است:
گزینه (۱): تنهایی بهتر از همنشین بد است! / گزینه (۲): بهترین مردم کسی است که اخلاق نیک داشته باشد! / گزینه (۴): این بهترین کاری است که خداوند و فرستاده‌اش آن را دوست دارند!

نکات تکمیلی

۱) اگر بعد از «خیر» یا «شَر» حرف «من» آمده باشد، می‌توانیم بدون ترجمه بگوییم اسم تفضیل هستند.

۲) «خیر» و «شَر» اگر «ال» داشته باشند، اسم تفضیل نیستند.

۳) جمع «خیر»، «أخيار» و جمع «شَر»، «شُرور» و «أشرار» است.

اسم مکان

اسم مکان به کلمه‌ای گفته می‌شود که به «مکان انجام فعل» اشاره می‌کند. مثلاً «مَعْبَد» یعنی «محلّ عبادت» یا «مَعْرَب» یعنی «محل غروب» یا «مزرعة» یعنی محل «کشت و زرع»!

اسم‌های مکان بر یکی از وزن‌های زیر ساخته می‌شوند:

۱) مَفْعَل ← مَعْبَد (عبادگاه)، مَطْبَخ (آشپزخانه) و ... ۲) مَفْعِل ← مَنزِل (خانه)، مَشْرِق (محل طلوع) و ... ۳) مَفْعَلَة ← مَدْرَسَة، مَزْرَعَة و ...

تست: عین عبارة ما جاء فيها اسم المكان:

۱) مقبرة «حافظ» تقع في مدينة شيراز! ۲) هم لا يجعلون في المخزن شيئاً للمحتاجين!
۳) ذلك متجر زميلي و له سراويل أفضل! ۴) هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين!
پاسخ: گزینه «۴» در این جمله «مُهتدي» با «م» شروع شده و عین الفعل آن کسره دارد، پس اسم فاعل است؛ اما در گزینه‌های دیگر به ترتیب، «مقبرة» (بر وزنِ «مَفْعَلَة»)، «المخزن» (بر وزنِ «مَفْعَل») و «مَتَجَر» (بر وزنِ «مَفْعَل») همگی اسم مکان هستند.

نکات تکمیلی

- ۱ کلماتی که بر وزن «مَفْعَل، مَفْعِل، یا مَفْعَلَة» هستند را با وزن «مَفَاعِل» جمع می‌بندیم. پس برای پیدا کردن اسم‌های مکان وزن «مَفَاعِل» را هم باید در نظر داشته باشیم. مَزْرَعَة ← مَزَارِع مَعْبَد ← مَعَابِد مَنَزِل ← مَنَائِل
- ۲ اسم‌های مکان ممکن است گاهی تغییراتی در ظاهرشان دیده شود؛ یعنی ممکن است آن‌ها را بر وزن‌های زیر ببینیم:
- مَفَال ← مَزَار، مَدَار، مَقَام و ... مَفَعَى ← مَرَمَى (دروازه)، مَأْوَى (پناهگاه)، مَقَهَى (قهوه‌خانه) و ... مَفَل ← مَمَر (گذرگاه)، مَمَر (راه فرار)، مَحَل، مَقَر و ...

تست عین ما لیس فیہ اسم المکان:

- (۱) لا تطلب العلم للوصول إلى مناصب دنیویة!
 (۲) یعجبني حارس مرمى فريق السعادة جداً!
 (۳) بعد أيام وجدنا مكاناً مناسباً لبناء بيتنا!
 (۴) ربي هو مُنزل القرآن لهداية جميع أبناء البشر!
- پاسخ گزینۀ «۴» در این گزینۀ «مُنزل» اسم فاعل است چون با «م» شروع شده و عین الفعل آن کسرۀ دارد: «نازل کننده».
- بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مَناصب» ← جمع «مُنصب» بر وزن «مَفْعَل» ← اسم مکان / گزینۀ (۲): «مَرَمَى» ← بر وزن «مَفَعَى» ← اسم مکان / گزینۀ (۳): «مکان» ← بر وزن «مَفَال» ← اسم مکان

۲ اسم‌هایی را که معنای مکان دارند ولی با وزن‌های بالا مطابقت ندارند اسم مکان نمی‌گیریم. پس کلماتی مانند «بیت (خانه)، زقاق (کوچه) و ...» اسم مکان به حساب نمی‌آیند.

۲ یک نکته مهم این است که گاهی کلماتی که بر وزن «مَفَاعِل» هستند اصلاً معنای «مکان» را در خود ندارند و نباید آن‌ها را اسم امکان بگیریم.

تست عین عبارة لیس فیها اسم مکان:

- (۱) اشتریت بطاقة لأدخل في الملعب الرياضي!
 (۲) لهذا السوق مداخل متعدّدة بعضها مغلقة الآن!
 (۳) التزم بمكارم الأخلاق لتحصل على رتبك!
 (۴) الحضور في محافل علمية مختلفة سبب أن أجمع لي تجارب كثيرة!
- پاسخ گزینۀ «۳» در این گزینۀ «مَكارم» با این که بر وزن «مَفَاعِل» است، ولی اصلاً معنای مکان ندارد، پس اسم مکان نیست: «به ارزش‌های اخلاقی پایبند باش تا خوشنودی پروردگارت را به دست بیاوری».
- بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مَلْعَب» ← اسم مکان است: «یک بلیت خریدم تا وارد ورزشگاه شوم» / گزینۀ (۲): «مداخل» ← جمع «مَدْخَل» و اسم مکان است: «این بازار ورودی‌های متعددی دارد که الان بعضی از آن‌ها بسته‌اند» / گزینۀ (۴): «محافل» ← جمع «مَحْفَل» و اسم مکان است: «حاضرشدن در محفل‌های علمی باعث شد که تجربه‌های زیادی را برای خودم جمع کنم».

اسم مشتق

در عربی به اسم‌هایی که براساس وزن و قاعده خاصی از روی فعل‌ها ساخته می‌شوند، اسم مُشْتَق می‌گویند. پس گروه‌های زیر همگی مشتق هستند:

۱ اسم فاعل ۲ اسم مفعول ۳ اسم مبالغه ۴ اسم تفضیل ۵ اسم مکان ۶ صفت مشتبه

یادگرفتن صفت‌های مشتبه طبق کتاب درسی لازم به نظر نمی‌رسد، ولی دانستن آن برای فهمیدن بحث «حال» که در درس ۲ عربی دوازدهم آمده بسیار مفید است، پس بهتر است با آن آشنا شویم:

صفت مشتبه ← به اسم‌هایی گفته می‌شود که معنای وصفی (صفت) دارند و جزء سایر مشتق‌ها نیستند.

مثال «جمیل» - زیبا - «فرح» - خوشحال - «کریم» - بخشنده - «فَلِق» - نگران - «کثیر» - زیاد و ...

خوب است بدانیم بیشتر کلماتی که بر وزن‌های «فَعِيل» یا «فَعِل» هستند صفت مشتبه‌اند.

پس اگر خواستیم مشتق‌ها را بشماریم یا پیدا کنیم باید دنبال تک‌تک موارد بالا بگردیم.

تست عین عبارة لیس فیها اسم مشتق:

- (۱) الدلائف ترشد الإنسان إلى مكان غرق سفينة!
 (۲) سبحان ربي الأعلى و بحمده!
 (۳) يستخدم المزارعون شجرة التفت كسياج لصيانة ثمراتهم!
 (۴) هذا علم تُطالِع فيه طريقة معالجة أمراض القلب!
- پاسخ گزینۀ «۴» در این گزینۀ «مُعَالَجَة» بر وزن «مَفَاعِلَة» مصدر است و مصدرها مشتق به حساب نمی‌آیند.
- بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مکان» بر وزن «مَفَال»، اسم مکان است، پس مشتق به حساب می‌آید. / گزینۀ (۲): «أَعْلَى» بر وزن «أَفْعَى»، اسم تفضیل است، پس این کلمه هم مشتق است. / گزینۀ (۳): «مَزَارِع» اسم فاعل ثلاثی مزید است و جزء مشتق‌ها در نظر گرفته می‌شود.

کارگاه ترجمه

ترجمه اسم تفضیل

همان‌طور که گفته شد، اسم تفضیل برای مقایسه استفاده می‌شود؛ پس برای ترجمه آن‌ها از «صفت + تر یا ترین» کمک می‌گیریم: أَجْمَل (زیباتر، زیباترین)، أَعْلَم (داناتر، داناترین) و ... اما برای ترجمه دقیق‌تر این اسم‌ها به موارد زیر دقت کنید:

• اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، آن را به صورت صفت برتر فارسی (صفت + تر) ترجمه می‌کنیم.



- **مثال** • ثوبِي أُرْحَضُ مِنْ ثوبِ صَدِيقِي ← لباس من از لباس دوستم ارزان تر است.
- هل شاهدتَ أَجْمَلَ مِنْ هَذِهِ الْمَنْظَرَةِ؟ ← آیا زیباتر از این منظره دیده‌ای؟
- اگر همراه اسم تفضیل، یک مضافاً‌لیه داشته باشیم، اسم تفضیل را به صورت صفت عالی فارسی (صفت + ترین) ترجمه می‌کنیم.
- **مثال** • أَفْضَلَ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ ← برترین مردم کسی است که بر هوا و هوس خود غلبه کند!
- **مثال** • أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا، أَخْفَاهَا ← بزرگ‌ترین عبادت از نظر پاداش، پنهان‌ترین آن است!

نکته عَيْنَ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: «أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي!»:

(۱) برادر محبوب من کسی است که عیب‌های من را به من بازگوید! (۲) برادرانم را دوست دارم؛ زیرا عیب‌هایم را به من هدیه می‌کنند!

(۳) محبوب‌ترین برادران من کسی است که عیب‌های من را به من هدیه کند! (۴) کسی که عیب من را به من هدیه کند، محبوب‌ترین برادر من است!

پاسخ گزینه «۳» «أَحَبُّ» بر وزن «أَقْل» اسم تفضیل است و چون با مضافاً‌لیه یعنی «إِخْوَان» آمده، به معنای «محبوب‌ترین» است؛ پس گزینه‌های (۱) و (۲) نمی‌توانند درست باشند. «إِخْوَان» و «عیوب»، هر دو، جمع هستند ولی در گزینه (۴) به صورت مفرد ترجمه شده‌اند؛ بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

نکات ترجمه‌متن

- **مثال** • قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا ← ممکن است در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است.
- قَدْ تَضَرَّرْنَا أَمَالِنَا الْكَثِيرَةَ ← گاهی آرزوهای زیادمان، به ما ضرر می‌سازد.
- بعض ... بعض:
- وقتی دو کلمه «بعض» در کنار هم قرار بگیرند، در ترجمه، از لفظ «یکدیگر» استفاده می‌کنیم.
- **مثال** • يَسْأَلُ بَعْضُ التَّلَامِيذِ بَعْضًا عَنِ مَوْعِدِ الْإِمْتِحَانِ ← دانش‌آموزان از یکدیگر دربارهٔ زمان امتحان سؤال می‌کنند.
- ﴿لَا يَغْتَنِبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾ ← نباید غیبت یکدیگر را کنید.
- «بئس» و «نعم»:
- کلمه «بئس» معنی «بد است» می‌دهد و برای بیان احساس‌مان دربارهٔ یک عمل زشت یا فرد بد به کار می‌رود.
- **مثال** • بئس القول الكذب ← دروغ، بد سخنی است!
- کلمه «نعم» معنی «خوب است» می‌دهد و برای تعریف کردن از یک فرد خوب یا کار پسندیده استفاده می‌شود.
- **مثال** • مُسَاعَدَةُ الْفُقَرَاءِ نِعْمَ الْعَمَلُ ← کمک کردن به فقیران، خوب کاری است!
- نِعْمَ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنُ الْمُخْلِصُ ← مؤمن باخلاص، خوب مؤمنی است!
- **نکته** دقت کنید که کلمات «نعم» و «بئس» به صورت «بهترین» یا «بدترین» ترجمه نشوند.

واژه‌ها

| | |
|---|---|
| تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ) | إِنْتَقَى: پروا کرد (انْتَقَى، يَنْتَقِي) |
| تَوَابٌ: بسیار توبه‌پذیر (در مورد خداوند)، بسیار توبه‌کننده (در مورد بندگان) | أَتَمُّ: کامل می‌کنم (تَمَّمْتُ، يُتَمِّمُ) |
| تَوَاضَعٌ: ارتباط | أَثْقَلَ: سنگین‌تر |
| جَادَلٌ: ستیز کرد (جَادَلَ، يُجَادِلُ) | إِثْمٌ: گناه |
| حَرَمٌ: حرام کرد (حَرَّمَ، يُحَرِّمُ) | أَدْعَى: دعوت کن (دَعَا، يَدْعُو) |
| حَسَنٌ: نیکو گردانید (حَسَّنَ، يُحَسِّنُ) | إِسْتَهْزَأَ: ریشخند کردن (اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ) |
| حَفِيٌّ: پنهان | أَسْرَى: حرکت داد (أَسْرَى، يُسْرِي) |
| زمیل: همکار، هم‌شاگردی | إِغْتَابٌ: غیبت کرد (اغْتَابَ، يَغْتَابُ) |
| سَاءٌ: بد شد (سَاءَ، يَسْوَأُ) | بئس: چه بد است |
| سَاتَرٌ: پنهان‌کننده، پوشاننده | بعض ... بعض: یکدیگر |
| سِعْرٌ: قیمت (جمع: أَسْعَارُ) | بَنَفْسَجِيٌّ: بنفش |
| ضَلٌّ: گمراه شد (ضَلَّ، يَضِلُّ) | تَجَسَّسٌ: جاسوسی کرد (تَجَسَّسَ، يَتَجَسَّسُ) |
| عَابٌ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (عَابَ، يَعْيبُ) | تَخْفِيفٌ: تخفیف |
| عَذَابٌ: عذاب داد (عَذَّبَ، يُعَذِّبُ) | تَسْمِيَةٌ: نام‌دادن، نامیدن (سَمَّى، يُسَمِّي) |

| |
|--|
| مَصْنَع: کارخانه |
| مَطْبُخ: آشپزخانه |
| مَطْبَعَة: چاپخانه |
| مَطْعَم: رستوران |
| مَلْعَب: ورزشگاه |
| مَنْزِل: خانه |
| مُهْتَدِي: هدایت شده |
| مَيْت: مُرده (جمع: أموات، مَوْتَى) |
| مِيزَان: ترازو (ترازوی اعمال) |
| نَوْعِيَّة: جنس |
| نَهَى: بازداشت، نهی کرد (نَهَى، يَنْهَى) |

| |
|--|
| عَسَى: شاید |
| فُسُوق: آلوده شدن به گناه |
| فَضَح: رسوا کردن |
| قَدْ: گاهی، شاید (بر سر فعل مضارع) |
| كِبَائِر: گناهان بزرگ (مفرد: كَبِيرَة) |
| كِرَّة: ناپسند داشت (كِرَّة، يَكْرَة) |
| لَحْم: گوشت (جمع: لُحُوم) |
| لَقَب: لقب داد (لَقَّب، يُلَقَّب) |
| لَمَز: عیب گرفت (لَمَز، يَلْمِز) |
| مَتَجَر: مغازه |
| مَعْرَن: انبار |

| |
|---|
| المُحَاوَلَة = الإِجْتِهَاد = السَّعْي (تلاش) |
| ذَنْب = إثم (گناه) |
| الكَرِيه = القَبِيح (زشت) |
| أُرِيدُ = أَطْلُبُ (می خواهم) |

| |
|---|
| السَّعْر = التَّمَن (بها) |
| عَسَى = رُبَّمَا (شاید، ممکن است ...) |
| الإِسْتِهْزَاء = السَّخْرِيَّة (مسخره کردن) |
| يَنْهَى = يَمْنَعُ (منع می کند) |

| |
|--|
| حَرَم (حرام کرد) ≠ أَحَلَّ (حلال کرد) |
| المَيْت (مُرده) ≠ الْحَيَّ (زنده) |
| سَاءَ (بد شد) ≠ حَسُنَ (خوب شد) |
| أَقَلَّ (کم تر) ≠ أَكْثَرَ (بیشتر) |
| التَّوَاصَل (ارتباط) ≠ التَّقَاتُع (بریدن) |

| |
|--|
| بَشَس (چه بد است) ≠ نِعَمَ (چه خوب است) |
| الخَفِي (پنهان) ≠ الظَّاهِر (آشکار) |
| يَكْرَة (ناپسند می داند) ≠ يُحِبُّ (دوست دارد) |
| صَلَّ (گمراه شد) ≠ إِهْتَدَى (هدایت شد) |
| الرَّخِيس (ارزان) ≠ الغالي (گران) |
| سوء الظَّن (بدگمانی) ≠ حُسْنُ الظَّن (خوش گمانی) |

ترجمه و بررسی جملات درس

| ردیف | جمله | ترجمه |
|------|---|---|
| ۱ | ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ﴾ | ای کسانی که ایمان آورده اید قومی قوم دیگر را نباید مسخره کند، |
| | | «لا یسخر» فعل نهی غایب است که با کلمه «نباید» ترجمه می شود. |
| ۲ | ﴿ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ ﴾ | شاید که آن ها از ایشان بهتر باشند. |
| ۳ | ﴿ وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءِ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ﴾ | وزنانی، زنان دیگر را (نباید مسخره کنند) شاید که آنان بهتر از ایشان باشند. |
| ۴ | ﴿ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ﴾ | از خودتان (یکدیگر) عیب جویی نکنید و به همدیگر لقب های زشت ندهید. |
| ۵ | ﴿ بَشَسِ الْإِسْمُ الْقُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ﴾ | بد نامی است «آلودگی به گناه» پس از ایمان آوردن. |
| | | «بشس» فعلی است که معنای «بد ... است» یا «چه بد ... است» می دهد و متضاد آن «نعم» است: «چه خوب ... است». |
| ۶ | ﴿ وَمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾ | و کسانی که توبه نکنند از ستمگران هستند. |
| | | این جمله، شرطیه است، برای همین «لم يتب» به صورت مضارع ترجمه می شود. |
| ۷ | ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ﴾ | ای کسانی که ایمان آورده اید، از شک و گمان بسیار دوری کنید زیرا |
| | | برخی از گمان ها گناه اند و جاسوسی نکنید. |
| | | «کثیراً» را در این آیه هم می توانیم به صورت قید ترجمه کنیم و هم مفعول: «از بسیاری گمان ها دوری کنید» یا «از گمان ها بسیار دوری کنید». |
| ۸ | ﴿ لَا يَغْتَنِبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ﴾ | از یکدیگر نباید غیبت کنید. |
| | | وقتی دوتا «بعض» کنار هم بیایند، معنی «همدیگر، یکدیگر، ...» می دهند. |
| | | • با این که «لا یغتنب» فعل غایب است ولی به خاطر ضمیر «کم» به شکل مخاطب ترجمه شده است. |

کارکنان

| | |
|---|--|
| ۹ | ﴿أَيُّ حِبِّ أَحَدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا فَكَرَهُتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟ (البته) آن را ناپسند می‌دانید و از خدا بترسید به راستی که خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است. |
| ۱۰ | قد يكون بين الناس من هو أحسن منا. شاید میان مردم کسی باشد که از ما بهتر است. |
| «قد» وقتی کنار فعل مضارع به کار برود معنای «شاید، گاهی و ...» می‌دهد ← «قد یكون»: شاید باشد | |
| ۱۱ | فَعَلِينَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْأَخْرَبِينَ بِكَلَامٍ حَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. پس باید از خودپسندی دوری کنیم و با سخنی پنهانی یا با اشاره، عیب‌های دیگران را بیان نکنیم. |
| ۱۲ | فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ <small>عليه السلام</small> : أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. امیرالمؤمنین علی <small>عليه السلام</small> گفته است: بزرگ‌ترین عیب این است که از چیزی که مانند آن در خودت هست عیب‌جویی کنی. |
| ۱۳ | تَنْصَحْنَا الْآيَةَ الْأُولَى وَ تَقُولُ: ﴿لَا تَعْيِبُوا الْأَخْرَبِينَ﴾ آیه نخستین ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید. |
| ۱۴ | وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا. بِنَسِّ الْعَمَلِ الْفُسُوقِ! و آنان را با لقب‌هایی که زشت می‌دانند لقب ندهید، بد کاری است «آلوده شدن به گناه». |
| ۱۵ | وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. و هر کس آن را انجام دهد از ستمگران است. |
| ۱۶ | إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است: |
| ۱۷ | الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْأَخْرَبِينَ وَ تَسْمِيَتَهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. مسخره کردن دیگران و نام‌گذاری آنان با نام‌های زشت؛ |
| ۱۸ | سَوْءَ الظَّنِّ وَ هُوَ إِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ. بدگمانی که آن اتهام زدن شخصی به شخصی دیگر است بدون دلیل منطقی؛ |
| ۱۹ | الْتَّجَسُّسَ وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ. جاسوسی کردن که آن تلاش زشتی است برای کشف رازهای مردم برای رسواکردنشان. |
| ۲۰ | وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. آن در مکتب ما از گناهان بزرگ و از اخلاق زشت است؛ |
| ۲۱ | وَ الْعَيْبَةُ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ. و غیبت که از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط در بین مردم است. |
| ۲۲ | سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ. برخی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره اخلاق نامیده‌اند. |

جملات مهم‌ترین‌ها

| ردیف | جمله | ترجمه |
|---|--|--|
| ۱ | خيرٌ إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم. «أهدى» فعل ماضی به معنای «هدیه کرد» است. • مفهوم عبارت است که بهترین دوست کسی است که عیب‌های ما را به ما تذکر بدهد. | بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه کند. |
| ۲ | مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ. | هر کس شهوتش بر عقل او غلبه کند او بدتر از چهارپایان است. بدترین مردم شخص دوروست. |
| ۳ | ﴿جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ | با آنان با روشی که نیکوتر است گفت‌وگو کن، زیرا پروردگارت به آن که از راهش گمراه شده آگاه‌تر است. |
| مفهوم عبارت: «خوش‌برخوردی با دیگران و سخن‌گفتن با نرمی و ادب با آنان» | | |
| ۵ | يَخْتَلِفُ سِعْرُ هَذِهِ السَّرَاوِيلِ حَسَبِ النُّوعِيَّاتِ. ذلك متجزئ زميلي له سراويل أفضل. | قیمت این شلوارها براساس جنس تفاوت دارد. آن فروشگاه دوستم است، او شلوارهای بهتری دارد. |
| ۶ | مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. | هر کس اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد. |
| ۷ | اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي. | خدایا همان‌طور که آفرینش من را خوب انجام دادی، اخلاقم را نیکو گردان. |



بهداردم - الدرس الأول

پیشترها چہا گزینہ کی



واٹرگان

۱۰۷۶- عین الخطأ في الفراغات:

- (۱) اِتِّهَامٍ شَخْصٍ لَشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطَقِيٍّ! (سوء الظَّنِّ)
 (۲) لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ مِنْ أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ! (التَّجَسُّسِ)
 (۳) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْضَالَ!
 (۴) إِظْهَارِ النَّدَامَةِ وَالسَّعْيِ لِتَعْوِضِهِ هُوَ! (العُجْب)

۱۰۷۷- عین العبارة التي قد جاءت فيها المتضادتان:

- (۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ!
 (۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْضَالَ!
 (۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!
 (۴) أَكْبَرَ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ!

۱۰۷۸- عین ما جاءت فيه كلمتان متضادتان:

- (۱) إِنَّ تَرْزُوعَ شَرًّا تُحْصِدُ نَدَامَةً فِي النَّهْيَةِ!
 (۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ﴾
 (۳) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
 (۴) اللَّهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّحْرِتَةِ مِنَ الْآخَرِينَ!

۱۰۷۹- «كَمْ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟ - يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ وَلِكِنِّي أَعْطَيْكُنَّ!»:

- (۱) قِيمَةٌ - الْأَسْعَارُ - التَّخْفِيفُ
 (۲) نَقُودٌ - التَّوَعِيَاتُ - التَّخْفِيفُ
 (۳) سِعْرٌ - التَّوَعِيَاتُ - التَّخْفِيفُ
 (۴) قِيمَةٌ - الْأَسْعَارُ - التَّخْفِيفُ

۱۰۸۰- عین الخطأ لتكميل الفراغات:

- (۱) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ بَيْنَ النَّاسِ! (التَّوَاضُلِ)
 (۲) لَا تَشْخَرُوا مِنْ قَوْمٍ آخَرَ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْكُمْ! (عَسَى)
 (۳) إِنَّا مُنِغْنَا عَنْ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ! (تَسْمِيَةِ)
 (۴) مَنْ خُلِقَ عَذْبَ نَفْسِهِ! (حَسَنٌ)

۱۰۸۱- عین الخطأ في التضاد:

- (۱) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ فِي الْقُرْآنِ مَا يَضُرُّنَا: أَحَلَّ
 (۲) ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾: الْمَيِّتُ
 (۳) ﴿إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: أَهْدَى
 (۴) الْكَلَامُ الْخَفِيُّ فِي الْجَمَاعَةِ قَبِيحٌ فَاجْتَنِبُوهُ: الظَّاهِرُ

۱۰۸۲- عین الخطأ في المتضاد و المترادف:

- (۱) قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ / ذَنْبٌ = إِثْمٌ
 (۲) ضَلَّ ≠ إِهْتَدَى / أَرْسَلَ = بَعَثَ
 (۳) جَلَسَ ≠ قَامَ / عَصَى = أَطَاعَ
 (۴) بَعُدَ ≠ قَرَّبَ / فَرَّ = هَرَبَ

۱۰۸۳- توجّد الكلمتان المتضادتان في عبارتين

- (الف) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ لِأَنَّهُ أَمْرٌ قَبِيحٌ!
 (ب) وَج
 (ج) ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
 (د) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْغَيْبَةَ فَجَادِلْ مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ!
 (الف و ج)
 (الف و د)
 (ج و د)

۱۰۸۴- عین غير المناسب حسب التوضيحات:

- (۱) الْفَلَقُ: اسْمٌ آخَرَ لِلصَّيْحِ وَالْفَجْرِ!
 (۲) الْمَتَجَرُّ: مَوْضِعُ التَّجَارَةِ أَوْ الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ!
 (۳) الْفَاسِقُ: الَّذِي خَرَجَ مِنْ طَرِيقِ الْحَقِّ وَتَرَكَ الذَّنْبَ!
 (۴) الْخَفِيُّ: مَسْتَوْرٌ وَمُتَضَادٌّ لِلظَّاهِرِ!

۱۰۸۵- عین الصحيح حسب الحقيقة:

- (۱) الْعُجْبُ هُوَ أَنْ يَسْتَرَّ الْإِنْسَانُ عِيُوبَ الْآخَرِينَ وَ لَا يَغْفِلُ عَنْهَا فِي نَفْسِهِ!
 (۲) التَّجَسُّسُ هُوَ إِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ!
 (۳) يَحْذَرُنَا الْإِسْلَامَ مِنَ الْاسْتِهْزَاءِ بِالْآخَرِينَ وَ يَمْنَعُنَا مِنْ تَسْمِيَتِهِمْ بِالْأَلْقَابِ الْقَبِيحَةِ!
 (۴) الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ يَذْكَرَ الْإِنْسَانُ لِأَخِيهِ فِي غَيْبَتِهِ شَيْئًا لَا يَكْرَهُهُ عِنْدَ سَمَاعِهِ!

(كانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(كانون فرهنگی آموزش ۹۷)

(سراسری تهرنی ۹۸)

(سراسری انسانی ۹۸)

۱۰۸۶- البضائع فالناس طلبوا من الحكومة أن! عین المناسب للفراغات:

- (۱) قِيمَةٌ - يَزِيدُ - تُقَلَّلُهَا
 (۲) ثَمَنٌ - كَثُرَتْ - تُمَرَّرُهَا
 (۳) أَسْعَارٌ - ارْتَفَعَتْ - تُخَفِّضُهَا
 (۴) نَقُودٌ - يَرْتَفِعُ - تُمْنَعُهَا

۱۰۸۷- عین الخطأ:

- (۱) «الغيبه» هي أن نذكر الآخرين بما لا يكرهون!
 (۲) «الميت» هو الذي قد خرجت روحه من بدنه و لا يتنفس!
 (۳) «التجسس» سعي لمعرفة أمور الآخرين و هو من قبائح الأمور!
 (۴) «الحجرات» جمع حجرة، و هي سورة في القرآن مشهورة بالعروس!



۱۰۸۸- ﴿و جَادِلْهُمْ بآئِي هِي أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾

- (۱) با آن‌ها با گفتاری نیکوتر ستیز کن، چرا که پروردگارت همان آگاه‌تر به کسی است که گمراه شده است!
- (۲) با روش‌های بهتر با آنان مباحثه کن، همانا پروردگار نسبت به کسی که از راه گمراه شده است، آگاه‌تر است!
- (۳) با آن‌ها به روشی که خوب است مجادله کن، قطعاً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند، آگاه است!
- (۴) با آنان به شیوه‌ای که بهتر است استدلال کن، همانا پروردگار تو به کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است!

۱۰۸۹- «هَلْ تَكْرَهُونَ أَكْلَ لَحْمِ أَخِيكُمْ مَيْتًا؟ فَلِمَ ذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الْغَيْبَةِ؟»

- (۱) آیا خوردن گوشت برادر مرده خود را ناپسند می‌دانند؟ پس چرا از غیبت پرهیز نمی‌کنند؟
- (۲) چرا ناپسند می‌دانید که گوشت برادران که مرده است را بخورید؟ پس چرا از غیبت اجتناب نمی‌کنید؟
- (۳) آیا خوردن گوشت برادران که مرده است را ناپسند می‌دانید؟ پس چرا از غیبت دوری نمی‌کنید؟
- (۴) آیا از خوردن گوشت‌های برادر مرده‌تان اکراه دارید؟ پس باید از غیبت دوری کنید!

۱۰۹۰- «قَدْ عَلَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ أَهْمَ الْأُمُورِ الْأَخْلَاقِيَّةِ فِي حَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ»:

- (۱) خداوند در قرآن کریم کارهای اخلاقی مهم در زندگی روزانه را یاد داده است!
- (۲) خداوند در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین امور اخلاقی را در زندگی روزمره‌مان آموزش می‌دهد!
- (۳) خداوند مهم‌ترین امور اخلاق در قرآن کریم را در زندگی روزانه‌مان یاد داده است!
- (۴) خداوند در قرآن کریم مهم‌ترین کارهای اخلاقی در زندگی روزانه‌مان را آموزش داده است!

۱۰۹۱- «يَا سَا تِرْ كُلِّ مَعْيُوبٍ اِقْبَلِ التَّوْبَةَ عَنِّي وَ اِزْحَمْنِي، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ!»:

- (۱) ای پوشاننده هر عیبی، توبه را از من بپذیر و به من رحم کن، همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی!
- (۲) ای پوشاننده همه عیب‌ها، توبه را از من قبول کن و به من رحم کن که قطعاً تو بهترین مهربانان هستی!
- (۳) ای کسی که هر عیبی را می‌پوشانی، توبه‌ام را از من قبول کن و به من رحم کن، یقیناً تو از بهترین رحم‌کنندگانی!
- (۴) ای پوشاننده هر عیب، توبه‌ام را از من قبول بفرما و به من رحم نما، همانا تو رحم‌کننده مهربانی هستی!

۱۰۹۲- «أَحَبُّ أَوْلَادِي مَنْ لَا يَعْيبُونَنَا وَلَكِنَّهُمْ يُهْدُونَنَا إِلَيْنَا عَيْبُونًا!»:

- (۱) دوست دارم دوستانم را که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند، ولی به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!
- (۲) دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب نمی‌گیرند ولی ما را در مورد عیب‌هایمان هدایت می‌کنند!
- (۳) محبوب‌ترین دوستانم کسی است که از ما عیب‌جویی نکند ولی به ما عیب‌ها را هدیه دهد!
- (۴) محبوب‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند ولی به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!

۱۰۹۳- «عَلَيْنَا أَنْ نَنْصَحَ طَالِبًا يَسْخَرُ مِن كُلِّ الطَّلَابِ فِي الصَّفِّ حَتَّى يَتَنَبَّهَ!»:

- (۱) ما باید نصیحت کنیم دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌کند تا آگاه شود!
- (۲) بر ماست که نصیحت بکنیم دانش‌آموزی را که هر دانش‌آموزی را در کلاس مسخره می‌کند تا این‌که بفهمد!
- (۳) باید دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌نماید آگاه کنیم و نصیحت کنیم!
- (۴) دانش‌آموزی را که در کلاس همه دانش‌آموزان را مسخره می‌کند باید نصیحت کرد تا آگاه شود!

۱۰۹۴- «قَدْ لَقَّبَ بَعْضُ زَمَلَائِي صَدِيقِي بِلِقَبٍ قَبِيحٍ يَكْرَهُهُ، بَسَّ الْعَمَلِ هَذَا!»:

- (۱) گاهی بعضی از هم‌شاگردی‌هایم، دوستانم را با لقب زشت لقب می‌دهند که از آن بدش می‌آید. این، کار بدی است!
- (۲) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم به دوستانم لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌دانیم. بد کاری است این عمل!
- (۳) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستانم را لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌داند. این، بد کاری است!
- (۴) تعدادی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستانم را لقبی ناپسند داده‌اند که آن را زشت می‌شمارند. این، بد عملی است!

۱۰۹۵- عين الخطأ:

(۱) لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرِيْنَ! از دیگران عیب‌جویی نکنید!

(۲) ﴿و لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا﴾ و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن اکراه دارند، لقب نمی‌دهند!

(۳) بَسَّ الْعَمَلِ الْفَسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ! بد کاری است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان آوردن!

(۴) و مِن لَم يَتَّبِ فَهَوُ مِنَ الظَّالِمِينَ! و هر کس توبه نکند او از ستمگران است!

۱۰۹۶- «قَدْ يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ، أَنْصَحُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ: يَمْنَعُ الْقُرْآنُ النَّاسَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ!»:

- (۱) قومی، قوم دیگر را نباید مسخره کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع کرده است!
- (۲) گاهی قومی، قوم دیگر را مسخره می‌کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع می‌کند!
- (۳) گاهی اوقات گروهی، گروه دیگر را مسخره می‌کند. باید آن‌ها را نصیحت کرد و به آن‌ها گفت: قرآن این کار را برای مردم ممنوع می‌کند!
- (۴) گروهی، گروه دیگر را مسخره کرده است. آن‌ها را نصیحت و سفارش کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن مردم را از این کار دور می‌کند!

۱۰۹۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾:

- ۱) کسانی که ایمان آورده‌اند از بسیاری از گمان‌ها می‌پرهیزند؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است!
- ۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گمان‌ها بسیار اجتناب کنید؛ زیرا گناه محسوب می‌شود!
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است!
- ۴) ای آنان که ایمان آورده‌اید از گمان‌های بسیاری اجتناب کرده‌اند؛ چه، بعضی از گمان‌ها گناه است!

۱۰۹۸- «الَّذِينَ لَا يَتُوبُونَ مِن كِبَائِرِ الذَّنُوبِ وَ يُغْتَابُونَ الْآخِرِينَ فَمَهُم فِي عَذَابٍ أَلِيمٍ»:

- ۱) کسانی که از گناهان کبیره توبه نمی‌کنند و غیبت دیگران را می‌کنند پس آن‌ها در عذابی دردناک هستند!
- ۲) کسانی که از گناهان بزرگ توبه نکرده‌اند و غیبت دیگران کرده‌اند، آن‌ها در عذاب دردناک‌اند!
- ۳) هر کس از گناهان بزرگ توبه نکند و غیبت دیگران کند در عذابی دردناک می‌باشد!
- ۴) کسانی که از گناهان کبیره خود توبه نمی‌کنند و از دیگران غیبت می‌کنند در دردناک‌ترین عذاب هستند!

۱۰۹۹- «تَنصَحْنَا إِحْدَى آيَاتِ الْقُرْآنِ فِي سُورَةِ الْحَجَرَاتِ وَ تَقُولُ: ﴿لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾:

- ۱) آیات اول سورة حجرات در قرآن، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: گروهی از شما گروه دیگر را غیبت نکند!
- ۲) یکی از آیات قرآن در سورة حجرات، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: بعضی از شما نباید غیبت دیگری را بکند!
- ۳) یکی از آیات قرآن در سورة حجرات، ما را نصیحت کرده و می‌گوید: بعضی از شما غیبت دیگری را نمی‌کند!
- ۴) یک آیه از آیات قرآن در سورة حجرات ما را پند می‌دهد و می‌گوید: نباید از دیگران غیبت کنیم!

۱۱۰۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ﴾:

- ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمی، مردم دیگری را مورد تمسخر قرار دهد زیرا ممکن است آن‌ها از ایشان باایمان‌تر باشند!
- ۲) ای آنانی که ایمان آورده‌اید، به مسخره کردن قوم دیگران نپردازید، شاید که آن‌ها از شما بهتر باشند!
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی، قوم دیگری را مسخره کند، شاید که آن‌ها از ایشان بهتر باشند!
- ۴) کسانی که ایمان آورده‌اند، نباید مردم دیگری را مسخره نمایند، شاید آن‌ها از ایشان برتر باشند!

۱۱۰۱- «لَا تَحْسَبُوا فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ فَضَحَهُمْ وَ هُوَ مِّن كِبَائِرِ الذَّنُوبِ الَّتِي لَنْ يُغْفِرَهَا اللَّهُ»:

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید؛ زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
- ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید؛ چون دلیل رسوایشان می‌شوید و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
- ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید؛ زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
- ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید؛ چه این کار، باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!

۱۱۰۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَىٰ عِلْمِهِ: کسی که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید، از همه داناتر است!
- ۲) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾: بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از بدترین چیزهایی که آفریده است!
- ۳) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ غِيوبَكُمْ!: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد!
- ۴) ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ﴾: پس خداوند آرامشی را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد!

۱۱۰۳- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!: کسی که شهوتش را بر عقلش مسلط سازد، از چارپایان هم بدتر است!
- ۲) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ!: عیب بزرگی است که از آن چه همانندش در خودت هم هست، عیب‌جویی نمای!
- ۳) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید!
- ۴) ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾: تقوای خدا پیشه کنید، بی‌شک، خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

۱۱۰۴- عَيْنَ الْخَطَا:

- ۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَبَ نَفْسَهُ!: هر کس بد اخلاق باشد، خودش در عذاب خواهد بود!
- ۲) إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ!: من فقط برانگیخته شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم!
- ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!: چیزی در ترازوی (اعمال) سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست!
- ۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، نزد خدا، سودمندترینشان برای بندگانش است!

۱۱۰۵- «قَدْ نَعِيبُ الْآخِرِينَ بِمَا فِيْنَا مِثْلَهُ فَهَذَا مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ الَّتِي يَجِبُ أَنْ نَجْتَنِبَهَا»:

- ۱) از دیگران به آن‌چه مانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این کار از کارهای بدی است که ما باید از آن اجتناب نماییم!
- ۲) گاهی از دیگران عیب‌هایی گرفته‌ایم که مانندش در خودمان هم هست. پس این، از بدترین کارهاست و باید از آن دوری کنیم!
- ۳) گاهی از دیگران به آن‌چه همانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این، از بدترین کارهایی است که باید از آن دوری نماییم!
- ۴) شاید از دیگران عیب‌هایی بگیریم که خودمان هم مانند آن را داریم. پس باید از آن دوری کنیم، زیرا از آن بدترین کارها می‌باشد!

۱۱۰۶- «قَدْ يَجْعَلُ اللَّهُ خَيْرًا فِي شَيْءٍ كُنَّا نَكْرَهُهُ فِي بَدَايَةِ الْأَمْرِ!»:

- ۱) گاهی خداوند در چیزی که در آغاز کار، آن را ناپسند می‌شمردیم، خیری قرار می‌دهد!
- ۲) بی‌شک الله در چیزی که آن را در ابتدای کار ناپسند می‌شماریم، خیری قرار داده است!
- ۳) شاید خداوند در چیزی که در آغاز کار آن را ناپسند شمرده بودیم، خیری قرار داده است!
- ۴) در ابتدای کار، چیزی را ناپسند می‌شماریم که شاید خداوند در آن خیری قرار دهد!

۱۱۰۷- «مَنْ يَنْهَضُ مِنْ مَكَانِهِ لِيَجِلَّ مَشَاكِلَ حَيْرَانِهِ يَعْتَبِرُ مِنْ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ...!»:

- ۱) هر کس از جای خود برخیزد و مشکلات همسایگانش را حل کند، بهترین بندگان خداوند است!
- ۲) کسی که برای رفع مشکلات نزدیکانش از جایش برمی‌خیزد، از بندگان خوب خداوند می‌باشد!
- ۳) اگر کسی از جای خویش برخیزد و اقدام به حل مشکلات همسایگانش نماید، از بهترین بندگان خداوند خواهد شد!
- ۴) هر کس از جای خود برخیزد تا مشکلات همسایگانش را حل کند، از بهترین بندگان خدا به حساب می‌آید!

۱۱۰۸- «قَدْ أَكَّدَ عَلَيْنَا أَنْ نُحَسِّنَ خُلُقَنَا فِي التَّوَاضُّعِ مَعَ الْأَخْرِيِّينَ فَإِنَّهُ يُؤَثِّرُ فِيهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا نَتَّصَوَّرُ!»:

- ۱) بر ما تأکید شده است که اخلاقمان را در ارتباط با دیگران نیکو گردانیم؛ چه آن بیشتر از آن چیزی که تصور می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد!
- ۲) به ما تأکید کرده‌اند که در ارتباطمان با دیگران خوش‌اخلاق باشیم؛ زیرا این کار بیشتر از چیزی که تصورش را می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیرگذار است!
- ۳) گاهی بر ما تأکید می‌شود که در ارتباط با دیگران، اخلاقمان را نیکو گردانیم، زیرا آن بر ایشان بیشتر از تصور ما تأثیر می‌گذارد!
- ۴) بر ما تأکید شده است که در ارتباط با دیگران خوش‌اخلاق باشیم؛ چون این کار، تأثیر بسیاری را بر آن‌ها می‌گذارد، بیشتر از چیزی که تصورش را کنیم!

۱۱۰۹- «لَا تَسْخَرْ مِنْ غُيُوبِ شَخْصٍ أَبَدًا لِإِنَّ الدَّهْرَ يَدُورُ وَ أَنْتَ تُصِيبُ بِنَفْسِ الْغُيُوبِ الَّتِي كُنْتَ تَسْخَرُهَا ذَاتَ يَوْمٍ...!»:

- ۱) نباید عیب‌های هیچ‌کس را مسخره نمایی؛ زیرا روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار خواهی شد!
- ۲) هیچ‌گاه عیب‌های کسی را مسخره نکن؛ چه روزگار می‌چرخد و تو به همان عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار می‌شوی!
- ۳) هیچ وقت عیب‌های دیگری را مسخره نکن؛ چه بسا روز بچرخد و تو هم به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار شوی!
- ۴) هیچ‌گاه اقدام به مسخره کردن عیب‌های کسی نکن؛ روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار می‌شوی!

۱۱۱۰- «جاسوسان برای کشف اسرار کشور ما تلاش خواهند کرد، اما ما به آن‌ها اجازه نمی‌دهیم!»:

- ۱) سَيَحَاوِلُ الْجَوَاسِيسُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمَخُ لَهُمْ! (۲) الْجَوَاسِيسُ سَيَحَاوِلُونَ لِكَشْفِ أَسْرَارِنَا فِي الْبِلَادِ وَلَكِن نَحْنُ مَا سَمِخْنَا لَهُمْ!
- ۳) الْجَوَاسِيسُ سَوْفَ يَحَاوِلُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمَخُ لَهُمْ! (۴) يَسْعَى الْجَوَاسِيسُ فِي بِلَادِنَا لِكَشْفِ أَسْرَارِنَا وَلَكِنَّا نَحْنُ لَا نَسْمَخُ لَهُمْ!

۱۱۱۱- «معلم زبان عربی، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: کسانی که از دیگران عیب‌جویی کنند در زندگی موفق نمی‌شوند!»:

- ۱) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَيَقُولُ: الَّذِينَ يَعِيبُ مِنَ الْأَخْرِيِّينَ لَا يَنْجَحُ فِي الْحَيَاةِ!
- ۲) نَصَحَنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَقَالَ: مَنْ يَلْمِزُونَ الْأَخْرِيِّينَ لَا يَنْجَحُونَ فِي النَّهَايَةِ!
- ۳) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَيَقُولُ: الَّذِينَ يَلْمِزُوا الْأَخْرِيِّينَ لَا يَنْجَحُوا فِي حَيَاتِهِمْ!
- ۴) تَنْصَحُنَا مَعْلَمَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَقُولُ: مَنْ يَلْمِزُنَ الْأَخْرِيَّ لَا يَنْجَحُ فِي الْحَيَاةِ!

۱۱۱۲- در مکتب ما تلاش برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آن‌ها از اخلاق زشت است. «في مکتبنا ..»:

- ۱) السَّيِّئُ لَا تَكْشِفُ أَسْرَارَ النَّاسِ لِلْفُضْحِ مِنْ أَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ! (۲) الْمَحَاوَلَةُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ!
- ۳) مَحَاوِلَتُنَا لِكَشْفِ الْأَسْرَارِ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْقَبِيحَةِ! (۴) السَّعْيُ لِكَشْفِ الْأَسْرَارِ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ مِنْ أَخْلَاقِنَا الْقَبِيحَةِ!

۱۱۱۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) همه شما باید از خودپسندی دوری کنید! عَلَيْكُمْ جَمِيعًا أَنْ تَجْتَنِبُوا الْعُجْبَ!
- ۲) دوستان تو باید عیب‌هایت را به تو هدیه کنند! يَجِبُ أَنْ يُهْدِيَكَ أَصْدِقَاؤُكَ عَيْبَكَ!
- ۳) پروردگاران به آن چه در سینه‌هایمان هست، آگاه‌تر است! إِنَّ رَبَّنَا عَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِنَا!
- ۴) خدایا از تو ممنونم زیرا تو اخلاقم را نیکو گردانیدی! اللَّهُمَّ أَشْكُرُكَ لِأَنَّكَ تَحْسِنُ خُلُقِي!

۱۱۱۴- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) بی‌شک خداوند نسبت به بندگان بسیار توبه‌پذیر است! إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ عَلَى عِبَادِهِ!
- ۲) گناهان کبیره به جز شرک، آمرزیده می‌شوند! تُغْفَرُ كِبَائِرُ الذُّنُوبِ إِلَّا الشَّرْكَ!
- ۳) دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، باتقواترینشان هستند! أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ!
- ۴) مدت‌گذشتن بعد از انجام کار نیک، بد عملی است! الْمَنْ بَعْدَ الْقِيَامِ بِحَسَنَةٍ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ!

۱۱۱۵- «بیشتر مردم حرف‌زدن با سخن پنهان را در جمع، ناپسند می‌شمارند!»:

- ۱) إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمِيعِ! (۲) لَا يَجِبُ أَكْثَرُ النَّاسِ أَنْ نَتَكَلَّمَ بِقَوْلٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمَاعَةِ!
- ۳) عَدَدٌ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَا يُحِبُّونَ التَّحَدَّثَ بِقَوْلٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمِيعِ! (۴) أَكْثَرُ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّحَدَّثَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ فِي الْجَمَاعَةِ!

۱۱۱۶- «جندی سابور أقدم جامعة في إيران أسس بأمر سابور الملك الساساني و قد كُتب على رأس بابها: العلم أفضل من الثروة و السيف!»:
جندی شاپور

(۱) قدیمی ترین دانشگاه ایران است که شاپور، پادشاه ساسانی، فرمان بنیان گذاری آن را داد و بر سردر آن نوشته شده بود: علم بهتر از ثروت و شمشیر است!

(۲) دانشگاهی قدیمی در ایران است که به فرمان شاپور، پادشاه ساسانی، بنیان گذاری شد و بر سردر آن نوشته شده بود: علم بهترین ثروت و شمشیر است!

(۳) قدیمی ترین دانشگاه در ایران است که به دستور شاپور، پادشاه ساسانی، تأسیس شد و بر سردر آن نوشته شده بود: دانش بهتر از ثروت و شمشیر است!

(۴) قدیمی ترین دانشگاه در ایران است که به دستور شاپور، پادشاه ساسانی، تأسیس شد و بر سردر آن نوشته شده بود: دانش بهترین ثروت و شمشیر است!

۱۱۱۷- «تَنْصَحُنَا آيَاتُنَا مَبَارِكَاتُنَا فِي سُورَةِ الْحَجَرَاتِ بِتَرْكِ صِفَتَيْنِ: الْأُولَى: عَيْبِ الْأَخْرَيْنِ وَ الثَّانِيَةِ: تَلْقِيبِ النَّاسِ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا!» (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(۱) دو آیه مبارک از سوره «الحجرات» ما را به ترک دو صفت دعوت می کند: نخست: عیبجویی از دیگران و دوم: ملقب کردن آنان به صفاتی که بدشان بیاید!
(۲) در سوره «الحجرات» دو آیه مبارک ما را سفارش می کند تا دو ویژگی را از خود دور کنیم: اولی: عیب گرفتن از مردم و دوم: دادن لقب های بدی به آنان که خوششان نمی آید!

(۳) دو آیه مبارک در سوره «الحجرات» ما را به ترک کردن دو خصلت پند می دهد: اول: عیبجویی کردن از دیگران و دوم: ملقب کردن مردم به لقب هایی که آن ها را ناپسند می دارند!

(۴) در سوره «الحجرات» دو آیه ما را از دو صفت باز می دارند: یکی این که از مردم عیبجویی کنیم و دوم آن که به آنان لقب هایی بدهیم که آن ها را ناپسند می دارند!

۱۱۱۸- «يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! لَا تَعْيَبُوا النَّاسَ أَبَدًا لِأَنَّ إِحْدَى آيَاتِ سُورَةِ الْحَجَرَاتِ تَنْصَحُنَا هَكَذَا!»: ای مؤمنان!

(۱) هیچ گاه از مردم عیبجویی نکنید، زیرا آیه اول از سوره حجرات به ما این طور اندرز می دهد!

(۲) عیب های مردم را هرگز آشکار نکنید، زیرا یکی از آیات سوره حجرات ما را این چنین پند می دهد!

(۳) از مردم هیچ گاه عیبجویی نکنید، چون یکی از آیات سوره حجرات به ما این چنین پند می دهد!

(۴) عیب های مردم را هرگز آشکار نکنید، چرا که یک آیه از سوره حجرات ما را این گونه نصیحت می کند!

۱۱۱۹- «لَا يَتَعَمَّدُ النَّاسُ عَلَى الَّذِي يَسْتَهْزِئُ بِالْآخِرِينَ وَ لَا يَتَّقِي اللَّهَ!»:

(۱) مردم نباید به کسی که دیگران را مسخره می کند، اعتماد کنند و باید از خدا بترسند!

(۲) کسی که دیگران را مسخره می کند به مردم اعتماد نمی کند و از خدا پروا ندارد!

(۳) مردم نباید به کسی که دیگران او را مسخره می کنند و از خدا پروا ندارند، اعتماد کنند!

(۴) مردم به کسی که دیگران را مسخره می کند و از خدا نمی ترسد، اعتماد نمی کنند!

۱۱۲۰- «ذَهَبَتْ إِلَى مَنَجْرٍ زَمِيلِي وَ اشْتَرَيْتُ سُرُوَالًا بَعْدَ التَّخْفِيفِ بِسِعْرِ تِسْعِينَ أَلْفِ تُوْمَانٍ!»:

(۱) به مغازه همکارم رفتم و شلوااری را بعد از تخفیف به قیمت هفتاد هزار تومان خریدم!

(۲) به مغازه همکارم رفتم و شلوااری را بعد از تخفیف به قیمت نود هزار تومان خریدم!

(۳) به دکان همکارم رفتم و پیراهنی را بعد از تخفیف به قیمت هشتاد هزار تومان خریدم!

(۴) به مغازه همکارم رفتم و شلوااری را بعد از تولید به قیمت نود هزار تومان خریدم!

۱۱۲۱- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) اکتسبت أفضل الدرجات في امتحان اللغة العربية بين زملائي! بهترین نمره ها را در آزمون زبان عربی در میان همکلاسی هایم به دست آوردم!

(۲) بیع هذا البائع بضاعه بأدنى الأسعار في مدينتنا! این فروشنده اجناسش را با پایین ترین قیمت ها در شهرمان به فروش می رساند!

(۳) السكوت أفضل من أن نذكر عيوب الآخرين في غيابهم! سکوت بهتر از این است که عیب های دیگران را در غیابشان بیان نماییم!

(۴) إن الإسلام قد حرم الغيبة، لأنها من أهم أسباب قطع العلاقات! قطعاً اسلام غیبت را حرام نموده است؛ زیرا از سایر عوامل در قطع روابط مهم تر است!

۱۱۲۲- «قَدْ تَنَابَزَ بَعْضُ النَّاسِ بَعْضَ الْأَخْرَيْنِ بِأَسْمَاءٍ قَبِيحَةٍ وَ قَدْ يَسْتَهْزِئُونَ بِهِمْ، إِنَّ هَذَا الْعَمَلَ فَسُوقٌ!»:

(۱) بعضی مردم به بعضی دیگر، اسامی ناپسندی نسبت داده اند و گاهی آن ها را مسخره می کنند، همانا این کار، به گناه افتادن است!

(۲) گاهی برخی مردم به برخی دیگر، نام های زشتی می دهند و گاهی به وسیله آن ها مسخره می کنند، همانا این کار از گناهان است!

(۳) برخی مردم به برخی دیگر اسامی زشتی نسبت داده اند و با استفاده از آن ها به تمسخر می پردازند، همانا این کار، به گناه افتادن است!

(۴) شاید بعضی مردم به بعضی دیگر، نام های زشتی نسبت بدهند و گاهی آن ها را مسخره کنند، همانا این کار، به گناه آلوده شدن است!

۱۱۲۳- «مَنْ يَنْظُرُ فِي عَيْبِ الْأَخْرَيْنِ وَ يَغْفُلُ عَنْ أَحْطَاءِ نَفْسِهِ تَطَهَّرَ الْأَخْلَاقَ السَّيِّئَةَ فِيهَا!»:

(۱) هر کس به عیب های دیگران بنگرد و از اشتباهات خود غافل شود، خوی های بد در او آشکار می گردند!

(۲) کسی که به تمام عیب ها بنگرد و از اشتباه خودش غافل شود، اخلاق زشت در او نمایان می شود!

(۳) هر کس عیب دیگران را نگریست و از اشتباهات خود غافل شد، خوی های بد در او آشکار گردید!

(۴) کسی که به عیب دیگران نگاه کند و از خطاهای خود غفلت بورزد، اخلاق زشت در او نمایان خواهد شد!



۱۱۲۴- «أرأيت أشجع من هؤلاء الشباب المجتهدين الذين يقفون أمام أعظم مشاكل حياتهم بالسعي و المقاومة؟»: آیا

- ۱) دیده‌های شجاع‌ترین جوانان تلاشگری را که با سعی و پایداری در مقابل بزرگ‌ترین مشکلات زندگی خود می‌ایستند! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۲) شجاع‌تر از این جوانان کوشایی را دیده‌ای که با سعی و مقاومت، فرا روی بزرگ‌ترین سختی‌های زندگی‌شان ایستادگی کرده‌اند؟
- ۳) شجاعتی بیشتر از شجاعت جوانان تلاشگر را مشاهده نموده‌ای که در برابر مشکلات بزرگ زندگی خود با تلاش و ایستادگی، مقاومت می‌کنند؟
- ۴) دلیرتر از این جوانان کوشایی را که در مقابل بزرگ‌ترین مشکلات زندگی‌شان، با سعی و مقاومت می‌ایستند، دیده‌ای؟!

۱۱۲۵- «لا تجسسوا في أمور الآخرين لأنه يسبب فضحهم و هو من كبائر الذنوب التي لن يعفوها الله!»: (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید، زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
- ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید، چون دلیل رسوایشان می‌شوید و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
- ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید، زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
- ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید، چه این کار باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!

۱۱۲۶- «أحب الناس إلى الله يوم القيامة إمام عادل لأن الناس أشبه بأمرائهم أخلاقاً»: (کانون فرهنگی آموزش ۹۵)

- ۱) روز قیامت، خداوند پیشوایان عدل‌پیشه را دوست دارد، چون مردم شبیه فرمانروایانشان هستند!
- ۲) محبوب‌ترین مردم نزد خدا در روز قیامت، پیشوایی عادل است، زیرا مردم از جهت اخلاق به حاکمانشان شبیه‌ترند!
- ۳) دوست‌داشتنی‌ترین فرد در پیشگاه خداوند، حاکم عدل‌گستر است، زیرا انسان‌ها اخلاقشان مثل حاکمانشان می‌شود!
- ۴) روز حساب، محبوب‌ترین مردم برای خدا، فرمانروای عادل است، چون آن‌ها از لحاظ خلق و خو به حاکمان شبیه‌ترند!

۱۱۲۷- عین الخطأ:

- ۱) قال المعلم لمتعلميه تكلموا معاً بالتي هي أحسن! معلم به دانش‌آموزانش گفت که با یکدیگر به وجهی که بهتر است سخن بگویید! (سراسری تهری ۹۵)
- ۲) نحن نصلي لله مطلقين المعونة الإلهية منه! ما نماز می‌خوانیم چون از او یاری الهی را خواستاریم!
- ۳) قلب هذا المؤمن كأنه قد فرغ من غير الله! قلب این مؤمن گویی از غیر خدا خالی شده است!
- ۴) جمال العلم و الأدب زينة لا تزول! : زیبایی علم و ادب زینتی است که زایل نمی‌شود!

۱۱۲۸- «إذا أساءك أحد مقابل مروءتك إليه، فلا تخبر الناس بما فعل بك حتى لا تزول المروءة في الدنيا!»: (سراسری ریاضی ۹۵)

- ۱) هنگامی که کسی در مقابل جوانمردی‌ات به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!
- ۲) آن‌گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کرد، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۳) چنانچه بدی کردن شخصی به تو در برابر مروءت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۴) اگر شخصی مقابل مروءت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

۱۱۲۹- ﴿عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونا﴾: (سراسری هنر ۹۴)

- ۱) بندگان رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند! ۲) عبادت‌کنندگان رحمانی آنان هستند که بر زمین هموار راه می‌روند!
- ۳) عبادت‌کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره زمین ره می‌سپارند! ۴) بندگان خداوند رحمانی آنان هستند که بر کره زمین به سادگی راه می‌سپارند!

۱۱۳۰- «الغد المضيء يتعلق بمن يعرف اليوم و ينتفع به بأحسن وجه!»: (سراسری تهری ۹۳)

- ۱) فردای روشنی‌بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
- ۲) فردایی روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
- ۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروزش را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!
- ۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

۱۱۳۱- «أعرض عن هوى نفسك حتى لا يصل ضرره إلى قلبك!»: (سراسری ریاضی ۹۳)

- ۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند! ۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
- ۳) از خواهش‌های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد! ۴) از خواهش‌های نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۱۱۳۲- عین الخطأ:

- ۱) الوالدان يخفق قلبهما لحب أولادهما دائماً! والدين قلبشان همواره به عشق فرزندان‌شان می‌تپد!
- ۲) رأيت إقبال أولادنا على التلفزيون قد ازدادا! توجه فرزندانمان را به تلویزیون می‌بینم که زیاد می‌شود!
- ۳) إن أحب الأعمال عند الله أومها و إن قلت! محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند بادوام‌ترین آن‌هاست، اگرچه اندک باشد!
- ۴) علی الانسان أن يتحرر من كل عبودية إلا عبودية الله تعالى! بر انسان است که از هر عبودیتی جز عبودیت خداوند تعالی آزاد شود!

۱۱۳۳- «الأفضل للطالب أن ينتخب فرعه الجامعي بدقة حتى لا يندم في المستقبل!»: (سراسری زبان ۹۰)

- ۱) دانش‌آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش‌آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش‌آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

۱۱۳۴- «قد تعلّمت أن لا أعجل في معاتبة أحد بذنب ارتكبه، فلعلَّ الله أراد أن يغفر ذنبه!»: (سراسری انسانی ۹۰)

- ۱) یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!
- ۲) مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، چه بسا بخواهد از گناه آن‌ها گذشت کند!
- ۳) فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به خاطر گناه‌کردنشان نباید شتاب داشته باشم، چه بسا خدا بخواهد آن‌ها را بیامرزد!
- ۴) به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده‌ی خداوند باشد!

۱۱۳۵- «زَيِّنُوا أَنْفُسَكُمْ فِي الدُّنْيَا بِمَا يَلِيْقُ لِآخِرَتِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا، مَا دَامَتِ الْفُرْصَةُ بَاقِيَةً لَكُمْ!»: (سراسری انسانی ۹۰)

- ۱) تا فرصت دارید در این دنیا به چیزی مزین شوید که شایسته‌ی آخرت شما است!
- ۲) در این دنیا از خود دنیا آن‌چه را شایسته‌ی شماست برای آخرت بیابید تا فرصت آن را دارید!
- ۳) از خود دنیا برای آخرت خود آن‌چه شایسته است زینت خویش سازید تا فرصتی برایتان باقی است!
- ۴) تا فرصت برایتان باقی است، در دنیا خویشتن را بدان‌چه از خود دنیا شایسته‌ی آخرتتان است بیارید!

۱۱۳۶- «شعرت بأنَّ الشَّيْطَانَ يُقَهِّقُهُ وَ يَسْخِرُ مِنِّي عِنْدَ عَصِيَانِ رَبِّي!»: (سراسری انسانی ۹۰)

- ۱) گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه‌ی شیطان واقع شده‌ام!
- ۴) احساس کردم گویی این قهقهه‌ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

۱۱۳۷- «يَجِبُ أَنْ نَنْظُرَ فِي عَيُوبِ أَنْفُسِنَا حَتَّى نَغْفَلَ عَنْ عَيُوبِ الْآخِرِينَ، لِأَنَّ مِنْ يَنْظُرُ فِي عَيُوبِ النَّاسِ يَنْسُ عَيُوبَ نَفْسِهِ!»: (سراسری تهرنی ۸۹)

- ۱) فقط باید عیوب خود را ببینیم، زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب‌های خود را فراموش می‌کنیم!
- ۲) نگرستن در عیوب خود غفلت از عیب‌های دیگران است، زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می‌کند خود را فراموش کرده است!
- ۳) باید در عیب‌های خود بنگریم تا از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا هر کس در عیب‌های مردم بنگرد عیب‌های خود را فراموش می‌کند!
- ۴) لازم است در عیب‌های خود بنگریم تا این‌که از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا نگاه‌کردن در عیب‌های مردم فراموش‌کردن عیب خود است!

۱۱۳۸- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری زبان ۸۹)

- ۱) الظَّمُّ عَلَى الضَّعِيفِ أَقْبَحُ الظَّلْمِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲) الزاهدون يجتنبون الخطيئات، و هؤلاء محبوبون عند الله: زاهدان از خطاها دوری می‌کنند و این‌ها پیش خدا محبوب‌اند!
- ۳) التَّاسُ يُدْنِبُونَ وَ قَلِيلٌ مِنَ هَؤُلَاءِ الْمَذْنِبِينَ يَتُوبُونَ! مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!
- ۴) يعبد العابدون الله في اللّيل المظلم و هذا اللّيل كسرت لهم! عبادان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

۱۱۳۹- «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَبْدَأُ بِتَأْدِيبِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِ غَيْرِهِ!»: (سراسری زبان ۸۸)

- ۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
- ۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود بپردازد!
- ۳) فاضل‌ترین مردم آن است که ادب‌کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
- ۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب‌کردن خود بپردازد!

۱۱۴۰- عَيْنُ الصَّحِيح: (سراسری ریاضی ۸۷)

- ۱) طوبى لمن يشغله عيبه عن عيوب الآخرين: خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیوب دیگران بازدارد،
- ۲) و لا يشغله مقامه و لا يغرّه ماله في هذه الدنيا: و در این دنیا مقام او را به خود مشغول نکرد و مال او را مغرور نکرد،
- ۳) و يعظّم الله كما عظّم الله نفسه: و خدا را بزرگ داشت همان‌طور که خود بزرگ داشته شده،
- ۴) فهكذا إذا مات يكون رسول الله أنيسه! این‌گونه است که زمان مرگ، مونس رسول خدا می‌شود!

۱۱۴۱- «يا عباد الله! لا تحزنوا فأنتم في أعلى درجة إن كنتم محبّين له!»: ای بندگان خدا (سراسری تهرنی ۸۷)

- ۱) غم مخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
- ۲) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
- ۳) هرگز غم مخورید، چه شما اگر او را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
- ۴) هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه‌اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

۱۱۴۲- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری انسانی ۸۷)

- ۱) أليس العلم أحبّ إليك من الثروة؟: آیا نزد تو علم محبوب‌تر از ثروت نیست؟
- ۲) الله أعلم بما نعمل في كلّ زمن! خداوند بر آن‌چه در هر زمان انجام می‌دهیم آگاه‌تر است!
- ۳) هذان البلدان أكبر بلدین شاهدتهما! این دو شهر از شهرهای بزرگی هستند که آن‌ها را شناخته‌ام!
- ۴) إن أحسن التلاميذ من يساعدون الآخرين! بهترین دانش‌آموزان کسانی هستند که به دیگران مساعدت می‌کنند!

(سراسری ریاضی ۸۶)

۱۱۴۳- «او از بزرگ‌ترین شعرای زمان خود بود که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت!»:

- ۱) اِثَمَ كانَ منَ أعظَمَ شعراءِ عصره ينشد الشعر باللغتين الفارسية و العربية!
- ۲) هو من كبار الشعراء في زمانه و قد أنشد الشعر باللسانين العربية و الفارسية!
- ۳) اِثَمَ أعظمَ شاعر في عصره و كان ينشد الأشعار بلغتين الفارسي و العربي!
- ۴) هو أكبر شعراء زمانه و كان قد أنشد الأشعار بلسانين العربي و الفارسي!

(سراسری انسانی ۸۵)

۱۱۴۴- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) نعم القدرة، الغرورُ أمامَ الظالمين!؛ بهترین نوع قدرت، غرورداشتن در مقابل ستمگران است!
- ۲) بئسَ الشَّيْمَةُ أن لا تغفوَ عن الآخرين!؛ این که تو از همه در نمی‌گذری خصلت بدی است!
- ۳) نعم الكوكب، كوكب سعادتي في سماء حياتي!؛ چه خوب است ستارهٔ سعادت من در آسمان زندگی!
- ۴) بئسَ الأمل، أمل اكتساب مال الدنيا الرخيص!؛ آرزوی به دست آوردن مال ارزان دنیا بد آرزویی است!

(سراسری ریاضی خارج از کشور ۸۵)

۱۱۴۵- «طلب الطلاب من معلّمهم أن ينصحهم بكلمات قيّمة تفيدهم!»:

- ۱) دانش‌آموزان از آموزگارشان درخواست نصیحت با جملات باارزش و پرفایده‌ای را کردند!
- ۲) شاگردان از معلمان خود خواستند که با آنان به وسیلهٔ کلمات پربار و مفید به نصیحت بنشینند!
- ۳) شاگردان از آموزگاران خود درخواست کردند که سخنانی باارزش و سودمند را به عنوان نصیحت بگویند!
- ۴) دانش‌آموزان از معلم خویش خواستند تا آنان را با کلماتی ارزشمند که برای آن‌ها مفید باشد، نصیحت کند!

(سراسری انسانی ۸۴)

۱۱۴۶- «بیشتر حیوانات خود را با محیطی که در آن به سر می‌برند، سازگار کرده‌اند!»:

- ۱) أكثر الحيوانات التي في بيئتها لها تكيف معها!
- ۲) كثيراً من الحيوانات تعيش في البيئة التي تكيف النفس لها معها!
- ۳) كثير من الحيوانات تكيف نفسها مع البيئة التي عاشت فيها!
- ۴) أكثر الحيوانات قد تكيفت نفسها مع البيئة التي تعيش فيها!

(فنی و حرفه‌ای، کار و دانش سراسری ۷۸)

۱۱۴۷- «دوره‌کردن درس‌ها آسان‌ترین راه برای یادگیری است!»:

- ۱) إنَّ أسهلَ طريقٍ للتعليم رجوع الدروس!
- ۲) إنّما مراجعة الدروس طريق سهل للتعلّم!
- ۳) مراجعة الدروس أسهل طريق للتعلّم!
- ۴) الرجوع إلى الدروس أسهل من طريق التعليم!

۱۱۴۸- عَيْنَ الأبعد عن مفهوم هذا الدّعاء: «اللّهُمَّ كما حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي!»:

- ۱) آرزوی دل خلقی تو به شیرین‌سخنی اثر رحمت حقّی تو به نیک‌اخلاقی
- ۲) به دوزخ برد مرد را خوی زشت که اخلاق نیک آمده‌ست از بهشت
- ۳) چه‌روی است این که دیدارش ببرد از من شکیبایی گواهی می‌دهد صورت بر اخلاقش به زیبایی
- ۴) سعدی از اخلاق دوست هر چه برآید نکوست گو همه دشنام گو کز لب شیرین دعاست

۱۱۴۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ في المفهوم:

- ۱) خَيْرٌ إِخوانِكُمْ مَنْ أهدى إِلَيْكُمْ عُيوبَكُمْ: عیب کسان منگر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش
- ۲) شرُّ الناسِ ذُو الوجْهِينَ: تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
- ۳) بئسَ الاسمُ الفسوقُ بَعْدَ الإیمانِ: گنه‌کار اندیشناک از خدای / به از پارسایی عبادت‌نمای
- ۴) رَبُّ سَكوتٍ أُلْعُغُ مِنَ الكَلَامِ: صدف‌وار باید زبان درکشیدن / که وقتی که حاجت بود دُر چکانی

۱۱۵۰- عَيْنَ الخَطَأِ في المفهوم:

- ۱) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾: الاجْتِنَابُ مِنَ العَجَبِ!
- ۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بِلُتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾: المَوْعِظَةُ و الحِوَارُ مع الآخرين بكلامٍ طَيِّبٍ!
- ۳) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: الدَّعْوَةُ إِلَى الخُلُقِ الحَسَنِ!
- ۴) أَعْلَمُ الناسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ الناسِ إِلَى عِلْمِهِ: الدَّعْوَةُ إِلَى تعليم الناسِ بِما نَتَعَلَّمُ!

۱۱۵۱- «العَجَبُ صِفَةٌ مَذْمُومَةٌ فَاجْتَنِبُوهَا!» عَيْنَ الخَطَأِ في المفهوم:

- ۱) بزرگان نکردند در خود نگاه خدابینی از خویشتن‌بین مخواه
- ۲) رهرو آن نیست که گه تند و گه‌ی خسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود
- ۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
- ۴) فروتن بُود هوشمند گزین نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین

۱۱۵۲- «أَكْبَرُ العَيْبِ أن تَعيبَ ما فيكَ مِثْلَهُ!» عَيْنَ المناسب للمفهوم:

- ۱) پندم چه دهی نخست خود را محکم کمری ز پند درینند
- ۲) آینه چون عیب تو بنمود راست خود شکن، آینه‌شکستن خطاست
- ۳) با بدان کم نشین که درمانی خوپذیراست نفس انسانی
- ۴) هان بیا تا عیب هم پوشیم چون دلق و کلاه تا به کی در پوستین یکدگر افتاده‌ایم؟

۱۱۵۳- ﴿أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾ تمنعنا الآية عن:

(۱) العُجْب (۲) الغيبة (۳) الكذب (۴) سوء الظن

۱۱۵۴- «عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل!» عيّن الصحيح في المفهوم:

(۱) از بس که مهر دوست به دل جا گرفته است
(۲) گر زهر دهد تو را خردمند بنوش
(۳) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
(۴) رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم

جایی برای کینه دشمن نمانده است
ور نوش رسد ز دست نااهل بریز
با دوستان مروت با دشمنان مدارا
با دوست بگوئیم که او محرم راز است

۱۱۵۵- عيّن الخطأ في أجوبة الأسئلة للحوارات التالية:

(۱) بكم تومان هذه الفساتين؟ خمسة و سبعون ألفاً!
(۳) هل لك أرخص من هذا؟ نعم عندنا أبيض و أسود!

۱۱۵۶- ما هو الصحيح في العبارات التالية حسب الحقيقة؟

(۱) ذو الوجهين محبوب عند الرّماء!
(۳) لا تختلف سعر الملابس حسب التوعيات!

۱۱۵۷- عيّن الخطأ حسب الحقيقة:

(۱) هذه حكمة نافعة: بئس الجليس الكتاب!
(۳) إن الله قد حرّم الكسب من الحرام!

۱۱۵۸- عيّن ما يعادل المثل التالي: «خير الأمور أوسطها!»

(۱) خير الخصال حفظ اللسان!

(۳) نه چندان بخور کز دهانت برآید / نه چندان که از ضعف جانت برآید

۱۱۵۹- عيّن الصحيح في الحوار بين البائع و الزائر:

(۱) بكم تومان هذه السراويل؟ ← السراويل النسائية خمسة و سبعين ألف تومان.
(۲) أريد سراويل أفضل من هذه. ← هذه الأسعار غالية.
(۳) كم سعر هذا القميص الرجالي؟ ← أبيض و أسود و أزرق.
(۴) كم صار المبلغ؟ ← أعطيني بعد التخفيض.

قواعد

۱۱۶۰- عيّن ما كلّه اسم التفضيل:

(۱) أحمَر - أقلّ - أعلى - أصغر
(۳) أسود - أبيض - خير - أخضر

۱۱۶۱- عيّن ما كلّه اسم التفضيل:

(۱) أبيض - أصغر - أجود
(۲) أرقى - أحت - أعلم
(۳) أرخم - أزرق - أعلى
(۴) أشدّ - أصفر - أكبر

۱۱۶۲- عيّن ما فيه اسم التفضيل:

(۱) سيهلك الأفاضل من الناس عندما يحكمهم ملك ظالم!
(۳) لما نظرنا إلى التور الأحمر نشعر بتعب شديد!
(۲) قافلة الزوّار ستندفع إلى مشهد المقدّسة في الساعة السابعة غداً!
(۴) من بذّر بذور الخير فحصاده ينفعه بلا شك!

۱۱۶۳- عيّن ما ليس فيه اسم المكان:

(۱) ﴿و ماواهم جهنّم و بئس المصير﴾
(۲) في طريقنا نحو أصفهان توقفتنا ساعة لأكل الطعام في مطعم نظيف!
(۳) الغريب في الأمر هو أنّ جميع الأشماك المنتشرة على الأرض في ظاهرة مطر السمك من نوع واحد!
(۴) يتعدّد مرقدّ ثامن أنمتنا مسافة ثمانمئة كيلومتر تقريباً عن طهران!

۱۱۶۴- عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

(۱) ﴿إني أعلم ما لا تعلمون﴾
(۳) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!
(۲) فقيه واحد أشدّ على الشيطان من ألف عابد!
(۴) من غلبت شهوته عقله فهو شرّ من البهائم!

۱۱۶۵- عيّن «خير» ليس اسم التفضيل:

(۱) خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم!
(۳) فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره
(۲) ﴿و لو أنهم صبروا حتّى تخرج إليهم لكان خيراً لهم﴾
(۴) ﴿بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين﴾



١١٦٦- عَيْنُ الْخَطَا فِي اسْتِخْدَامِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) إِنَّ نَهْرَ التَّيْلِ أَطْوَلُ الْأَنْهَارِ فِي الْعَالَمِ!
 (٣) مَا كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ فِي الْعِرَاقِ أَرْخَصَ مِنْ إِيْرَانِ وَلَكِنْ اشْتَرَيْتَهَا لِلْهَدِيَّةِ!

١١٦٧- عَيْنُ الْخَطَا عَمَّا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطَا:

- (١) سَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُزِجِي خَيْرَهُ! اسم التفضيل
 (٣) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ! اسم التفضيل

١١٦٨- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي مَحَلِّ الْمَفْعُولِ:

- (١) الْقِيَامُ بِالْوَأْجِبَاتِ الدَّرَاسِيَّةِ أَقَلُّ شَيْءٍ تُرِيدُ مِنَ الطَّلَابِ!
 (٣) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!

١١٦٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الْمَحْدَدَةِ:

- (١) لِعِبَادِ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ رِزْقٌ مَعْلُومٌ! اسم مفعول - خبر
 (٣) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ! اسم تفضيل - خبر

١١٧٠- عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) الَّذِي أَحْسَنَ عَمَلَهُ يَفْرَحُ فِي التَّهَامَةِ!
 (٣) أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ!

١١٧١- عَيْنُ «الْآخِرِينَ» لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾
 (٣) أحياناً نَعِيْبُ مَا فِي الْآخِرِينَ وَفِيْنَا نَفْسَ الصِّفَاتِ أَيْضاً!

١١٧٢- عَيْنُ «خَيْرٍ» يَكُونُ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ!
 (٣) ﴿فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَنَحْنُ نَحِبُّهُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيراً﴾

١١٧٣- عَيْنُ مَا فِيهِ «اسْمُ التَّفْضِيلِ» أَكْثَرُ:

- (١) ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾
 (٣) إِنَّهُ كَانَ مِنْ أَعْظَمِ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ وَاشْتَدَّ هُمْ إِهْتِمَاماً بِنَشْرِ الْعِلْمِ!

١١٧٤- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

- (١) الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي التَّسَاءِ أَحْسَنٌ! مبتدأ مؤخر
 (٣) أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ! مبتدأ

١١٧٥- عَيْنُ عِبَارَةٍ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ وَاسْمُ التَّفْضِيلِ مَعاً:

- (١) أَكْثَرُ الْمَلَاعِبِ الْمُنَقَدِّمَةِ مُجَهَّزَةٌ بِمَصَابِيحَ لَيْلِيَّةٍ!
 (٣) الَّذِي يَكْفُلُ مَعَاشَ أُسْرَتِهِ أَحَقُّ بِدُخُولِ الْجَنَّةِ مِمَّنْ يَعْْبُدُ دَائِماً!

١١٧٦- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ لَيْسَ خَبِراً:

- (١) ﴿... وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾
 (٣) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ سَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!

١١٧٧- عَيْنُ الْخَطَا فِي اسْتِخْدَامِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) جَبَلٌ دِمَاوُنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ!
 (٣) فَاطِمَةُ كَبْرَى مِنْ صَدِيقَتِهَا سَتاً!

١١٧٨- عَيْنُ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) خَيْرُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَصْدِقَائِكَ!
 (٣) مَا رَأَيْتُ إِلَّا خَيْراً فِي كَلَامِ أَبِي!

١١٧٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ كَلِمَاتِ: «مُحَرَّمٌ - مَطَاعِمٌ - خَلَاقٌ - حُسْنِيٌّ».

- (١) اسم الفاعل - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل
 (٣) اسم المفعول - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل

١١٨٠- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْضَلُ!
 (٣) أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَرٍّ مَنْ يَدْعُونِي إِلَى الْمَعَاصِي!

- (٢) هَذِهِ الطَّالِبَةُ كُبْرَى مِنْ زَمِيلَاتِهَا فِي الصَّفِّ عَقْلاً!
 (٤) أَحْتِي الْكُبْرَى تَدْرُسُ فِي فَرْعِ الْإِفْتِصَادِ الصَّنَاعِيِّ!

- (٢) قَدْ دُفِنَ أَرْبَعَةٌ مِنْ أُمَّتِنَا فِي مَقْبَرَةِ الْبَقِيعِ! اسم المكان
 (٤) قَدْ كَانَ الْمَخْمَلُ إِحْدَى وَسَائِلِ التَّقْلِ وَ التَّرْكِبِ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ! اسم المكان

- (٢) أَثْقَلُ الْأَشْيَاءِ فِي الْمِيزَانِ هُوَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ!
 (٤) أَقَدَّمَ أَحَرَ التَّهَانِي إِلى صُيُوفِنَا فِي هَذِهِ الْحَفْلَةِ!

- (٢) عَلَيْنَكُمْ بِأَوْسَطِ الْأُمُورِ فَإِنَّ لَهَا نَتَائِجَ جَيِّدَةً! اسم تفضيل - مبتدأ
 (٤) إِنَّمَا بَعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ! اسم مكان - مفعول

- (٢) أَحْسَنُ الْأَوْلَادِ مَنْ يَحْتَرِمُ وَالِدَيْهِ!
 (٤) أَحْسَنُ الشَّابِّ إِلى مَنْ أَسَاءَ إِليه!

- (٢) التَّوَاضُعُ أَمْرٌ جَمِيلٌ يُمَكِّنُ أَنْ يُؤْتَرَ فِي الْآخِرِينَ!
 (٤) التَّجَسُّسُ فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِهِمْ!

- (٢) ﴿... عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ﴾
 (٤) كَلِمَةُ خَيْرٍ تُفِيدُ أَفْضَلَ مِنْ كِتَابٍ لَا فَائِدَةَ لَهُ!

- (٢) أَمِرْنَا بِالْإِعْتِدَالِ فِي أَعْمَالِنَا فَإِنَّ خَيْرَ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!
 (٤) أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ رَحْمَةً وَأَقْلَهُمْ غَضَباً!

- (٢) لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُعَدَّ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا! مفعول به
 (٤) لَا يُمَكِّنُ الْإِعْتِمَادَ عَلَيَّ مِنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ! مفعول به

- (٢) هُنَاكَ عُمَّالٌ يَشْتَعِلُونَ فِي مَصَانِعِ خَارِجِ الْمَدِينَةِ!
 (٤) فَرِيقٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ الْإِيْرَانِيِّينَ صَعِدُوا أَعْلَى الْجِبَالِ فِي الْعَالَمِ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ!

- (٢) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾
 (٤) لِي سَبَبٌ أَحَرَ لِعَدَمِ حُضُورِي فِي الْحَفْلَةِ إِضافةً إِلى مَرَضِي!

- (٢) قَالَ: أَنَا أَعْلَمُ بِمَا لَا تَعْلَمُونَ!
 (٤) أَكْمَلُ النَّاسِ إِيمَاناً أَحْسَنَهُمْ خُلُقاً!

- (٢) أُرِيدُ لَكُمْ الْخَيْرَ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ!
 (٤) ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظاً وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾

- (٢) اسم المفعول - اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المبالغة
 (٤) اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم التفضيل - اسم المكان

- (٢) سَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ وَ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ!
 (٤) أَغْنَى الْغِنَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرَصِ أَسِيراً!

١١٨١- «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ» عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ:

(١) جمع التّكسير (٢) اسم التفضيل (٣) الفعل المجزء الثلاثي (٤) حرف الجر

١١٨٢- ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ:

(١) الفعل المتعدي (٢) اسم التفضيل (٣) الفعل الماضي (٤) اسم الفاعل

١١٨٣- عَيْنٌ مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ الْمِبَالِغَةِ:

(١) الظواهر الطبيعية آية من آيات الله التي تَفَعُّ أمام عيوننا!

(٣) الكفار يظنون أَنَّ النَّائِمَ فِي الْفِرَاشِ هُوَ الرَّسُولُ ﷺ!

(٤) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

١١٨٤- عَيْنٌ الْعِبَارَةُ الَّتِي اسْمُ التَّفْضِيلِ فِيهَا يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَعْنَى:

(١) شجرة السّكّويا شجرة من أطول أشجار العالم!

(٣) تعرّفت على أنفع الأدوية لهذا المرض!

(٢) ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾

(٤) القرية أجمل من المدينة جداً!

١١٨٥- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «قَالَ مُضَيِّعٌ أَمْوَالِي لِي فِي الْمَحْكَمَةِ عِنْدَ الْقَاضِي: أَرْسِلْ لَكَ أَكْثَرَ أَمْوَالِكَ!»

(١) اسم الفاعل للمزيد - اسم المكان

(٣) اسم المفعول للمزيد - فعل مجهول

(٢) اسم الفاعل للمجرّد - اسم التفضيل

(٤) اسم التفضيل - اسم المكان

١١٨٦- عَيْنٌ الْخَطَأُ عَنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

(١) فاطمة أَكْبَرُ مِنِّي فَاحْتَرِمُهَا!

(٣) السيّد الحسيني من أَفْضَلِ الْمُعَلِّمِينَ!

(٢) بَيَّتُ الْإِطْفَالِ الْفُقَرَاءَ أَجْمَلُ مِنْ بَيْتِ الْآخَرِينَ!

(٤) أُخْتِي صَغُرَى مِنِّي عَمراً. الْعَبُّ كُلُّ يَوْمٍ مَعَهَا!

١١٨٧- عَيْنٌ عِبَارَةٌ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ:

(١) الكذب مفتاح لكل شر!

(٣) السائحُ ذَهَبَ إِلَى أَكْبَرِ الْمَكْتَبَةِ فِي خُوزِسْتَانِ!

(٢) لِأَدْخُلَ مَتَجَرَّ صَدِيقِي وَ أَسْأَلَ أَسْعَازَ السَّرَاوِيلِ!

(٤) الْعَمَالُ يَنْصَرِفُونَ إِلَى الْمَصَانِعِ لِيَعْمَلُوا بِدَقَّةٍ!

١١٨٨- عَيْنٌ اسْمُ التَّفْضِيلِ لَيْسَ خَبِراً:

(١) هذه القصة التي سمعتها منك أنفع القصص!

(٣) شَهِدْنَا فِي الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةَ خَيْرَ النَّاسِ إِيمَاناً وَ عَمَلاً!

(٢) أَنْتَ أَقْوَاهُمْ فِي الْجِسْمِ هَلْ تُسَاعِدُنِي يَا أَخِي!

(٤) هَذَا الشَّارِعُ شَارِعٌ أَطْوَلُ مِنْ ذَلِكَ الشَّارِعِ!

١١٨٩- عَيْنٌ الْخَطَأُ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطَأٌ:

(١) الصَّادِقُونَ لَا يَكْذِبُونَ الْحَقَّاقِ حَوْلَهُمْ! (المبتدأ - المفعول)

(٣) أريدُ المعلمَ الحاذقَ لتربية أولادي! (صفة - مضاف إليه)

(٢) على الإنسان أن يَغْتَنِمَ الْفُرْصَ فِي الْخَبَرِ حَيَاتِهِ! (المجرور بحرف الجرّ - الفاعل)

(٤) لِمَدْرَسَتِنَا بَابٌ أَبْيَضٌ فِي مَدْخَلِهَا! (الخبر المقدم - المبتدأ المؤخر)

١١٩٠- عَيْنٌ الْعِبَارَةُ الَّتِي جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ التَّفْضِيلِ مَعاً:

(١) قد طالعتُ أَكْثَرَ الْكُتُبِ الْعِلْمِيَّةِ الَّتِي تَوْجَدُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ!

(٣) أَسَاتِذُنَا الْعَالِي فِي مَدْرَسَتِنَا أَكْثَرَ اشْتِهَاراً بِمَدَارِسِ طَهْرَانَ!

(٢) أَحْسِنُ إِلَى مَنْ هُوَ غَافِلٌ عَنِ الْأُمُورِ الْمُهِمَّةِ!

(٤) هَلْ تَعَلَّمُ يَا صَدِيقِي: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ!

١١٩١- أَيُّ مَطْلُوبٍ لَا يَوْجَدُ فِي الْعِبَارَاتِ:

(١) ﴿إِنَّ التَّفْسِيرَ لِأَمَارَةٍ بِالسُّوءِ﴾ (اسم المبالغة)

(٣) تَعَالَى نَذَهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ لِشَاهِدِ فَرِيقِنَا! (اسم المكان)

(٢) على الولاية أن يشجعوا الناس على التّفكّر و التّعلم! (اسم الفاعل)

(٤) مَسَاوِرَةُ الْمَشْفِقِ الْجَاهِلِ خَطِئٌ! (اسم المفعول)

١١٩٢- عَيْنٌ «خَيْرٌ» لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) المؤمن القوي خيرٌ عند الله من المؤمن الضعيف!

(٣) أُرْشِدُنَا إِلَى خَيْرِ السَّبِيلِ مَنْ كَانَ يُعَلِّمُنَا!

(٢) تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ يَجْلِبُ لَنَا الْخَيْرَ وَ السَّعَادَةَ!

(٤) ﴿عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾

١١٩٣- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾

(٣) للبلبل خير الأصوات من بين سائر الطيور!

(٢) أحسن بالوالدين إحساناً دائماً!

(٤) شرُّ الأصدقاء مَنْ هُوَ جَاهِلٌ فِي الْأُمُورِ!

١١٩٤- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

(١) عندما فهمتُ الزلزالَ تَرَكْتُ مَكَانِي وَ أَسْرَعْتُ إِلَى الشَّارِعِ!

(٣) لم يفتح باب قاعة الانتظار في المطار في الوقت المُحدّد!

(٢) كان موعِدَ لِقَائِنَا مَعَ الْأَصْدِقَاءِ عِنْدَ مَدْخَلِ الْمَدْرَسَةِ!

(٤) جاء التّبيُّ ﷺ عندما كانت الدنيا مملوءة بالشرور و المعاصي!

١١٩٥- عَيْنٌ الْخَطَأُ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطَأٌ:

(١) أَنَا أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحُكْمِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ! (اسم التفضيل)

(٣) البائعُ قد عَرَفَنِي. تَعَالَى نَذَهَبُ إِلَى مَتَجَرِّ آخَرَ! (مفعول)

(٢) قَالَ الْعَلَامَةُ بِشِهَامَةَ: لَا تُخَافُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا! (فاعل)

(٤) لماذا ليس بعضُ الناسِ شاكري نعم الله؟ (مضاف إليه)

١١٩٦- عَيْنٌ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) أجبتُ هذا الفلمَ الرَّائِعَ لِأَنَّهُ جَمِيلٌ جَدّاً!

(٣) أَعْلِمْتُ أَجَلٌ مِنْ مَعْلَمٍ يَبْنِي وَ يَنْشِئُ أَنْفْساً!

(٢) رَبَّنَا أَمَّا فَاعْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ!

(٤) ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾

۱۱۹۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) قَتَلَ ← اسم المكان: مَقْتُل / اسم المفعول: مَقْتُول
(۲) نَفَعَ ← اسم التفضيل: أَنْفَع / اسم الفاعل: مُنْتَفِع
(۳) عَلِمَ ← اسم الفاعل من باب التفعيل: مُتَعَلَّم / اسم التفضيل: أَعْلَم
(۴) صَدَقَ ← اسم الفاعل من باب التفعّل: مُتَّصِدِق / اسم التفضيل: صَادِق
- ۱۱۹۸- كم اسماً مشتقاً جاء في الآية التالية؟ ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۱۱۹۹- عَيْنِ عبارة ليس فيها اسم مشتق:

- (۱) ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾
(۲) عليك بذكر الله فإنه نور القلب!
(۳) ﴿قُلْ إِنِّي أُمَرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾
(۴) ﴿كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾
- ۱۲۰۰- عَيْنِ اسماً مشتقاً يختلف محلّه الإعرابي:
(۱) ﴿لَقَدْ رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾
(۲) من جَرَبِ المَجْرَبِ حَلَّتْ بِهِ التَّدَامَةُ!
(۳) فقد استفاد من اللّغة العربيّة الشعراء الإيرانيون!
(۴) ﴿إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً﴾
- ۱۲۰۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ عن المحلّ الإعرابيّ للأسماء المشتقة: «شجرة النّفت شجرة يستخدمها المزارعون كسياج حول مزارعهم لحماية محاصيلهم من الحيوانات!»

- (۱) مفعول به - مجرور بحرف الجرّ - مضاف إليه
(۲) فاعل - مجرور بحرف الجرّ - مفعول به
(۳) فاعل - مجرور بحرف الجرّ - مفعول به
(۴) مفعول به - مضاف إليه - مفعول به
- ۱۲۰۲- كم اسماً مشتقاً جاء في عبارة «كانت مكتبة جندي سابور في خوزستان أكبر مكتبة في العالم القديم!»
(۱) اثنان (۲) ثلاثة (۳) أربعة (۴) خمسة

۱۲۰۳- عَيْنِ اسم التفضيل يختلف معناه عن الباقي:

- (۱) جبل دماوند أعلى من جبل دنا!
(۲) أفضل الناس أنفعهم للناس!
(۳) سورة البقرة أكبر سورة في القرآن!
(۴) آسيا أكبر قارّات العالم!
- ۱۲۰۴- عَيْنِ ما ليس فيه اسم التفضيل أو اسم المكان؟
(۱) أَحْسَنْتِ، الْجَفَاطُ عَلَى هَذِهِ الْمَلَاعِبِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ!
(۲) ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
(۳) ﴿أَحْسَنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾
(۴) يُحِبُّ الْأَبَاءَ وَالْأُمَّهَاتِ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ!

۱۲۰۵- عَيْنِ جواباً فيه أسماء التفضيل و المكان فقط:

- (۱) أعلى - مسجد - كذاب
(۲) صغرى - مرزوق - أكبر
(۳) آجر - صادق - منزل
(۴) مشهد - فضلى - مكتب
- ۱۲۰۶- عَيْنِ ما فيه اسم المكان و اسم التفضيل معاً:
(۱) كل يوم أذهب مع صديقتي إلى المكتبة!
(۲) الطاووس أجمل طيور في هذه الغابة!
(۳) قصدت الرجوع إلى المصنّع و تكلمت مع مديره!
(۴) أنت في هذا المجلس تكون أحق الناس بالحكم!

۱۲۰۷- كم اسم التفضيل و اسم المكان معاً يوجد في العبارة التالية؟

- «ذهبت إلى مصنّع أختي الصغرى؛ و اشتريت قميصاً أبيض و سروالين، أحدهما أكبر من الآخر.»
(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) ستة

۱۲۰۸- عَيْنِ كلمة «خير» تدلّ على التفضيل:

- (۱) قَالَ تَلْمِيزِي بَفْرَحٍ: أَنَا بَخِيرٌ، شَكَرْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ!
(۲) قُلْتُ لِأَصْدِقَائِي: الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ، لَا تَيَاسُوا وَ لَا تَحْزَنُوا!
(۳) قَالَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ: إِنَّا جَعَلْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ خَيْرًا كَثِيرًا لَكُمْ!
(۴) إِنِّي قُلْتُ: الصَّلَاةُ فِي هَذِهِ اللَّحْظَاتِ خَيْرٌ عَمَلٍ نَعْمَلُهُ جَمِيعاً!

۱۲۰۹- عَيْنِ ما فيه اسم تفضيل و اسم مكان و اسم فاعل معاً:

- (۱) كانت من أهمّ وصايا النبي ﷺ مكارم الأخلاق التي بُعث لها!
(۲) علّي الشباب أن يكونوا مشتاقين الأعمال الصالحة!
(۳) في مكتبة مدرّسنا أكثر من ألف كتاب!
(۴) في مزارع إيران الكبيرة تنمو نباتات مفيدة لها خواص!

۱۲۱۰- عَيْنِ ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (۱) أعلى جبل في إيران دماوند!
(۲) أخي أحبّ كرة القدم في زمن طفولتيه!
(۳) أقل الناس درجة في الآخرة أهل المعاصي!
(۴) فاطمة الكبرى بنت رسول الله ﷺ!

۱۲۱۱- عَيْنِ اسم التفضيل:

- (۱) أنا أعلم ما تطلب!
(۲) التلميذ أكرم المعلمين!
(۳) قيمة الإنسان ما أحسنه!
(۴) أنا أقدر منك في الرياضة!

۱۲۱۲- عَيْنِ «خير» ليس اسم التفضيل:

- (۱) خيركم عاقبة أحسنكم أخلاقاً! (۲) هذا خير الأعمال أجراً عند الله! (۳) الخير في ما وقع لنا! (۴) خير ما وهب ربنا هو الصحة!

١٢١٣- عَيْنَ الْخَطَا عَنْ إِسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوَاءِ!
(٣) صَدِيقَتِي صُغْرَى مِنْ أُخْتِي بِنَاتًا

(كانون فرهنگی آموزش ٩٦)

- (٢) أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ هُوَ الْخَلْوَانِي!
(٤) أَحَبُّ التَّلْمِيذَةِ الْفُضْلَى مِنْ بَيْنِ جَمِيعِ تَلْمِيذَاتِي!

(كانون فرهنگی آموزش ٩٥)

- (٢) أَوْصَانِي جَدِّي الْعَزِيزِ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ وَ هُوَ الصَّلَاةُ!
(٤) لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ عِنْدَمَا لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ!

(كانون فرهنگی آموزش ٩٥)

- (٢) تُطْبَعُ فِي الْمَطَابَعِ كُتُبٌ كَثِيرَةٌ بِمُضَامِينٍ مُتَنَوِّعَةٍ!
(٤) يَجْتَمِعُ النَّاسُ فِي شَهْرِ الْمُحَرَّمِ لِتَكْرِيمِ الشَّهْدَاءِ فِي الْمَسَاجِدِ!

(كانون فرهنگی آموزش ٩٥)

- (٢) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ!
(٤) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!

(سراسری ریاضی ٩٨)

- (٢) كَانَ مِنْ بَيْنِ أَصْدِقَائِي مَنْ هُوَ أَنْجَحُ التَّلَامِيذِ!
(٤) إِنَّ اللَّوْنَ الْأَبْيَضَ أَحْسَنُ لَوْنٍ لِأَلْبِسَةِ الْمَمْرُضَاتِ!

(سراسری زبان ٩٨)

- (٢) أَحَبُّ الْمَعْلَمِينَ الَّذِينَ يَنْفَعُونَ النَّاسَ بِأَعْمَالِهِمْ!
(٤) أَحَبُّ إِخْوَانِنَا مَنْ يُرْشِدُونَنَا إِلَى فَهْمِ عَيْبُونَا بِكَلَامٍ لَيِّنٍ!

(سراسری هنر ٩٨)

- (٢) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُجْبِرُ نَفْسَهُ عَلَى الْخَيْرِ!
(٤) أَحَبُّ أَنْ أَقُومَ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ فِي الْحَيَاةِ!

(سراسری قارچ از کشور ٩٨)

١٢١٤- عَيْنَ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» تَخْتَلِفُ نَوْعِيَّتُهَا عَنِ الْبَاقِي:

- (١) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾
(٣) سُبْحَانَكَ يَا رَبِّي اسْمُكَ خَيْرٌ إِسْمٍ وَ ذِكْرُكَ شِفَاءٌ!

١٢١٥- عَيْنَ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ مَعًا:

- (١) يُسْتَعْمَدُ شَجَرَةُ النَّفْطِ فِي الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ الْمَحَاصِيلِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ!
(٣) فِي مَدِينَتِنَا مَجْلِسٌ لِتَفْسِيرِ الْقُرْآنِ يَحْضُرُ فِيهِ مُتَعَلِّمُونَ كَثِيرَةٌ!

١٢١٦- عَيْنَ اسْمِ تَفْضِيلٍ يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِي:

- (١) ﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
(٣) تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!

١٢١٧- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَتَقَى النَّاسَ مِنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ!
(٣) أَعْلَمُ أَنَّ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ فَهُوَ عَلِيمٌ!

١٢١٨- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ «اسْمُ التَّفْضِيلِ»:

- (١) أَفْاضَلُنَا مَنْ يُحِبُّونَ الْعِلْمَ وَ يَعْمَلُونَ بِهِ!
(٣) حُسْنُ الْخَلْقِ أَثْقَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ!

١٢١٩- عَيْنَ كَلِمَةِ «الْخَيْرِ» لَيْسَتْ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ!
(٣) خَيْرُ الْأَعْمَالِ أَوْسَطُهَا!

١٢٢٠- عَيْنَ الْخَطَا عَنْ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْحَدِيقَةُ الصُّغْرَى مَعَ الْأَشْجَارِ الْمُثْمِرَةِ أَحْسَنُ مِنَ الْحَدِيقَةِ الْكَبْرَى مِنْ دُونَ الْأَثْمَارِ!
(٢) الْإِخْوَانُ الَّذِينَ يَسَاعِدُونَنَا فِي أُمُورِنَا الصَّعْبَةِ خَيْرٌ إِخْوَانٍ فِي حَيَاتِنَا!
(٣) إِنَّ الْأَعْمَالَ الَّتِي نَعْمَلُهَا لِكَسْبِ الْحَلَالِ فَضْلَى مِنْ بَقِيَّةِ أَعْمَالِنَا!
(٤) سَاعَاتٌ تَفَكَّرْنَا فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ أَقَلُّ مِنْ نَوْمِنَا عَادَةً!

(سراسری انسانی ٩٨)

- (٢) إِنَّ أُخْتِي الصُّغْرَى هِيَ التَّلْمِيذَةُ الْكَبْرَى فِي الصِّفَا!
(٤) هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ صُغْرَى مِنْ زَمِيلَاتِهَا فِي الصِّفَا!

(سراسری انسانی ٩٨)

- (٣) هُوَ مِنْ مَفَاخِرِ أَمْتِنَا! (٤) مَصَالِحُ الْأُمَّةِ نَحْفَظُهَا!

(سراسری قارچ از کشور انسانی ٩٨)

١٢٢١- عَيْنَ الْخَطَا (فِي التَّفْضِيلِ):

- (١) لَا شَكَّ أَنَّ لُغَةَ الْقُرْآنِ أَبْلَغُ مِنْ جَمِيعِ اللُّغَاتِ الْآخَرَى!
(٣) مَعْلَمُونَا فِي الْمَدْرَسَةِ مِنْ أَفْضَلِ مَعْلَمِي الْبِلَادِ!

١٢٢٢- عَيْنَ مَا يَدُلُّ عَلَى الْمَكَانِ:

- (١) هُوَ مِنْ مُقَاتِلِينَا! (٢) يَمَشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ!

١٢٢٣- عَيْنَ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) السُّخْيُ أَكْرَمُ هَوْلَاءِ الْفُقَرَاءِ! (٢) أَنَا أَعْلَمُ أَنَّ هَذَا لَيْسَ مَفِيدًا! (٣) هُوَ عَصَى رَبِّهِ فَنَدِمَ عَلَى عَمَلِهِ! (٤) الْإِجَابَةُ الْحَسَنَى تَتَعَلَّقُ بِأَخِي!

تحليل صرفي و ضبط الحركات

١٢٢٤- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) «بئس الاسمُ الفسوقُ بعد الإيمان»: اسم - مفرد - مذكر - مصدر على وزن «إفعال» / مجرور بحرف الجرّ
(٢) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ﴾: فعل مضارع للتهي - للمخاطب - مجرّد ثلاثي / فعل مع فاعله جملة فعلية
(٣) قد حرّم الله في هاتين الآيتين الاستهزاء بالآخرين: اسم - مفرد - مذكر - مصدر من «باب استفعال» / مضاف إليه
(٤) الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس: اسم - مفرد - مذكر - اسم تفضيل على وزن «أفعل» / مجرور بحرف «من» و «من أهم» جار و مجرور في محلّ الخبر

١٢٢٥- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: فعل مضارع - مزيد ثلاثي من مصدر «إتمام» - متعدّد / فعل و فاعله مستتر
(٢) ﴿مَنْ لَمْ يَبْتَئْ فَأَوْلَانِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾: اسم فاعل (من مصدر «ظلم») - نونه مفتوحة دائماً / خبر
(٣) ﴿أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾: فعل مضارع - للغائب - ليس له حرف زائد / فعل و مفعوله «أحد»
(٤) علينا أن نهتم بنشر التواصل بين الناس: اسم - مفرد - مذكر - مصدر ثلاثي مجرّد / مضاف إليه

١٢٢٦- «تنصحننا الآية الأولى و تقول: لا تعيبوا الآخرين!»:

- (١) تنصح: فعل مضارع - للغائبة - مجرّد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعله «نا»
 - (٢) الأولى: اسم - من الأعداد الترتيبية - مؤنث على وزن «فعلَى» / صفة للموصوف «الآية»
 - (٣) لا تعيبوا: فعل مضارع - «لا» حرف لنفي المضارع - مزيد ثلاثي بزيادة حرف «ت» / فعل و فاعله ضمير «الواو» البارز
 - (٤) الآخرين: اسم - مفرد: «آخر» - اسم تفضيل من مصدر «تأخير» / مفعول
- ١٢٢٧- «التجسس من كبائر الذنوب في مكتبتنا و من الأخلاق السيئة!»:

- (١) التجسس: اسم - مفرد - مذكّر - مصدر (فعله الماضي: تَجَسَّس) / مبتدأ و الجملة اسمية
- (٢) كبائر: اسم - جمع التوكسير (مفرد: كبير، مذكّر) / مجرور بحرف الجز
- (٣) الذنوب: اسم - جمع مكسر (مفرد: ذنّب، مذكّر) / مضاف إليه
- (٤) الأخلاق: اسم - مفرد - مذكّر / مجرور بحرف «من»

١٢٢٨- عَيْن الصّحيح:

- (١) التجسس مُحاولَةٌ قبيحة لكشف أسرار الناس: مفرد - مؤنث - اسم مفعول من باب «مفاعلة» / خبر للمبتدأ «التجسس»
- (٢) خير إخوانكم من أهدي إليكم عيوبكم: مفرد - مذكّر - اسم التفضيل من مصدر «هداية» / خبر
- (٣) ليلة القدر خير من ألف شهر: اسم - مفرد مذكّر - اسم تفضيل (تضمن معنى: «تر») / خبر
- (٤) فليعبدوا ربّ هذا البيت: اسم - مفرد - مذكّر (جمعه: بيوت) - اسم مكان / مضاف إليه

١٢٢٩- عَيْن الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) التَّجَسُّسُ من كبائر الذنوب في مكتبتنا و من الأخلاق السيئة!
- (٢) أكبر الغيب أن تعيب ما فيك مثله!
- (٣) قد حرّم الله تعالى في هاتين الآيتين الإستهزاء بالآخرين!
- (٤) أحبّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده!

١٢٣٠- عَيْن الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾
- (٢) تَفَكَّرْ ساعةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً!
- (٣) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾
- (٤) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي!

١٢٣١- عَيْن الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (١) ﴿وَ الْأَجْرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾
- (٢) مُحاولَةٌ قبيحةٌ لكشف أسرار الناس لفضحهم يُسمّى التَّجَسُّسُ!
- (٣) كانت مكتبة «جندي سابور» أكبر مكتبة في العالم القديم!
- (٤) بكم تومان هذه الفساتين؟

١٢٣٢- عَيْن الصّحيح في ضبط حركات الكلمات:

- (١) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْغَجَبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ!
- (٢) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!
- (٣) تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ الْآيَةُ الثَّانِيَةُ وَ لِذَلِكَ سَمَّيْنَا بِآيَاتِ الْأَخْلَاقِ!
- (٤) السَّرْوَالُ النَّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ!

١٢٣٣- عَيْن الصّحيح في ضبط حركات الكلمات:

- (١) أَعْلَمُ النَّاسِ مِنْ جَمَعَ عِلْمِ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ!
- (٢) خَيْرُ أَخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!
- (٣) ﴿وَ جَادَلْتَهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
- (٤) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!



۱۰۷۶- گزینۀ «۴» ترجمۀ گزینۀ (۴): «اظهار ندامت و سعی برای جبرانش است». (خودپسندی) ← غلط است، این عبارت توصیف «التَّوْبَةُ» است.

ترجمۀ سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): بدگمانی، اتهام شخصی به شخصی دیگر است بدون دلیل منطقی! / گزینۀ (۲): خداوند بدگمانی، را برای مردم حرام کرده است! / گزینۀ (۳): جاسوسی برای فهمیدن رازهای دیگران از بدترین کارهاست!

۱۰۷۷- گزینۀ «۲» در این گزینه دو اسم متضاد وجود دارد: الأراذل (فرومایگان) ≠ الأفاضل (شایستگان)

در سایر گزینه‌ها هیچ دو اسم متضادی نداریم: گزینۀ (۱): کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند، از چارپایان بدتر است! / گزینۀ (۳): چیزی در ترازوی اعمال [سنگین تر از اخلاق نیکو نیست! / گزینۀ (۴): بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه را که در خودت ماندنش هست عیب‌جویی کنی!

۱۰۷۸- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) تَزْرَع (بکاری) ≠ تَحْصَد (درو می‌کنی) متضاد هستند.

در سایر گزینه‌ها اسم‌های متضاد نداریم:

گزینۀ (۲): و با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن. همانا پروردگارت داناتر است! / گزینۀ (۳): بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم از شر آن‌چه آفریده است! / گزینۀ (۴): خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند!



هم‌چنین می‌توان با توجه به صیغه فعل‌ها به پاسخ صحیح رسید:
 گزینه (۱): «بَرَداد» به «قیمه» برمی‌گردد، بنابراین باید به صورت مؤنث (تزداد) به کار رود. / گزینه (۲): «کثرت» به «ثمن» برمی‌گردد، بنابراین باید به صورت مذکر (کثر) به کار رود. / گزینه (۴): «بَر تَفَع» به «نقود» برمی‌گردد و چون برای جمع‌های غیر انسان از مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم، باید به صورت (ترفع) به کار رود.

۱۰۸۷- گزینه (۴) ترجمه گزینه (۱): «غیبت» آن است که دیگران را با آن چه ناپسند نمی‌دارند، یاد کنیم! (نادرست است).

ترجمه گزینه (۴): «اتاق‌ها» جمع «حجره» است و سوره‌ای از قرآن است که به عروس مشهور است! (سوره‌ای که به عروس قرآن مشهور است سوره «الرحمن» است.)

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): «مرده» همان کسی است که روحش از بدنش خارج شده و نفس نمی‌کشد. / گزینه (۳): «جاسوسی کردن» تلاشی است برای فهمیدن کارهای دیگران، در حالی که از زشت‌ترین کارهاست.

۱۰۸۸- گزینه (۴) کلمات مهم: جادل: ستیز کن، استدلال کن - أحسن: بهتر - أعلم: داناتر - ضل: گمراه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «چرا که» اضافه است - «عن سبيله» ترجمه نشده است. / گزینه (۲): «روش‌های بهتر» ترجمه درستی نیست چون «بالتی هی أحسن» یک عبارت کامل است و نباید صفت و موصوف ترجمه شود - ضمیر «ك» در «رَبَّكَ» و ضمیر «ه» در «سَبِيلَه» ترجمه نشده است. / گزینه (۳): «خوب» درست نیست، چون «أحسن» اسم تفضیل است - «کسانی که» باید «کسی که» باشد، چون فعل بعد از «مَنْ» مفرد است - «آگاه» باید «آگاه‌تر» باشد چون «أعلم» اسم تفضیل است.

۱۰۸۹- گزینه (۳) نکات مهم:
 • هل: آیا ← رد گزینه (۲)
 • نکرهون: ناپسند می‌دانید، بدان می‌آید ← رد گزینه (۱)
 • لماذا: چرا؟ ← رد گزینه (۴)
 • لا تجتنبون: دوری نمی‌کنید (للمخاطبین و منفی است!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

• میتاً: که مرده است، در حالی که مرده است (صفت نیست) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
 • میثاً: که مرده است، در حالی که مرده است (صفت نیست) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

۱۰۹۰- گزینه (۴) نکات مهم:
 • قد علم: یاد داده است، آموزش داده است (فعل ماضی است.) ← رد گزینه (۲)
 • أهم الأمور الأخلاقية: مهم‌ترین کارهای اخلاقی ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
 • در گزینه (۲) «یکی از» اضافی است.
 • حیاتنا اليومية: زندگی روزانه‌مان ← رد گزینه (۱)

۱۰۹۱- گزینه (۱) کلمات مهم:
 • سائر: پوشاننده ← رد گزینه (۳)
 • كل معيوب: هر عیبی (چون معيوب مفرد و نکره است، كل را «هر» ترجمه می‌کنیم.) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
 • التوبة: توبه (نباید همراه ضمیر ترجمه کرد.) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
 • خير الزاحمين: بهترین رحم‌کنندگان (نباید قبلشان «از» بیاید و در ضمن الزاحمين جمع است.) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

۱۰۹۲- گزینه (۴) نکات مهم:
 • أحب: محبوب‌ترین (دقت کنید که بر وزن أَقْل و اسم تفضیل بوده و فعل نیست.) ← رد گزینه (۱)
 • من: کسانی (چون بعد از آن فعل جمع آمده، پس باید به صورت جمع ترجمه شود!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

۱۰۷۹- گزینه (۳) ترجمه کامل عبارت: «قیمت این پیراهن‌ها چند است؟ بر حسب جنس فرق می‌کند ولی من به شما تخفیف می‌دهم!»
 ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): ارزش - قیمت‌ها - خوار شمردن / گزینه (۲): پول - جنس - خوار شمردن / گزینه (۳): قیمت - جنس - تخفیف / گزینه (۴): ارزش - قیمت‌ها - تخفیف

۱۰۸۰- گزینه (۴) ترجمه گزینه (۴): «کسی که خوب کند اخلاقی را، خودش را عذاب می‌دهد.» ← غلط است، حسن نمی‌تواند این جمله را تکمیل کند بلکه «ساء» (بد شود) مناسب آن است.

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): غیبت‌ازمهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم است! ✓ / گزینه (۲): قوم دیگری رامسخره نکنید، شاید از شما بهتر باشند! ✓ / گزینه (۳): همانا ما از نامیدن دیگران با اسم‌های زشت منع شده‌ایم! ✓

۱۰۸۱- گزینه (۳) در گزینه (۳) ضل یعنی «گمراه شد» و اهدی یعنی «هدیه داد» که هیچ ارتباطی ندارد و متضاد نیستند!

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): حرم (حرام کرد) ≠ أحل (حلال کرد) / گزینه (۲): الحی (زنده) ≠ المیت (مرده) / گزینه (۴): الحفی (پنهان) ≠ الظاهر (آشکار)

۱۰۸۲- گزینه (۳) در گزینه (۳) عصى یعنی «عصیان کرد، سرکشی کرد» و أطاع یعنی «اطاعت کرد» این دو فعل متضاد هم هستند، نه مترادف!

۱۰۸۳- گزینه (۲) اهدتی (هدایت شد) در عبارت (ب) و ضل (گمراه شد) در عبارت (د) متضاد هم هستند، بنابراین جواب، گزینه (۲) است.

ترجمه عبارت: (الف) ما باید از خودپسندی دوری کنیم؛ چون که آن امر زشتی است. / (ب) مردم گاهی اوقات با ستارگانی که در آسمان هستند، هدایت شده‌اند. / (ج) خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد. / (د) خداوند غیبت را حرام کرده است پس با کسی که از راهش گمراه شده است ستیز کن!

۱۰۸۴- گزینه (۳) در این گزینه در توضیح «فاسق» که معنای «گناهکار» می‌دهد، آمده است: «کسی که از راه حق خارج شده و ترک گناه کرده است.» که قسمت دوم توضیح غلط است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): سپیده‌دم: نام دیگری برای صبح و طلوع خورشید. / گزینه (۲): مغازه: محل تجارت یا خرید و فروش. / گزینه (۴): پنهان: پنهان شده و متضاد آشکار.

۱۰۸۵- گزینه (۳) در این گزینه آمده است: «اسلام‌ما را از مسخره کردن دیگران برحذر می‌دارد و از نامگذاری آنان با لقب‌های زشت منع می‌کند.» که این عبارت کاملاً صحیح است.

در سایر گزینه‌ها آمده است: گزینه (۱): خودپسندی این است که انسان عیب‌های دیگران را ببوشاند و از آن‌ها در خودش غافل نشود. (این موارد هیچ ربطی به خودپسندی ندارد.) / گزینه (۲): جاسوسی کردن، یعنی تهمت‌زدن یک شخص به شخص دیگری! (این توضیح مربوط به «سوء ظن» است نه جاسوسی کردن.) / گزینه (۴): غیبت آن است که انسان برای دوستش چیزی را در زمان غیبتش ذکر کند که هنگام شنیدنش از آن بدش نیاید. («غیبت» کلاً یعنی: «گفتن حرفی درباره کسی که حاضر نیست» و خوب و بد آن حرف مهم نیست.)

۱۰۸۶- گزینه (۳) ترجمه عبارت سؤال: «..... کالاهای پس مردم از حکومت خواستند که!»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): ارزش - افزایش می‌یابد - آن را کاهش دهد / گزینه (۲): قیمت - زیاد شد - آن را تلخ کند / گزینه (۳): قیمت‌ها - بالا رفت - آن را کاهش دهد (تخفیف بدهد) / گزینه (۴): پول - بالا می‌رود - آن را ممنوع کند
 با توجه به معنای گزینه‌ها، گزینه (۳) صحیح است!





مجموعه کتاب‌های

- لا یعیبونها: از ما عیب‌جویی نمی‌کنند (جمع است). ← رد گزینه (۳)
- یهدون: هدیه می‌دهند (أهدى، یهدی، اهداء) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- عیوبنا: عیب‌هایمان ← رد گزینه (۳)

۱۰۹۳- گزینه «۱» کلمات مهم:

- أن ننصح: نصیحت کنیم (للمتكلم مع الغير است). ← رد گزینه (۴)
- كل الطلاب: همه دانش‌آموزان (الطلاب جمع است پس كل را «همه» ترجمه می‌کنیم). ← رد گزینه (۲)
- حتی ینتبه: تا آگاه شود (للقائبات است). ← رد گزینه (۳)

۱۰۹۴- گزینه «۳» کلمات مهم:

- قد لَقِبَ: لقب داده‌اند (فعل ماضی است). ← رد گزینه (۱)
- بعضی: بعضی ← رد گزینه (۴)
- صدیقی: دوستم ← رد گزینه (۴)
- قبیح: زشتی (نکره است). ← رد گزینه (۱)
- یکره: ناپسند می‌داند، بدش می‌آید ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- بئس العمل هذا: این، کار بدی است! ← رد گزینه (۲)

- **۱۰۹۵- گزینه «۲»** در این گزینه، «لا تُلقبوا» فعل نهی و به معنی «لقب ندهید» است.

- ترجمه درست: «و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن‌ها اکراه دارند، لقب ندهید!»

۱۰۹۶- گزینه «۲» نکات مهم:

- قد یسخر: گاهی مسخره می‌کند («قد» قبل از فعل مضارع معنی «گاهی، ممکن است» می‌دهد). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- انصوحا: نصیحت کنید (فعل امر است). ← رد گزینه (۳)، ضمناً «سفارش کنید» در گزینه (۴) اضافی است.

- یمنع: منع می‌کند (مضارع است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴) 😊

۱۰۹۷- گزینه «۳» نکات مهم:

- یا اَیُّها الذین آمنوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ← رد گزینه (۱)
- اجتنبوا: بپرهیزید، اجتناب کنید (فعل امر است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- کثیراً من الظن: بسیاری از گمان‌ها ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- بعض الظن: بعضی از گمان‌ها ← رد گزینه (۲) (در ضمن در گزینه (۲) از فعل «محسوب می‌شود» استفاده کرده که معادلی در عبارت عربی ندارد!)

۱۰۹۸- گزینه «۱» کلمات مهم:

- الذین: کسانی که ← رد گزینه (۳)
- لا یتوبون: توبه نمی‌کنند ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- یغتابون: غیبت می‌کنند (فعل مضارع) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
- عذاب أليم: عذابی دردناک (موصوف و صفت و نکره است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- (در ضمن در گزینه (۴) «خود» اضافه است!)

۱۰۹۹- گزینه «۲» نکات مهم:

- تنضحنا: نصیحت می‌کند ما را (فعل مضارع) ← رد گزینه (۳)
- إحدى آیات القرآن: یکی از آیات قرآن ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- فی سورة: در سوره «فی» ترجمه شود! ← رد گزینه (۱)
- لا یعتب: نباید غیبت کند (این فعل امر غایب است و با «ناید» ترجمه می‌شود). ← رد سایر گزینه‌ها!

- بعضکم بعضاً: بعضی از شما دیگری را یا یکدیگر را ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

۱۱۰۰- گزینه «۳» نکات مهم:

- یا اَیُّها الذین آمنوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ← رد گزینه (۴)
- لا یسخر: نباید مسخره کند (امر غایب است و با «ناید» ترجمه می‌شود). ← رد گزینه (۲)
- قوم من قوم: قومی، قوم دیگر را ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

- عسی: شاید ← رد گزینه (۱)
- خیراً: بهتر ← رد گزینه (۱)
- منهم: از آن‌ها ← رد گزینه (۲)

۱۱۰۱- گزینه «۳» نکات مهم:

- لا تجسسوا: جاسوسی نکنید / فعل نهی است، معنای «باید» ندارد! ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)
- یسبب: سبب می‌شود (للقائبات است). ← رد گزینه (۲)
- کبائر الذنوب: گناهان بزرگ، گناهان کبیره «بسیار» لازم نیست. ← رد گزینه (۴)
- آلتی: که (باید ترجمه شود!) ← رد گزینه (۲)
- لن یغفر: نخواهد آمرزید ← رد گزینه (۱)

۱۱۰۲- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): أعلم الناس:

داناترین مردم؛ من: خبر است و جمله باید به صورت مبتدا و خبر ترجمه شود؛ ترجمه درست: «داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید.» / گزینه (۲): شَرّ: در این جا معنی «شرّ» و «بدی» دارد؛ ترجمه درست: «بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از شرّ آن چه آفریده است.» / گزینه (۴): سَكِنْتَهُ: آرامش خود را - رسول: فرستاده / ترجمه درست: «پس خداوند، آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان، نازل کرد!»

۱۱۰۳- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): شهوة: فاعل

است وَعَقَلَ مفعول، بنابراین ترجمه درست به این صورت است: «کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند، پس او از چارپایان بدتر است!» / گزینه (۲): أكبر العیوب: «بزرگ‌ترین عیب» - «هم» اضافه است؛ ترجمه درست: «بزرگ‌ترین عیب این است که از آن چه همانندش در خودت هست، عیب‌جویی نمای!» / گزینه (۴): تَوَاب: بسیار توبه‌پذیر (اسم مبالغه است)؛ ترجمه درست: «تقوای خدا پیشه کنید، زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است!»

۱۱۰۴- گزینه «۱» در این گزینه، ساء فعل و خَلَقَ فاعل آن است، بنابراین «بداخلاق» ترجمه درستی نیست! در ضمن عَدَبَ فعل متعدی و به معنی «عذاب می‌دهد» است.

ترجمه درست: «هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.»

۱۱۰۵- گزینه «۳» نکات مهم:

- قد نعیب: گاهی عیب می‌گیریم (فعل مضارع است و «قد» قبل از آن «گاهی» ترجمه می‌شود). ← رد سایر گزینه‌ها
- بما فینا مثله: از آن چه همانندش در خودمان هست ← رد گزینه (۴)
- من شرّ الأعمال آلتی: از بدترین کارهایی که (شرّ در این جا اسم تفضیل است، «آلتی» باید ترجمه شود). ← رد سایر گزینه‌ها! 😊

۱۱۰۶- گزینه «۱» نکات مهم:

- قد یجعل: گاهی قرار می‌دهد (فعل مضارع است و «قد» قبل از آن معنی «گاهی» می‌دهد). ← رد سایر گزینه‌ها 😊
- کُنّا نکره: آن را ناپسند می‌شمردیم (کان + فعل مضارع = ماضی استمراری) ← رد سایر گزینه‌ها 😊
- در گزینه (۴)، تغییرات و جابه‌جایی در اجزای جمله اتفاق افتاده و معنای عوض شده!

۱۱۰۷- گزینه «۴» نکات مهم:

- من ینهض: هر کس برخیزد ← رد گزینه (۳)
- لیحل: تا حل کند (لمعنی «تا» می‌دهد). ← رد سایر گزینه‌ها!
- جیران: همسایگان (جمع جاز است). ← رد گزینه (۲)
- یعتب: به حساب می‌آید، شمرده می‌شود (فعل مجهول است). ← رد سایر گزینه‌ها! 😊



• من: از (باید ترجمه شود!) ← رد گزینه (۱)
 • خیر عباد الله: بهترین بندگان خدا ← رد گزینه (۲)

۱۱۰۸- گزینه (۱) نکات مهم:

• قد اُكْد: تأکید شده است (فعل ماضی که با حرف ضمه دار شروع شده حتماً مجهول است، در ضمن نباید مضارع ترجمه شود!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
 • أَنْ نُحَسِّنَ: که نیکو گردانیم (صیغه للمتكلم مع الغير از حَسَنَ، يُحَسِّنُ، تحسین است!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
 • حَلَقْنَا: اخلاقمان را (مفعول نُحَسِّنَ است!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
 • يُؤْتِرُ: اثر می‌گذارد (باید به صورت فعل مضارع ترجمه شود نه مبتدا و خبر!) ← رد گزینه (۲)
 • أَكْثَرُ مِمَّا نَتَوَصَّرُ: بیشتر از چیزی که تصور می‌کنیم ← رد سایر گزینه‌ها!
 • دقت کنید در گزینه‌های (۲) و (۴) یک ضمیر «ش» اضافه آمده و در گزینه (۳) به صورت اسم ترجمه شده است.

۱۱۰۹- گزینه (۲) نکات مهم:

• لَا تَسْخَرُ مِن: مسخره نکن (فعل نهی مخاطب است و معنی «نباید» ندارد.)
 ← رد گزینه (۱) و در گزینه (۴) هم گفته «اقدام نکن» که معادلی در عبارت عربی ندارد!
 • عُيُوبُ شَخْصٍ: عیب‌های کسی ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
 • لِأَنَّ زَيْبًا، چون که، چه... ← رد گزینه‌های (۳) و (۴) که ترجمه‌اش نکرده‌اند.
 • يَدْوُرُ: می‌چرخد ← رد گزینه (۳)
 • اللَّهْرُ: روزگار ← رد گزینه (۳)
 • أَنْتَ تُصِيبُ: تو دچار می‌شوی ← (فعل مضارع است.) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
 • يَنْفَسُ الْعُيُوبَ الَّتِي: به همان عیب‌هایی که ← رد سایر گزینه‌ها!
 • كُنْتُ تَسْخَرُ: مسخره می‌کردی (کان + فعل مضارع = ماضی استمراری)
 ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

۱۱۱۰- گزینه (۱) نکات مهم:

• «جاسوسان» و «برای کشف اسرار» در همه گزینه‌ها یک جور و درست ترجمه شده‌اند.
 • کشور ما: بلادنا (قبلیش به «فی» احتیاج نداریم!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
 • تلاش خواهند کرد: سيجاول، سيجاولون ← چون فعل مستقبل است، پس حتماً «سَب» یا «سَوْفَ» می‌خواهد (رد گزینه ۴)؛ ضمناً اگر در ابتدای جمله بیاید مفرد و در میان جمله، باید به صورت جمع باشد! ← رد گزینه (۳)
 • اجازه نمی‌دهیم: لَا نَسْمَحُ (فعل مضارع منفی است.) ← رد گزینه (۲)

۱۱۱۱- گزینه (۴) نکات مهم:

• نصیحت می‌کند: اگر مذکر باشد يَنْصَحُ و اگر مؤنث باشد تُنصَحُ ← رد گزینه (۲) ← چون فعل ماضی است.
 • معلم زبان عربی: معلّم اللّغة العربيّة (مذکر) / معلّمة اللّغة العربيّة (مؤنث)
 ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
 • می‌گوید: يَقُولُ / تَقُولُ ← رد گزینه (۲)
 • کسانی که: الَّذِينَ (مذکر) / مَنْ، نکته، این جاست که با توجه به عبارت فارسی بعد از این کلمات هر فعلی که استفاده شود، باید جمع باشد.
 ← رد گزینه (۱)
 • در گزینه (۳) دلیلی برای حذف «ن» از آخر فعل‌ها نداریم و غلط هستند.
 • در زندگی: فِي الْحَيَاةِ ← گزینه (۲) اشتباه ترجمه کرده، گزینه (۳) یک ضمیر «هم» اضافه آورده.

۱۱۱۲- گزینه (۲) نکات مهم:

• تلاش: المحاولة / السعي. هیچ ضمیری لازم نیست بهش بچسبه! ← رد گزینه (۳)
 • کشف رازهای مردم: كَشَفَ أَسْرَارَ النَّاسِ، دقت کنید که «كَشَفَ» و «أَسْرَارُ» هر دو به اسم بعد از خود اضافه شده‌اند، بنابراین نباید «ال» داشته باشند.
 ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
 • رسوا کردن آن‌ها: فَضَحَهُمْ، ضمیر «هم» باید بیاید ← رد گزینه (۱)
 • اخلاق زشت: موصوف و صفت است پس هر دو باید «ال» بگیرند ضمناً ضمیر هم نباید بگیرد ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
۱۱۱۳- گزینه (۱) خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): عیب ← عیوب (باید جمع بیاید) / گزینه (۳): عَلِيم ← أَعْلَمُ (چون گفته، «آگاه‌تر» یعنی اسم تفضیله!) / گزینه (۴): تُحَسِّنُ ← حَسَّنْتَ (دقت کنید که «نیکو گردانیدی» ماضیه، نه مضارع.)

۱۱۱۴- گزینه (۴) نکات مهم:

• در گزینه (۴) برای گفتن «چه بد است»، در عربی از «بِئْسَ» استفاده می‌کنیم یعنی: بِئْسَ الْعَمَلُ، المَنْ بَعْدَ الْقِيَامِ بِالْحَسَنَةِ! جمله‌ای که در این گزینه نوشته شده به این معناست: «منت گذاشتن بعد از انجام کاری، از کارهای بد است!»

۱۱۱۵- گزینه (۴) نکات مهم:

• بیشتر مردم: أَكْثَرُ النَّاسِ (باید از اسم تفضیل استفاده کنیم!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
 • حرف زدن: التكلّم، التحدّث ← در گزینه (۲) فعل «إِنْ تَتَكَلَّمْ» به صورت متکلم مع الغير آمده که غلط است.
 • در جمع: فِي الْجَمَاعَةِ (عَنْدَ یعنی «نزد») ← رد سایر گزینه‌ها
 • ناپسند می‌شمارند: يَكْرَهُونَ ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

۱۱۱۶- گزینه (۳) کلمات مهم:

• «أَقْدَمُ»: قدیمی‌ترین - «أَسْسُ»: تأسیس شد (فعل مجهول) - «قَدْ كُتِبَ»: نوشته شده بود (اولاً مجهول است و دوماً چون دو فعل ماضی پشت هم آمده‌اند، دومی به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود). - «أَفْضَلُ مِن»: بهتر از
بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فرمان ... داد («أَسْسُ» فعل مجهول است و «أمر» نیز در این جا اسم است نه فعل) / گزینه (۲): قدیمی («أقدم» اسم تفضیل است). - بهترین («أفضل» با حرف «من» آمده، پس معنای «بهتر» می‌دهد نه «بهترین») / گزینه (۴): بهترین (مانند گزینه ۲)

۱۱۱۷- گزینه (۳) کلمات مهم:

• «تلقیب»: لقب‌دادن - «یکرهونها»: آن‌ها را ناپسند می‌دارند.
بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): از سوره (حرف «فی» دقیق ترجمه نشده است). - دعوت می‌کند (ترجمه صحیحی برای «تنصح» نیست). - آنان («التاس» یعنی «مردم») / گزینه (۲): از خود دور کنیم (ترجمه درستی برای «تَرَكَ» نیست). - مردم («الآخرین» یعنی «دیگران») - بدی (اضافی است). - آنان (مانند گزینه ۱) / گزینه (۴): بازمی‌دارد (اولاً «تنصح» یعنی «نصیحت می‌کند»، ثانیاً «تَرَكَ» ترجمه نشده است). - از مردم (مانند گزینه ۲) - آنان (مانند گزینه‌های قبل)

۱۱۱۸- گزینه (۳) کلمات مهم:

• «إحدى»: یکی از - «تَنصَحنا»: ما را نصیحت می‌کند.
بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): آیه اول («إحدى آیات» یعنی «یکی از») / گزینه (۲): آشکار نکنید (ترجمه درستی برای «لا تعیبوا» نیست). - عیب‌های ... («لا تعیبوا» فعل است نه اسم) / گزینه (۴): عیب‌های ... آشکار نکنید (مانند گزینه ۲) - یک آیه (مانند گزینه ۱)

۱۱۱۹- گزینۀ «۴»

کلمات مهم: «لا یعمد»: اعتماد نمی کنند (در این جا به صورت جمع ترجمه می شود). - «یستهزی»: مسخره می کند - «لا یتقی»: پروا نمی کند.

بررسی خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): نباید ... «لا یعمد» فعل نهی نیست. - باید ... بترسند «لا یتقی» اولاً مفرد است و ثانیاً «باید» اضافی است، چون «لا یتقی» فعل نفی است. / گزینۀ (۲): کسی که ... (جای «مردم») و «کسی که» عوض شده است ← مردم به کسی که ... (جای نباید ... (مانند گزینۀ ۱) - دیگران او را ... (جای کلمات عوض شده است ← او دیگران را ...) - مسخره می کنند ... پروا ندارند (فعل ها باید به صورت مفرد ترجمه شود، چون به «الذی» برمی گردد).

۱۱۲۰- گزینۀ «۲»

کلمات مهم: «مَتَجَرَّ»: مغازه - «زمیلی»: همکارم - «اشتریت»: خریدم - «سروالاً»: شلواری - «التخفیض»: تخفیف - «سعر»: قیمت - «تسعین ألف»: نود هزار

بررسی خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): هفتاد هزار «تسعین» یعنی «نود» / گزینۀ (۳): پیراهنی «سروالاً» یعنی «شلواری» - هشتاد (مانند گزینۀ ۱) / گزینۀ (۴): تولید «تخفیض» یعنی «تخفیف»

۱۱۲۱- گزینۀ «۴»

«أهم» اسم تفضیل است و چون به «أسباب» اضافه شده باید به صورت صفت عالی ترجمه شود. ← «من أهم أسباب ...»: از مهم ترین دلایل ...

۱۱۲۲- گزینۀ «۱»

کلمات مهم: «قد تَنَابَرَّ»: نسبت داده اند (قد + ماضی ← ماضی نقلی) - «أسماء قبیحة»: نام های زشتی - «قد یستهزؤون»: گاهی مسخره می کنند «قد» وقتی با مضارع بیاید معنای «گاهی» می دهد. - «فسوق»: آلوده شدن به گناه

خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۲): گاهی «قد» به همراه ماضی آمده، پس معنای «گاهی» نمی دهد. - می دهند «تَنَابَرَّ» ماضی است نه مضارع. - به وسیله «حرف «پ» چون با فعل «یستهزی» آمده ترجمه نمی شود. ← «بهم» آنان را) - از (اضافی است) - گناهان «فُسُوق» در این جا مصدر است ← آلوده شدن به گناه / گزینۀ (۳): با استفاده از (مانند گزینۀ ۲) - به تمسخر می پردازند (اولاً «قد» ترجمه نشده است. ثانیاً ترجمه درستی برای «یستهزؤون» نیست.) / گزینۀ (۴): شاید (مانند گزینۀ ۲) - نسبت بدهند (مانند گزینۀ ۲) **نکته:** فعل «إِسْتَهْزَأَ» معمولاً با حرف «پ» به کار می رود که این حرف در ترجمه آورده نمی شود و کلمه ای که به حرف «پ» می چسبد به صورت مفعول ترجمه می شود.

۱۱۲۳- گزینۀ «۱»

کلمات مهم: «يَنْظُرُ»: نگاه کند - «يَغْفَلُ»: غافل شود - «تَظْهَرُ»: آشکار می شود.

بررسی خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۲): تمام (اضافی است). - عیب ها «الآخرین» ترجمه نشده است. - اشتباه «أخطاء» جمع است. / گزینۀ (۳): عیب «عیوب» جمع است. - نگریت «ينظر» فعل مضارع است. - غافل شد «يغفل» مضارع است. - آشکار گردید «تظهر» هم مضارع است. / گزینۀ (۴): خواهد شد (در جمله نشانه مستقبل وجود ندارد).

۱۱۲۴- گزینۀ «۴»

کلمات مهم: «أشجع من»: شجاع تر از - «الشباب المجتهدین»: جوانان تلاشگر - «يقفون»: می ایستند - «أعظم مشاكل»: بزرگ ترین مشکلات

بررسی خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): شجاع ترین «أشجع» با «من» آمده، پس ترجمه «شجاع تر از» صحیح است. - جوانان «هؤلاء» ترجمه نشده است. / گزینۀ (۲): ایستادگی کرده اند «يقفون» فعل مضارع است. / گزینۀ (۳): شجاعتی «أشجع» بر وزن «أفعل» اسم تفضیل است. - بیشتر از شجاعت ... (چنین ساختاری در عبارت عربی نیامده است). - جوانان (مانند گزینۀ ۱) - بزرگ «أعظم» اسم تفضیل است.

۱۱۲۵- گزینۀ «۳»

کلمات مهم: «لا تجسّسوا»: جاسوسی نکنید - «يُسَبِّبُ»: باعث می شود - «فَضَحَ»: رسوایی - «كِبائر الذنوب»: گناهان بزرگ - «لن یغفر»: نخواهد آمرزید (لن + مضارع ← مستقبل منفی)

بررسی خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): دخالت نکنید (ترجمه دقیقی برای «لا تجسّسوا» نیست). - نمی بخشاید «لن یغفر» مستقبل منفی است. / گزینۀ (۲): نباید ... (ترجمه فعل نهی مخاطب «نبايد» نمی خواهد). - دلیل ... می شوید «يسبب» فعل غایب است نه مخاطب. - «التي» در این جا یعنی «که» - هم (اضافی است). / گزینۀ (۴): این کار (اضافی است). - بسیار (اضافی است). - هم (مانند گزینۀ ۲) - شمارا (ضمیر «ها» در «لن یغفرها» مربوط به «الذنوب» است).

۱۱۲۶- گزینۀ «۲»

کلمات مهم: «أحبّ الناس»: محبوب ترین مردم - «إمام عادل»: پیشوایی عادل - «أشبهه»: شبیه تر

بررسی خطاهای سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): ساختار جمله کاملاً تغییر کرده است. / گزینۀ (۳): فرد (ترجمه فارسی برای «الناس» نیست). - انسان ها (ترجمه مناسبی برای «الناس» نیست). - مثل ... «أشبهه» اسم تفضیل است. / گزینۀ (۴): برای خداوند «إلی الله» یعنی «نزد خداوند» - آن ها «الناس» ترجمه نشده است. - حاکمان (ضمیر «هم» در «أمرائهم» ترجمه نشده است).

۱۱۲۷- گزینۀ «۲»

در گزینۀ (۲) لله ترجمه نشده و در ضمن هیچ کلمه ای که معادل «چون» باشد در عبارت عربی نیست. ترجمه درست این عبارت این چنین است: «ما برای خداوند نماز می خوانیم در حالی که از او یاری الهی را خواستاریم»

۱۱۲۸- گزینۀ «۱»

نکات مهم:

- أساءك: به تو بدی كرد ← رد گزینہ های (۳) و (۴)
- مروءتك إلیه: جوانمردی ات به او، مروءت به او ← رد سایر گزینہ ها! 😊
- لا تخبر: باخبر مكن ← رد سایر گزینہ ها! 😊
- ما فعل بك: آن چه با تو كرده است ← رد گزینۀ (۳)
- حتى لا تزول: تا از بین نرود ← رد گزینہ های (۲) و (۳)

۱۱۲۹- گزینۀ «۱»

کلمات مهم:

- عباد: بندگان (عباد جمع عبد است نه جمع «عابد: عبادت کنندگان»!) ← رد گزینہ های (۲) و (۳)
- الذین: کسانی که ← رد گزینہ های (۲) و (۴)
- الأرض: زمین (نه کره زمین!) ← رد گزینہ های (۳) و (۴)
- هوناً: به آرامی، آرام ← رد گزینہ های (۲) و (۴)

۱۱۳۰- گزینۀ «۱»

کلمات مهم:

- الغد المضيء: «فردای روشنی بخش» (معرفه است و نباید نکره ترجمه شود، در ضمن موصوف و صفت است و نباید به صورت یک جمله مجزا ترجمه شود). ← رد سایر گزینہ ها! 😊
- يعرف: می شناسد، بشناسد ← رد گزینۀ (۲)
- ينتفع به: از آن سود ببرد ← رد سایر گزینہ ها! 😊
- اليوم: امروز (نه امروزش!) ← رد گزینۀ (۳)
- بأحسن وجه: به بهترین وجه، به بهترین صورت ← رد گزینہ های (۲) و (۳)
- در ضمن گزینۀ (۴) کلاً أسلوب جمله را به هم ریخته و غلط است!

۱۱۳۱- گزینۀ «۲»

کلمات مهم:

- أعرض: روی برگردان ← رد گزینہ های (۳) و (۴)
- هوی: هوی، خواهش (مفرد است). ← رد گزینہ های (۱) و (۳)
- نفس: نفس، خود (نفسانی ترجمه دقیقی نیست). ← رد گزینہ های (۳) و (۴)
- حتی لا یصل: تا نرسد (متعدی نیست!) ← رد گزینہ های (۱) و (۴)
- ضرره: ضررش، زیان آن (مفرد است). ← رد گزینہ های (۱) و (۴)

مجموعه کتاب‌های



- **۱۱۳۲- گزینۀ «۲»** در این گزینۀ رأیت و ازداد هر دو ماضی هستند و به اشتباه مضارع ترجمه شده‌اند. **ترجمۀ درست عبارت:** «توجه (اشتیاق) فرزندانمان را به تلویزیون دیدم که زیاد شده است!»
- **۱۱۳۳- گزینۀ «۳» نکات مهم:**
 ● الأفضّل للطّالِب: بهتر است برای دانش‌آموز (الأفضل اسم تفضیل است، در ضمن به وجود حرف «لِ» قبل از الطّالِب توجه کنید!) ← رد سایر گزینۀها!
 ● أن ینتخب: که انتخاب کند ← رد گزینۀ (۲)
 ● بدقّة: با دقت! («دقیق» و «دقیقاً» نداریم!) ← رد گزینۀهای (۲) و (۴)
 ● حتّی لا یندم: تا پیشیمان نشود ← رد سایر گزینۀها!
 ● فی المستقبل: در آینده ← رد گزینۀهای (۱) و (۴)
- **۱۱۳۴- گزینۀ «۱» کلمات مهم:**
 ● قد تعلّمت: یاد گرفته‌ام (که ماضی و للمتکلم وحده است.) ← رد سایر گزینۀها!
 ● أن لا أعجل: که عجله نکنم ← رد سایر گزینۀها!
 ● معاتبه: سرزنش کردن ← رد گزینۀهای (۲) و (۳)
 ● أحد: کسی، شخصی ← رد سایر گزینۀها!
 ● بذنب ارتکبه: به خاطر گناهی که مرتکب شده ← رد سایر گزینۀها!
 ● أَراد: بخواهد ← رد گزینۀ (۴)
 ● أن یغفر ذنبه: گناهش را ببامرزد، از گناه او درگذرد ← رد سایر گزینۀها
- **۱۱۳۵- گزینۀ «۴» نکات مهم:**
 ● زتّو: بیاراید (متعدی است.) ← رد سایر گزینۀها!
 ● ما یلیق لآخرتکم: آن چه شایسته آخرتتان است ← رد گزینۀهای (۲) و (۳)!
 ● من الدّنیاء: از دنیا، از خود دنیا (چون قبلش هم به الدّنیاء اشاره کرده، می‌توانیم از ضمیر «خود» استفاده کنیم.) ← رد گزینۀ (۱)
 ● مادامت الفرصه باقیه لکم: تا فرصت برایتان باقی است ← رد سایر گزینۀها!
- **۱۱۳۶- گزینۀ «۲» نکات مهم:**
 ● شعرت: احساس کردم ← رد گزینۀهای (۱) و (۳)
 ● یقهقه: قهقهه می‌زند (مضارع است.) ← رد سایر گزینۀها!
 ● یسخر منّی: مرا مسخره می‌کند (این هم مضارع است.) ← رد گزینۀهای (۱) و (۳)
 ● عند عصیان ربّی: هنگام نافرمانی از پروردگارم ← رد گزینۀ (۱)!
- **۱۱۳۷- گزینۀ «۳» نکات مهم:**
 ● یجب أن ننظر: باید بنگریم! ← رد گزینۀ (۱) (به دلیل اضافی بودن «فقط») و گزینۀ (۲)
 ● حتّی نغفل: تا غافل شویم ← رد گزینۀهای (۱) و (۲)
 ● من ینظر: کسی که بنگرد، کسی که نگاه کند ← رد گزینۀهای (۱) و (۴)
 ● یئس: فراموش می‌کند (فعل مضارع است!) ← رد سایر گزینۀها!
 ● در ضمن سایر گزینۀها غلط‌های واضح دیگری نیز دارند.
- **۱۱۳۸- گزینۀ «۳»** بعد از اسم اشاره، اگر اسم ال داری بیاید، باید اسم اشاره را مفرد ترجمه کنیم، یعنی ترجمۀ درست این عبارت، این جوری است: «مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این گناهکاران توبه می‌کنند!»
- **۱۱۳۹- گزینۀ «۴» کلمات مهم:**
 ● أفضل: برترین، بهترین ← رد گزینۀ (۲)
 ● من: کسی است که («آن است» غلط!) ← رد گزینۀهای (۱) و (۳)
 ● یبدأ: بپیرازد ب... شروع کند به... ← رد گزینۀهای (۱) و (۳)

- تأدیب نفسه: ادب کردن خودش ← رد گزینۀ (۱)
 ● قبل تأدیب غیره: قبل از تأدیب دیگری ← رد سایر گزینۀها!
- **۱۱۴۰- گزینۀ «۱» خطاهای سایر گزینۀها:**
 ● گزینۀ (۲): ضمیر «ه» در مقامّه و مألّه ترجمه نشده - فعل‌های جمله، مضارع هستند و به غلط ماضی ترجمه شده‌اند؛ **ترجمۀ درست:** «و در این دنیا مقامش او را سرگرم نمی‌کند و مالش او را مغرور نمی‌کند.»
 ● گزینۀ (۳): یعظّم: مضارع است نه ماضی! عَظَم: مجهول نیست! والله فاعلش! **ترجمۀ درست:** «و خدا را بزرگ می‌دارد، همان طور که خدا او را بزرگ داشته است!»
 ● گزینۀ (۴): مات: فعل است نه اسم! انیسه: یعنی مونس او! **ترجمۀ درست:** «و این گونه هنگامی که بمیرد، رسول خدا ﷺ مونس او می‌باشد.»
- **۱۱۴۱- گزینۀ «۱» کلمات مهم:**
 ● لا تحزنوا: غم نخورید، غمگین مباشید (معنی «هرگز» یا «هیچ‌گاه» در آن نیست!) ← رد گزینۀهای (۳) و (۴)
 ● أعلى درجه: برترین مرتبه، بالاترین مرتبه (درجه مفرد است.) ← رد گزینۀهای (۲) و (۳)
 ● إن: اگر ← رد گزینۀ (۴)، در ضمن در گزینۀ (۴) «تازمانی که» اضافه است!
 ● **۱۱۴۲- گزینۀ «۳»** أكبر (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) اسم تفضیل است و شاهدت یعنی «دیده‌ام» نه «شناختم!»
 ● ترجمۀ درست عبارت، چنین است:
 «این دو شهر، بزرگ‌ترین شهرهایی هستند که آن‌ها را دیده‌ام!»
- **۱۱۴۳- گزینۀ «۱» نکات مهم:**
 ● بزرگ‌ترین شاعران: أكبر شعراء: أعظم شعراء (ترکیب باید اسم تفضیل + اسم جمع باشد.) ← رد گزینۀهای (۲) و (۳)
 ● بود: كان ← رد سایر گزینۀها!
 ● شعر می‌گفت: فعل ماضی استمراریه! که در عربی از كان + فعل مضارع ساخته می‌شود. پس می‌شود كان ینشد، که یک كان در اوّل جمله داریم، بنابراین همون کافیه ← رد گزینۀهای (۲) و (۴)!
- **۱۱۴۴- گزینۀ «۴» بررسی سایر گزینۀها:**
 ● گزینۀ (۱): نعم: یعنی «خوب است» نه «بهترین»!
 ● **ترجمۀ درست:** «قدرت خوبی است غرور در برابر ستمگران»!
 ● گزینۀ (۲): یئس: بد است، الآخرین: دیگران.
 ● **ترجمۀ درست:** «خصلت بدی است که از دیگران در نمی‌گذری»!
 ● گزینۀ (۳): حیاتی: زندگی من - الکووب: ستاره
 ● **ترجمۀ درست:** «ستاره خوبی است، ستاره سعادت من در آسمان زندگی‌ام!»
- **۱۱۴۵- گزینۀ «۴» کلمات مهم:**
 ● معلّمهم: معلمشان، معلم خود (معلم مفرد است.) ← رد گزینۀهای (۲) و (۳)
 ● أن ینصحهم: که آن‌ها را نصیحت کند (فعل و مفعولش هستند.) ← رد سایر گزینۀها!
 ● کلمات قیمه (نکره است): کلماتی ارزشمند ← رد گزینۀهای (۱) و (۲)!
- **۱۱۴۶- گزینۀ «۴» نکات مهم:**
 ● بیشتر حیوانات: أكثر الحيوانات («کثیر من» یعنی «بسیاری از») ← رد گزینۀهای (۲) و (۳)
 ● سازگار کرده‌اند: قد کفّفت (فعل ماضی است!) ← رد سایر گزینۀها!

• یا محیطی که مع البیئة آتی (فی درست نیست) ← رد گزینه‌های (۱) و (۲) و در آن به سر می‌برند: تعیش فیها (باید ضمیر «آن» ترجمه شود، در ضمن فعل مضارع است). ← رد سایر گزینه‌ها!

۱۱۴۷- گزینه ۳ نکات مهم:

- دوره کردن: مراجعه ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- آسان‌ترین راه: آسهل طریق ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
- یادگیری: تعلّم (تعلیم یعنی یاد دادن!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
- در ضمن در گزینه (۲) اِتما اضافه است!

۱۱۴۸- گزینه ۴ ترجمه و مفهوم عبارت: «خداوندا، همان‌طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، اخلاقم را نیز نیکو نما!»

این عبارت در واقع به صورت زیبا و سیرت زیبا در کنار هم اشاره دارد که فقط با گزینه (۴) هم‌معنا نیست که می‌گوید: هر چه از یار رسد نیکوست حتی اگر دشنام باشد!

۱۱۴۹- گزینه ۴ ترجمه گزینه (۴): «چه‌بسا سکوتی که از سخن رساتر است!» معنی اش واضحاً: اشعر و به‌روشن هم می‌گه: مثل صدف باید سکوت کنی و در مواقع لزوم حرف بزنی، اونم حرف‌هایی ارزشمند مثل مروراید!

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند» یعنی باید عیب‌های همدیگه رو دوستانه و مانند هدیه به همدیگه بگیریم، اما شعر فارسی می‌گه اول خودت و عیب‌های خودت رو ببین، بعد به عیب‌های بقیه بپرداز! / گزینه (۲): «بدترین مردم، [انسان] دورو است!» شعر فارسی اما می‌گه نیت و باطن آدم‌ها باید شریف و سالم باشه و نمی‌شه از روی ظاهر یا لباس، آدم‌ها رو قضاوت کرد! / گزینه (۳): «آلوده شدن به گناه بعد از ایمان، بد اسمی است!» شعر فارسی اما می‌گه اگر گناهکار باشی ولی در دلت از خدا بترسی بهتره تا عبادت و پارسایی‌ات رو به رخ دیگران بکشی!

۱۱۵۰- گزینه ۴ ترجمه و مفهوم گزینه (۴): «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید»: «دعوت به آموزش مردم با آنچه می‌آموزیم» عبارت دربارهٔ اینه که از علم دیگران هم استفاده کنیم و خودمون را داناتر و آگاه‌تر کنیم، نه این‌که به دیگران آموزش بدیم!

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند»: دوری از خودپسندی. / گزینه (۲): «و با آنان با روشی که بهتر است استدلال کن»: موعظه و گفت‌وگو با دیگران با کلامی نیکو! / گزینه (۳): «کسی که اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد»: دعوت به اخلاق نیکو

۱۱۵۱- گزینه ۲ ترجمه عبارت: «خودپسندی صفت نکوهش شده‌ای است؛ پس از آن دوری کنید!» مفهوم عبارت واضح!

معنای گزینه‌ها: گزینه (۱): انسان‌های بزرگ خودبین نیستند، و خداشناسی را نمی‌توانی در انسان‌های خودپسند پیدا کنی! / گزینه (۲): کسی که افراط و تفریط دارد به نتیجه نمی‌رسد؛ اما کسی که با آرامی و پیوسته حرکت کند، موفق می‌شود. / گزینه (۳): خداوند تو را از خاک آفریده؛ پس مانند خاک فروتن باش! / گزینه (۴): انسان فروتن انتخاب‌های هوشمندانه‌ای می‌کند و هر چه پربارتر باشد تواضعش بیشتر است!

۱۱۵۲- گزینه ۱ ترجمه و مفهوم عبارت: «بزرگ‌ترین عیب آن است که آنچه در خودت مثل آن هست را عیب‌جویی کنی!» که با گزینه (۱) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «چرا مرا نصیحت می‌کنی، اول باید خودت را یک نصیحت درست و حسابی بکنی!»

معنی و مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): اگر آینه (منظور دیگران است) عیب تو را با صداقت و درستی بیان کرد، به جای این‌که آینه را بشکنی و ناراحت شوی، خودت را اصلاح کن! / گزینه (۳): با انسان‌های بد رفت‌وآمد

نکن که درمانده می‌شوی، چون نفس انسان اثرپذیر است! / گزینه (۴): بیا تا از همدیگر عیب‌پوشی کنیم و آبروی یکدیگر را نبریم و غیبت نکنیم!

۱۱۵۳- گزینه ۲ «آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را که مرده است، بخورد؟ پس از آن بدتان می‌آید!» این آیه، ما را از «غیبت کردن» منع می‌کند.

۱۱۵۴- گزینه ۲ ترجمه: «دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.»

این عبارت با گزینه (۲) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «اگر انسان دانا و خردمند به تو زهر داد بخور و به او اعتماد کن، اما اگر نادان به تو شیرینی داد، قبول نکن!» معنای سایر گزینه‌ها بسیار واضح است و با عبارت مورد نظر فاصله زیادی دارند.

۱۱۵۵- گزینه ۳ به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید!

گزینه (۱): این پیراهن‌ها چند تومان هستند؟ هفتاد و پنج هزار (تومان) ✓

گزینه (۲): مبلغ چقدر شد؟ دوپست و سی هزار شد. ✓

گزینه (۳): آیا از این ارزان‌تر هم داری؟ بله سفید و سیاه داریم. ✗

گزینه (۴): آیا شلوازی بزرگ‌تر از این می‌خواهی؟ بله بزرگ‌تر از این می‌خواهم.

۱۱۵۶- گزینه ۴ در این گزینه آمده است: «قیمت نقره از قیمت طلا ارزان‌تر است.» که براساس واقعیت کاملاً صحیح است.

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): انسان دورو نزد همکاران محبوب است. (کاملاً برعکس!) / گزینه (۲): داور در مسابقه فوتبال هر گلی را می‌پذیرد. (غلط است، چون گل‌هایی که خطا باشند، مردود می‌شوند.) / گزینه (۳): قیمت لباس‌ها براساس جنس تفاوت ندارد. (کاملاً برعکس!)

۱۱۵۷- گزینه ۱ در این گزینه آمده است: «این پندی سودمند است: کتاب، بده‌منشینی است.» که براساس واقعیت کاملاً برعکس است.

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): پیامبران فرستاده شدند برای کم کردن عیب‌های انسان. / گزینه (۳): خداوند کسب حرام را حرام کرده است. / گزینه (۴): سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

۱۱۵۸- گزینه ۳ ترجمه عبارت: «بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست.» این عبارت به «میانروی و اعتدال» دعوت می‌کند. این مفهوم در گزینه (۳) دیده می‌شود.

ترجمه گزینه‌های عربی: گزینه (۱): برترین ویژگی، مراقبت از زبان است. / گزینه (۲): بهترین باران کسی است که تو را به نیکی راهنمایی کند.

۱۱۵۹- گزینه ۱ در این گزینه، دو عبارتی که در مقابل هم آمده‌اند به هم مربوط هستند: «این شلوارها چند تومان است؟» ← «شلوارهای زنانه ۹۵ هزار تومان است.»

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم. ← این قیمت‌ها گران است. / گزینه (۳): قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ ← سفید و سیاه و آبی. / گزینه (۴): مبلغ چه قدر شد؟ ← بعد از تخفیف به من بده.

۱۱۶۰- گزینه ۲ در این گزینه، اقوی (قوی‌تر، قوی‌ترین)، اراذل جمع اراذل (پست‌تر، پست‌ترین)، ابعُد (دورتر، دورترین) و اَشهر (مشهورتر، مشهورترین) همگی اسم تفضیل هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): اَحْمَر (قرمز) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. اَقْل (کم‌تر)، اَعْلی (بالتر، بالاترین) و اَصْغَر (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. / گزینه (۳): اَسْوَد (سیاه)، اَبْيَض (سفید) و اَخْضَر (سبز) از رنگ‌ها هستند و اسم تفضیل نیستند. خیر اگر به معنی بهتر یا بهترین باشد، اسم تفضیل است. / گزینه (۴): اَكْثَر (بیشتر، بیشترین)، اَصْل (گمراه‌تر، گمراه‌ترین) و اَقْدَم (جلوتر، جلوترین) اسم تفضیل هستند؛ اما اَصْیْح (شد) فعل است.

۱۱۶۱- گزینه ۲ در این گزینه اَثَقی (باتقواتر، باتقواترین)، اَحَبّ (محبوب‌تر، محبوب‌ترین) و اَعْلَم (داناتر، داناترین) همگی اسم تفضیل هستند.

۱۱۶۹- گزینۀ «۲» ترجمۀ گزینۀ: «دشمنی عاقل از دوستی جاهل

بہتر است». خَیْرٌ در این گزینہ خیر است برای مبتدا (عداوۃ).

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): مَعلوم (مشخص): اسم مفعول و صفت برای رزق / گزینۀ (۲): اوسط (میانہ): اسم تفضیل و مجرور به حرف بِ- / گزینۀ (۴): مکارم (مکارم) جمع مکسر مَکْرَمَة (بر وزن مَفْعَلَة است و اسم مکان نیست). مفعول برای فعل اَتَمَمَّ

۱۱۷۰- گزینۀ «۲» ترجمۀ گزینہ: «بہترین فرزندان کسی است کہ به

والدین خود احترام بگذارد.» در این گزینہ، أَحْسَن اسم تفضیل است.

در سایر گزینہ‌ها أَحْسَن فعل است:

گزینۀ (۱): کسی کہ کارش را درست انجام دهد در پایان شاد می‌شود. / گزینۀ (۳): نیکی کن، همان گونه کہ پروردگارت به تو نیکی کرد. / گزینۀ (۴):

جوان نیکی کرد به کسی کہ به او بدی کرده بود.

۱۱۷۱- گزینۀ «۱» الآخر (آخر، پایان) اسم فاعل است و الآخر

(دیگر) اسم تفضیل. در گزینۀ (۱) الآخرین به معنی آیندگان است و اسم تفضیل نیست: «و برای من در آیندگان یاد نیکو قرار بده.»

ترجمۀ سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۲): تواضع امر زیبایی است کہ ممکن است در دیگران اثر بگذارد. / گزینۀ (۳): گاهی از آن چه در دیگران است عیب جویی می‌کنیم و خود آن صفات در ما نیز هستند. / گزینۀ (۴): جاسوسی در کارهای دیگران تلاش زشتی برای کشف اسرار آنان است.

۱۱۷۲- گزینۀ «۲» ترجمۀ گزینہ: «چه بسا از آن‌ها بہتر باشند.»

در این گزینہ خیر اسم تفضیل است، چون به معنای بہتر است.

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): هیچ خیری در سخنی نیست، مگر همراه عمل. / گزینۀ (۳): پس شاید از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر بسیاری قرار دهد. / گزینۀ (۴): کلام خیری کہ فایده برساند بہتر از کتابی است کہ هیچ فایده‌ای ندارد.

۱۱۷۳- گزینۀ «۴» ترجمۀ گزینہ: «زدیک‌ترین بندگان به خداوند

در روز قیامت، بیشترین آن‌ها از نظر رحمت و کم‌ترین آن‌ها از نظر خشم است.» در این گزینہ سه اسم تفضیل وجود دارد.

در سایر گزینہ‌ها اسم تفضیل‌ها به شرح زیرند: گزینۀ (۱): أَحْسَن (بہتر) ← اَشْلَمُ در این جا فعل است. (تسلیم کرد) / گزینۀ (۲): خَیْرٌ (بہترین) - اَوْسَطٌ (میانہ‌ترین) / گزینۀ (۳): اَعْظَمُ (بزرگ‌ترین) - اَشْدُّ (شدیدترین)

۱۱۷۴- گزینۀ «۲» ترجمۀ گزینہ: «ممکن نیست کہ نعمت‌های خداوند بر ما شمرده شوند.» تَعَدُّ فعل مجهول است و «أَنْتُمْ» نایب فاعل آن است.

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): أَحْسَن (نیکوتر): مبتدای مؤخر و فی النساء: خبر مقدم از نوع جار و مجرور / گزینۀ (۳): اَعْجَزُ (عاجزترین): مبتدا و من: خبر / گزینۀ (۴): الأمانة (امانت): مفعول به برای فعل لا یَعْتَقِدُ

۱۱۷۵- گزینۀ «۱» ترجمۀ گزینہ: «بیشتر ورزشگاه‌های پیشرفته مجهز به چراغ‌هایی شبانہ هستند.» در این گزینہ اکثر (بیشتر) اسم تفضیل

و المَلَاعِب جمع مکسر مَلْعَب (ورزشگاه) اسم مکان می‌باشد.

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۲): مَصْنَع جمع مکسر مَصْنَع (کارگاه) اسم مکان است و اسم تفضیل ندارد. / گزینۀ (۳): أَحَقُّ (سزاوارتر) اسم تفضیل است و اسم مکان ندارد. / گزینۀ (۴): در این گزینہ، اسم مکان وجود ندارد، ولی اسم تفضیل وجود دارد. (أَعْلَى)

۱۱۷۶- گزینۀ «۴» در این گزینہ آخر (دیگر) اسم تفضیل است و

صفت برای سَبَبٍ سَبَبٍ آخر: دلیلی دیگر).

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): خَیْرٌ (بہترین): خبر برای اَنْتُ / گزینۀ (۲): خَیْرٌ (بہتر): خبر برای لَیْلَةُ القَدْرِ / گزینۀ (۳): سَرٌّ (بدتر): خبر برای هُوَ (در فَهْو)

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): اَبْيَضُ (سیاہ) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. اَصْفَرٌ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) و اَجْوَدُ (بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. / گزینۀ (۳): اَزْجَمُ (مهربان‌تر، مهربان‌ترین) و اَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. اَزْجَمُ (آبی) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. / گزینۀ (۴): اَشْدُّ (شدیدتر، شدیدترین) و اَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند، اما اَصْفَرُ (زرد) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست.

۱۱۶۲- گزینۀ «۱» در این گزینہ، الأفاضل جمع مکسر الأفضل

(برتر) و اسم تفضیل است.

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۲): الزَّوَّار جمع مکسر الزائر (اسم فاعل) - مَشْهَد (اسم مکان) / گزینۀ (۳): الأَحْمَرُ (قرمز) از رنگ‌هاست. / گزینۀ (۴): الخیر در این جا به معنی «نیکی» است و اسم تفضیل نیست. در ضمن گفتیم هر جا کہ کلمه خَیْر با «ال» بیاید، قطعاً اسم تفضیل نیست.

۱۱۶۳- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) هیچ اسمی بر وزن مَفْعَل، مفعول و مَفْعَلَة وجود ندارد.

در سایر گزینہ‌ها اسم‌های مکان عبارت‌اند از: گزینۀ (۱): مَأْوُ (مأوی) (پناهگاه) / گزینۀ (۲): مَطْعَمُ (رستوران) / گزینۀ (۴): مَرْقَدُ (حرم)

۱۱۶۴- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) اَعْلَمُ (می‌دانم) فعل است، نه اسم تفضیل. (من آن چه را نمی‌دانید، می‌دانم)

در سایر گزینہ‌ها اسم تفضیل‌ها عبارت‌اند از:

گزینۀ (۲): اَشْدُّ (شدیدتر) / گزینۀ (۳): اَعْلَمُ (عالم‌ترین) / گزینۀ (۴): سَرٌّ (بدتر) «خیر» وقتی معنای «بہتر، بہترین» بدهد اسم

تفضیل است. معنی گزینہ: «پس هر کس ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند.» در این گزینہ خَیْر به معنی نیکی است و اسم تفضیل نیست.

ترجمۀ سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): بہترین برادرانتان کسی است کہ عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد. / گزینۀ (۲): و اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا به سوی آنان خارج شوی قطعاً برایشان بہتر بود. / گزینۀ (۴): بازماندہ خدا (سرمایه و سود حلالی کہ خدا باقی نهد)، برایتان بہتر است، اگر مؤمن باشید.

۱۱۶۶- گزینۀ «۲» ترجمۀ گزینہ: «این دانش آموز (دختر) از نظر

عقلی از همکلاسی‌هایش در کلاس بزرگ‌تر است.» گفتیم کہ اگر اسم تفضیل برای مقایسه استفاده شود بر وزن اَفْعَل و اگر به عنوان صفت استفاده شود، بسته به مذکر یا مؤنث بودن موصوف، بر وزن فَعْلَى یا اَفْعَل می‌آید. پس در این گزینہ به جای کُبْرَى باید از اَكْبَر استفاده شود.

در سایر گزینہ‌ها اسم تفضیل به درستی به کار رفته است: گزینۀ (۱): اطول (طولانی‌ترین) / گزینۀ (۳): اَرْحَضُ (ارزان‌تر) / گزینۀ (۴): اَلْکُبْرَى (بزرگ‌تر)

۱۱۶۷- گزینۀ «۳» در این گزینہ اَهْدَى (هدیه کند) فعل است و

اسم تفضیل نیست. ترجمۀ عبارت: «بہترین برادرانتان کسی است کہ عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!»

در سایر گزینہ‌ها کلمات به درستی معرفی شده‌اند: گزینۀ (۱): سَرٌّ (بدترین): اسم تفضیل / گزینۀ (۲): مَقْبِرَة (آرامگاه): اسم مکان / گزینۀ (۴): المَحْمُولُ (کجاوه): اسم مکان

۱۱۶۸- گزینۀ «۴» در این گزینہ اَحْرَ (گرم‌ترین) برای فعل اَقْدَمُ

مفعول است. ترجمۀ گزینہ: «در این جشن، گرم‌ترین تبریکات را به مهمانانمان تقدیم می‌کنم!»

نقش اسم تفضیل در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): اَقْل (کم‌ترین): خبر برای مبتدا (القیام) / گزینۀ (۲): اَفْثَل (سنگین‌ترین): مبتدا (خبرش: الخلق) / گزینۀ (۳): اَفْضَل (بہتر): صفت برای شیناً

۱۱۸۶- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) از اسم تفضیل مؤنث برای مقایسه استفاده شده که غلط است و باید به صورت «أصغر» آورده شود.

در سایر گزینہ‌ها اسم تفضیل به شکل درست به کار رفته است.

۱۱۸۷- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) اسم مکان وجود ندارد. مفتاح (کلید) اسم بر وزن مِفْعَال است و ربطی به وزن‌های اسم مکان ندارد.

در سایر گزینہ‌ها، اسم‌های مکان به صورت زیرند:

گزینۀ (۲): مَتَجَر (مغازه) / گزینۀ (۳): المکتبۃ (کتابخانه) / گزینۀ (۴): المصانع جمع مکسر المصنَع (کارخانه)

۱۱۸۸- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) هذا مبتدا است و خبر آن شارع است: أطول نیز صفتِ «شارع» است. به ترجمه دقت کنید: «این خیابان، خیابانی بلندتر از آن خیابان است.»

نقش اسم تفضیل در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): أُنْفَع (مفیدترین): خبر برای هذه / گزینۀ (۲): أَقْوَى (قوی‌ترین): خبر برای أنت / گزینۀ (۳): خیر (بهترین): خبر برای شهداؤنا

۱۱۸۹- گزینۀ «۲» در گزینۀ (۲) الفرض مفعول برای فعل یَعْتَمِد است: «انسان باید فرصت‌ها را در زندگی‌اش مغمتم بشمارد.»

در سایر گزینہ‌ها نقش کلمات درست است.

۱۱۹۰- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) العالی (والا) اسم فاعل و اکثر (بیشتر) اسم تفضیل است.

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): أكثر (بیشتر): اسم تفضیل؛ اسم فاعل نداریم! / گزینۀ (۲): غافل و المهمّة: اسم فاعل و اسم تفضیل نداریم و أَحْسِنُ (نیکی کن) فعل امر است! / گزینۀ (۴): قاطع (قطع‌کننده) اسم فاعل است و اسم تفضیل نداریم.

۱۱۹۱- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) اسم مفعول نداریم: مشاوره: مصدر، المُشْفِق: اسم فاعل و الجاهل: اسم فاعل است.

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): أَمَازَة (بسیار امرکننده): اسم مبالغه / گزینۀ (۲): الوّلاة جمع والی (بر وزن فاعی): اسم فاعل / گزینۀ (۳): المَلْعَب (ورزشگاه): اسم مکان

۱۱۹۲- گزینۀ «۲» در گزینۀ (۲) خیر به معنی «خیر و نیکی» است؛ پس اسم تفضیل نیست:

ترجمه عبارت: «توکل کردن ما به خداوند در همه کارها برایمان خیر و سعادت را جلب می‌کند.» در سایر گزینہ‌ها خیر اسم تفضیل است:

گزینۀ (۱): «مؤمن قوی نزد خداوند از مؤمن ضعیف بهتر است.»

گزینۀ (۳): «کسی که به ما درس می‌داد، ما را به بهترین راه راهنمایی کرد.»

گزینۀ (۴): «شاید از چیزی بدتان بیاید، در حالی که آن برای شما بهتر است.»

۱۱۹۳- گزینۀ «۲» در این گزینہ، أَحْسِنُ (نیکی کن) فعل امر است و اسم تفضیل نیست: «به والدین به طور همیشگی نیکی کن!»

اسم‌های تفضیل در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): العلیا اسم تفضیل مؤنث است: «سخن خداست که برتر است!» / گزینۀ (۳): خیر: «بلبل در بین سایر پرندگان، بهترین صداها را دارد.» / گزینۀ (۴): شَرُّ: «بدترین دوستان کسی است که در کارها نادان است.»

۱۱۹۴- گزینۀ «۴» در این گزینہ اسم مکان وجود ندارد. در ضمن المعاصی جمع المعصیة (مصدر) است و اسم مکان نیست.

اسم‌های مکان در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): مکان (مکان، جا) / گزینۀ (۲): مَدْخَل (ورودی) / گزینۀ (۳): مَطَار (فرودگاه)

۱۱۹۵- گزینۀ «۱» در این گزینہ نقش کلمات در جمله، خواسته شده است: «أَحَقُّ» اگر چه اسم تفضیل است، اما از نظر نقش خبر برای «أنا» است.

در سایر گزینہ‌ها نقش کلمات به درستی آورده شده است.

۱۱۷۷- گزینۀ «۲» ترجمه گزینہ: «فاطمه از نظر سن از دوستش بزرگ‌تر است.» با توجه به این که اسم تفضیل برای مقایسه (در جنس مؤنث) به کار رفته است، باید از وزن أَفْعَل یعنی کلمه اکبر استفاده می‌شد. فقط زمانی از اسم تفضیل بر وزن فَعْلَى برای مؤنث استفاده می‌کنیم که، صفت باشد.

۱۱۷۸- گزینۀ «۴» ترجمه گزینہ: «و خداوند بهترین نگه‌دارنده است و او مهربان‌ترین مهربانان است.» در این گزینہ خیر اسم تفضیل است. در سایر گزینہ‌ها، خیر به معنای «خیر و خوبی» به کار رفته است:

گزینۀ (۱): خوبی تو از دوستانات بیشتر است! / گزینۀ (۲): برایتان در همه اوقات خیر می‌خواهم! / گزینۀ (۳): در سخن پدرم غیر از خوبی ندیدم!

۱۱۷۹- گزینۀ «۳» مُحَرَّم (حرام‌شده) بر وزن مُفْعَل و اسم مفعول است. مَطَاعِم (رستوران‌ها) جمع مکسر مَطْعَم و اسم مکان است.

خَلَّاق (بسیار خلق‌کننده) اسم مبالغه و بر وزن فَعَال است و حَسَنَى (نیکوتر) اسم تفضیل مؤنث و بر وزن فَعْلَى است؛ بنابراین گزینۀ (۳) صحیح است.

۱۱۸۰- گزینۀ «۳» ترجمه گزینہ: «به خدا پناه می‌برم از شرّ کسی که مرا به گناهان دعوت می‌کند.»

در این گزینہ، شرّ به معنای «شر و بدی» است و اسم تفضیل نیست.

در سایر گزینہ‌ها کلمات زیر اسم تفضیل هستند: گزینۀ (۱): الأراذل جمع أرذل (پست‌تر)، الأفاضل جمع الأفضل (برتر) / گزینۀ (۲): شرّ (بدترین) / گزینۀ (۴): أَعْنَى (بی‌نیازترین)

۱۱۸۱- گزینۀ «۳» در این عبارت، فعل ثلاثی مجزّد نداریم! اَهْدَى از باب إفعال است.

در ضمن در این عبارت: إخوان جمع مکسر أُخ (برادر) و عیوب جمع مکسر غیب (نقص) هستند. هم‌چنین خیر (بهترین) اسم تفضیل و آلی در اَلِیکُم (به شما) حرف جرّ می‌باشد.

ترجمه عبارت: «بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه دهد.»

۱۱۸۲- گزینۀ «۴» در این آیه هیچ اسمی که بر وزن فاعل یا «م...» باشد نداریم؛ پس هیچ اسم فاعلی هم نداریم.

ترجمه آیه: «با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن. همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شده است داناتر است.»

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): جَادِلٌ + هُمٌ (با آن‌ها گفتگو کن) فعل متعدّی + مفعول / گزینۀ (۲): أَحْسَنُ (بهتر): اسم تفضیل / گزینۀ (۳): ضَلَّ (گمراه شد): فعل ماضی

۱۱۸۳- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) تَوَاب (بسیار توبه‌کننده) و اسم مبالغه است: «خداوند بسیار توبه‌کنندگان و پاک‌کنندگان را دوست می‌دارد.»

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): الظواهر: جمع مکسر الظاهرة و اسم فاعل / گزینۀ (۲): آیام (روزها): جمع مکسر یَوْم - الدّراسة (درس خواندن): مصدر است و مشتق نیست! / گزینۀ (۳): الکفّار (کافران) جمع مکسر الکافر (اسم فاعل) - نائم (خوابیده) و اسم فاعل

۱۱۸۴- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) أَجْمَلٌ با «مین» آمده و به معنای «زیباتر» است: «روستا از شهر بسیار زیباتر است.» ولی در سایر گزینہ‌ها اسم تفضیل را با پسوند «ترین» ترجمه می‌کنیم:

گزینۀ (۱): درخت سکویا از بلندترین درختان جهان است.

گزینۀ (۲): شما بهترین امتی هستید که برای مردم خارج شده‌اید.

گزینۀ (۳): مفیدترین دارو را برای این بیماری شناختم.

۱۱۸۵- گزینۀ «۳» در این عبارت، اسم مفعول مزید و فعل مجهول نداریم:

مُضَيِّع (از بین برنده): اسم فاعل مزید المَحْكَمَة (دادگاه): اسم مکان القاضی (قاضی): اسم فاعل مجزّد

أكثر (بیشتر): اسم تفضیل

مکمل



۱۱۹۶- گزینۀ «۳» در این گزینۀ، أَجَلَّ (گران قدرتر) اسم تفضیل است
بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): أَحَبُّ (دوست دارم): فعل مضارع از باب
 إفعال / گزینۀ (۲): أَمَنَّا (ایمان آوردیم): فعل / گزینۀ (۴): أَخْرَجَ (خارج
 کرد): فعل ماضی

۱۱۹۷- گزینۀ «۱» **خطاهای سایر گزینہ‌ها:**
 گزینۀ (۲): اسم فاعل نَفَعُ (بر وزن فاعل) ← ثلاثی مجرد است.
 گزینۀ (۳): اسم فاعل از باب تفعیل برای عَلِمَ: مُعَلِّمٌ (عَلَّمَ، يُعَلِّمُ، تعلیم)
 گزینۀ (۴): اسم تفضیل برای صدق: أَصْدَقُ (بر وزن أَفْعَل)

۱۱۹۸- گزینۀ «۲» اسم‌های مشتق عبارت‌اند از: قَادِرٍ (اسم فاعل) -
 أَكْثَرُ (اسم تفضیل) بنابراین دو اسم مشتق در آیه وجود دارد.
۱۱۹۹- گزینۀ «۲» در گزینۀ (۲) اسم مشتق وجود ندارد.

اسم‌های مشتق در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): الأَكْرَمُ (گرامی تر): اسم
 تفضیل / گزینۀ (۳): مُخْلِصًا (مُخْلِصٌ): اسم فاعل / گزینۀ (۴): ذَائِقَةٌ
 (چشونده): اسم فاعل

۱۲۰۰- گزینۀ «۲» «المَجْرَبُ» در گزینۀ (۲) اسم مفعول و مشتق است
 که در این عبارت مفعول فعل «جَرَّبَ» است: «کسی که آزموده را تجربه کند،
 گرفتار پشیمانی می‌شود.» در سایر گزینہ‌ها اسم‌های مشتق نقش فاعل دارند:
 گزینۀ (۱): الْمُؤْمِنُونَ (اسم فاعل): فاعل فعل رأی
 گزینۀ (۳): الشُّعْرَاءُ جمع الشَّاعِرِ (اسم فاعل) فاعل فعل استفادَ
 گزینۀ (۴): الْجَاهِلُونَ (اسم فاعل) فاعل فعل خَاطَبَ

۱۲۰۱- گزینۀ «۲» **ترجمۀ عبارت:** «درخت نفت درختی است که
 کشاورزان آن را مانند پرچین دور مزرعه‌هایشان برای محافظت از
 محصول‌هایشان در برابر حیوانات به کار می‌گیرند.»
 المَزَارِعُونَ فاعل یَسْتَدِیْمُونَ - مزارع مضاف‌الیه و محاصیل نیز مضاف‌الیه است.

۱۲۰۲- گزینۀ «۲» سه اسم مشتق در این عبارت وجود دارد:
 (۱) مکتبۀ (اسم مکان)، (۲) أَكْبَرُ (اسم تفضیل)، (۳) مکتبۀ (اسم مکان)

۱۲۰۳- گزینۀ «۱» در این گزینۀ «أَعْلَى» همراه حرف «من» آمده،
 پس به صورت «بلندمرتبه‌تر» (صفت تفضیلی) ترجمه می‌شود و در سایر
 گزینہ‌ها اسم تفضیل‌ها به شکل مضاف آمده‌اند، پس به صورت صفت
 عالی (ترین) ترجمه می‌شوند.

ترجمۀ گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است. / گزینۀ (۲):
برترین مردم سودمندترین آنان برای مردم است. / گزینۀ (۳): سوره بقره بزرگ‌ترین
 سوره در قرآن است. / گزینۀ (۴): آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

۱۲۰۴- گزینۀ «۳» در این گزینۀ اسم تفضیل یا اسم مکان دیده
 نمی‌شود. دقت کنید که هر دو «أَحْسَنُ» که در این آیه به کار رفته‌اند فعل
 هستند. «نیکی کن همان‌طور که خداوند به تو نیکی کرد.»

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): «مَلَاعِبُ» جمع «مَلْعَبٌ» اسم مکان است.
 ← «آفرین، مراقبت از این ورزشگاه‌ها بر هر هم‌وطنی واجب است.» / گزینۀ
 (۲): «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است. ← «نیکی و بدی با هم یکسان نیستند، با
 روشی که نیکوتر است، پاسخ بده.» / گزینۀ (۴): «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است.
 ← «پدران و مادران دوست دارند که فرزندان خود را در بهترین حال ببینند.»

۱۲۰۵- گزینۀ «۴» «مَشْهُدٌ» (بر وزن «مَفْعَلٌ») ← اسم مکان /
 «فُضِّلِي» (بر وزن «فُعْلِي») ← اسم تفضیل / «مَكْتَبٌ» (بر وزن «مَفْعَلٌ») ←
 اسم مکان

در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): «أَعْلَى» (بر وزن «أَفْعَلٌ») ← اسم تفضیل /
 «مَسْجِدٌ» (بر وزن «مَفْعَلٌ») ← اسم مکان / «كَذَّابٌ» (بر وزن «فَعَالٌ») ←
 اسم مبالغه / گزینۀ (۲): «صُغْرَى» (بر وزن «فُعْلِي») ← اسم تفضیل /
 «مَرْزُوقٌ» (بر وزن «مَفْعُولٌ») ← اسم مفعول / «أَكْبَرُ» (بر وزن «أَفْعَلٌ») ←

← اسم تفضیل / گزینۀ (۳): آخر (بر وزن «فَاعِلٌ») ← اسم فاعل / «صَادِقٌ»
 (بر وزن «فَاعِلٌ») ← اسم فاعل / مَتَزَلٌ (بر وزن «مَفْعَلٌ») ← اسم مکان
۱۲۰۶- گزینۀ «۴» در این گزینۀ «مَجْلِسٌ» بر وزن «مَفْعَلٌ» اسم
 مکان و «أَحَقُّ» بر وزن «أَفْعَلٌ» اسم تفضیل است.

در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): «المَكْتَبَةُ» اسم مکان است، ولی اسم تفضیل
 ندارد. ← «أَذْهَبُ» فعل مضارع است. / گزینۀ (۲): «أَجْمَلٌ» اسم تفضیل
 است، ولی اسم مکان دیده نمی‌شود. / گزینۀ (۳): «المَصْنَعُ» اسم مکان
 است، ولی اسم تفضیل ندارد.

۱۲۰۷- گزینۀ «۲» اسم مکان ← «مَصْنَعٌ» بر وزن «مَفْعَلٌ» به
 معنای «کارخانه»

اسم‌های تفضیل ← «صُغْرَى» بر وزن «فُعْلِي» - «أَكْبَرُ» بر وزن «أَفْعَلٌ» -
 پس مجموعاً «۴» تا اسم مکان و تفضیل وجود دارد.
 دقت کنید که «أَبْيَضٌ» به معنای «سفید» اسم تفضیل نیست.

۱۲۰۸- گزینۀ «۴» در این گزینۀ کلمۀ «خَيْرٌ» معنای «بهترین»
 می‌دهد، پس اسم تفضیل است: «من گفتم: نماز در این لحظه‌ها بهترین
 کاری است که همگی انجام می‌دهیم.»

اما در سایر گزینہ‌ها «خَيْرٌ» معنای «بهتر» یا «بهترین» نمی‌دهد، پس اسم
 تفضیل نیست: گزینۀ (۱): دانش‌آموزم با خوشحالی گفت: «من خوبم، از
 پروردگار جهانیان سپاس گزارم.» / گزینۀ (۲): به دوستانم گفتم: «خیر در
 چیزی است که رخ داده، ناامید نشوید و ناراحت نباشید.» / گزینۀ (۳): خداوند
 به بندگانش خود گفت: ما در این قرآن برای شما خیر فراوانی را قرار دادیم.
۱۲۰۹- گزینۀ «۲» در این گزینۀ «مکتبۀ» اسم مکان، «مُدْرَسٌ» اسم
 فاعل و «أَكْثَرُ» اسم تفضیل است.

در سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): «أَهْمٌ» اسم تفضیل بوده، ولی اسم مکان و اسم فاعل
 نیامده است. (دقت کنید که «مَكْرَمٌ» با این‌که بر وزن «مَفْعَالٌ» است، ولی اسم
 مکان به حساب نمی‌آید چون معنای «مکان» نمی‌دهد.) / گزینۀ (۲): «مُسْتَنَاقٌ»
 و «الصَّالِحَةُ» اسم فاعل هستند، ولی اسم مکان و اسم تفضیل نداریم. /
 گزینۀ (۴): «مَزَارِعٌ» (جمع «مزرعة») اسم مکان و «مُفِيدَةٌ» و «خَوَاصٌّ» (جمع
 «خاصة») هر دو اسم فاعل هستند، ولی اسم تفضیل وجود ندارد.

۱۲۱۰- گزینۀ «۲» اگر به معنای این عبارت به خوبی دقت کنید «أَحَبُّ»
 یک فعل ماضی است: «برادرم در زمان کودکی‌اش، فوتبال را دوست داشت.»

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): بلندترین کوه در ایران، دماوند است.
 ← «أَعْلَى» اسم تفضیل است. / گزینۀ (۳): کم‌ترین مردم از نظر رتبه
 در آخرت گناهکاران هستند. ← «أَقَلُّ» اسم تفضیل است. / گزینۀ (۴):
 «كُبْرَى» بر وزن «فُعْلِي» اسم تفضیل است.

۱۲۱۱- گزینۀ «۴» در این گزینۀ کلمۀ «أَقْدَرُ» همراه «مِنَ» آمده و
 معنای «تواناتر» می‌دهد، پس اسم تفضیل است: «من از تو در ورزش تواناترم.»

بررسی سایر گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): من آن چه را که می‌خواهی می‌دانم. ←
 ترجمۀ عبارت نشان می‌دهد که «أَعْلَمُ» فعل مضارع است. / گزینۀ (۲): دانش‌آموز
 معلم‌ها را گرامی داشت. ← «أَكْرَمُ» فعل ماضی است. / گزینۀ (۳): ارزش
 انسان به چیزی است که آن را درست انجام دهد. ← «أَحْسَنُ» فعل است.
۱۲۱۲- گزینۀ «۳» «الخَيْرِ» اولاً «ال» دارد و ثانیاً معنای «بهتر» یا
 «بهترین» نمی‌دهد، پس اسم تفضیل نیست: «خیر در آن چیزی است که
 برای ما رخ داده است.»

اما در گزینہ‌های دیگر کلمۀ «خَيْرٌ» معنای «بهترین» می‌دهد و اسم تفضیل
 است: گزینۀ (۱): بهترین شما از نظر عاقبت، نیکوترین شما در اخلاق است. /
 گزینۀ (۲): این برترین کارها از نظر پاداش نزد خداوند است. / گزینۀ (۴):
 بهترین چیزی که پروردگارتان به ما بخشیده همان سلامتی است.

نکته اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفت برای یک اسم مؤنث به کار ببریم، باید از وزن «فَعْلَى» استفاده کنیم؛ مانند «الحدیقة الصغری» و «الحدیقة الکبری» در گزینۀ (۱)؛ اما در همین گزینۀ هم وقتی می‌خواهیم این دو کلمۀ مؤنث را با هم مقایسه کنیم، از «أحسن» (بر وزن «أفعل») استفاده می‌کنیم.

۱۲۲۱- گزینۀ «۴» هر گاه بخواهیم دو چیز یا دو نفر را با هم مقایسه کنیم باید از اسم تفضیل بر وزن «أفعل» استفاده کنیم نه «فَعْلَى»! (حتی اگر طرفین مقایسه مؤنث باشند).

بنابراین در گزینۀ (۴)، «صغری من» نادرست است و باید به صورت «أصغر من» باشد!

۱۲۲۲- گزینۀ «۲» کلمۀ «مساکن: خانه‌ها» جمع مکسر «مسکن» و در نتیجه اسم مکان است.

نکته کلمه‌ای که بر وزن «مفاعل» است در صورتی اسم مکان محسوب می‌شود که اولاً مفردش بر وزن‌های اسم مکان باشد و ثانیاً در معنا بر مکان دلالت کند. در گزینۀ‌های (۳) و (۴) این سؤال، «مفاجر» جمع مکسر «مفجّر: مایۀ افتخار» و «مصلح» جمع مکسر «مصلّحَة: صلاح» می‌باشند که هیچ‌کدام اسم مکان نیستند.

۱۲۲۳- گزینۀ «۴» کلمۀ «الحسنی: برتر» بر وزن فَعْلَى است و اسم تفضیل می‌باشد.

دقت کنید که در سایر گزینۀ‌ها «أعلَم: می‌دانم» و «أَکْرَم: گرامی داشت» فعل هستند.

۱۲۲۴- گزینۀ «۴» خطاهای سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): مجرور بحرف الجرّ «بعد» جزء حروف جرّ نیست، پس «الإیمان» هم مجرور به حرف جرّ نیست. / گزینۀ (۲): للمخاطب (این فعل از صیغۀ «للتغائب (مفرد مذکر غایب)» است. به خاطر داشته باشید که هر فعل مضارعی که با «ی» شروع می‌شود حتماً غایب است نه مخاطب. / گزینۀ (۳): مضاف الیه (نقش این کلمه مفعول است).

۱۲۲۵- گزینۀ «۲» خطاهای سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): من مصدر «إتمام» («أَتَمَم» در صیغۀ للتغائب، بر وزن «يُفَعِّلُ» است، بنابراین از باب «تفعیل» است، در حالی که «إتمام» از باب «إفعال» است. / گزینۀ (۳): لبس له حرف زائد «يُحِبُّ» بر وزن «يُفَعِّلُ» و از باب «إفعال» است، بنابراین یک حرف زائد دارد. - مفعوله «أحد» («أحد» فاعل است نه مفعول! دقت کنید که علاوه بر ترجمه از حرکت‌گذاری «أحد» می‌توانیم بفهمیم که این کلمه نمی‌تواند مفعول باشد، چرا که مفعول هیچ‌گاه مرفوع نیست و این یعنی آخرش ضمّه نمی‌گیرد. / گزینۀ (۴): مصدر ثلاثی مجرد (این کلمه مصدری بر وزن «تفاعل» است، بنابراین ثلاثی مزید است).

۱۲۲۶- گزینۀ «۲» خطاهای سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): فاعله «نا» (ضمیر «نا» فقط در صیغۀ للمتکلم مع‌الغیر ماضی نقش فاعل را دارد و در سایر فعل‌ها مفعول است. فاعل این فعل «الآیة» می‌باشد. / گزینۀ (۳): «لا» حرف لنفی المضارع (با توجه به معنای جمله و حذف شدن «ن» از آخر فعل، «لا» از نوع نهی است نه نفی). - مزید ثلاثی بزبانه حرف «ت» (این فعل ثلاثی مجرّد است، بنابراین حرف زائد ندارد. / گزینۀ (۴): من مصدر «تأخیر» (به خاطر داشته‌باشید که اسم‌های تفضیلی که بر وزن‌های «أفعل» و «فَعْلَى» هستند از فعل‌های ثلاثی مجرّد ساخته شده‌اند، بنابراین نمی‌توانند از مصدر «تأخیر» که از باب «تفعیل» است، ساخته شده باشند).

۱۲۲۷- گزینۀ «۱» خطاهای سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۲): مفرده: کبیر (مفرد آن «کبیر» است. دقت کنید که جمع مکسر «کبیر» کلمۀ «کبار» است. /

۱۲۱۳- گزینۀ «۲» وقتی بخواهیم دو نفر مؤنث را با هم مقایسه کنیم باید از وزن «أفعل» استفاده کنیم نه «فَعْلَى»، پس گزینۀ (۳) غلط است و باید به صورت «صدیقتی أصغر من أختی ستّا» باشد.

نکته در گزینۀ (۴) «الفضلی» اسم تفضیلی است که به عنوان صفت یک اسم مؤنث به کار رفته برای همین بر وزن «فَعْلَى» آمده است.

۱۲۱۴- گزینۀ «۴» در این گزینۀ «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد و اسم تفضیل نیست، ولی در گزینۀ‌های دیگر معنای «بهتر» یا «بهترین» می‌دهد و اسم تفضیل است.

ترجمۀ گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): شب قدر بهتر از هزار ماه است. / گزینۀ (۲): پدر بزرگ عزیزم من را به بهترین کارها که نماز است، سفارش کرد. / گزینۀ (۳): پاک و منزهی توای پروردگارم، نام تو بهترین نام ویاد تو درمان است. / گزینۀ (۴): هیچ خیری در خواندن قرآن نیست وقتی که اندیشیدن در آن نیست!

۱۲۱۵- گزینۀ «۳» در این گزینۀ «مجلس» اسم مکان است، ولی اسم مفعول در آن وجود ندارد. دقت کنید که «متعلّمون» به معنای «یادگیرندگان» اسم فاعل است نه مفعول.

بررسی سایر گزینۀ‌ها: گزینۀ (۱): «مزارع» جمع «مزرعة»: اسم مکان / «محاصيل» جمع «محصول»: اسم مفعول / گزینۀ (۲): «مطابع» جمع «مطبعة»: اسم مکان - «مضامین» جمع «مضمون»: اسم مفعول / گزینۀ (۴): «مُحَرَّم»: اسم مفعول / «مَسَاجِد» جمع «مَسْجِد»: اسم مکان

۱۲۱۶- گزینۀ «۲» در این گزینۀ دو اسم تفضیل وجود دارد: «أراذل» جمع «أرذل» و «أفاضل» جمع «أفضل» که هر دو در نقش فاعل هستند: «هر گاه فرومایگان حاکم شوند، شایستگان هلاک می‌شوند.»

در سایر گزینۀ‌ها اسم تفضیل‌ها در نقش خبر ظاهر شده‌اند: گزینۀ (۱): با آنان با روشی که نیکوتر است گفت‌وگو کن. ← «أحسن» خبر است. / گزینۀ (۳): ساعتی اندیشیدن از عبادت هفتاد سال برتر است. ← «خیر» خبر است. / گزینۀ (۴): هر کس که شهوتش بر عقل او پیروز شود، از چهارپایان بدتر است. ← «شتر» خبر است.

۱۲۱۷- گزینۀ «۲» «أعلم: می‌دانم» در این عبارت فعل مضارع است نه اسم تفضیل. معنای عبارت: «می‌دانم که هر کس علم مردم را با علم خود گرد آورد، بسیار دانا است.»

در گزینۀ‌های دیگر به ترتیب «أتقی، أتجح و أحسن» اسم تفضیل هستند.

۱۲۱۸- گزینۀ «۲» «أحبّ» در این عبارت، فعل مضارع و به معنای «دوست دارم» است و نباید آن را اسم تفضیل بگیریم: «معلم‌هایی را دوست دارم که با کارهای خود به مردم سود می‌رسانند». **اسم‌های تفضیل موجود در بقیۀ عبارات:** گزینۀ (۱): أفاضل (جمع «أفضل») / گزینۀ (۳): أنقل / گزینۀ (۴): أحبّ

۱۲۱۹- گزینۀ «۱» «الخیر» در این گزینۀ هم «ال» دارد و هم معنای تفضیلی ندارد، پس اسم تفضیل نیست: «خیر در چیزی است که اتفاق افتاده»، اما در سایر گزینۀ‌ها «خیر» معنای «بهترین» دارد و اسم تفضیل است.

گزینۀ (۲): بهترین مردم کسی است که خود را برای نیکی اجبار کند. (دقت کنید که در این عبارت دو کلمۀ «خیر» دیده می‌شود که اولی اسم تفضیل بوده و دومی اسم تفضیل نیست، اما چون در گزینۀ (۱) اسم تفضیل «خیر» اصلاً وجود ندارد، نمی‌توانیم این گزینۀ را پاسخ صحیح بدانیم).

گزینۀ (۳): بهترین کارها، میان‌ترین آن‌ها است.

گزینۀ (۴): دوست دارم که در زندگی به بهترین کارها اقدام کنم.

۱۲۲۰- گزینۀ «۳» طبق قاعده، برای مقایسه مؤنث‌ها نیز از اسم‌های تفضیل بر وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم نه «فَعْلَى»، پس در این عبارت به جای «فضلی» باید از «أفضل» استفاده شود. دقت کنید که «الأعمال» جمع غیر عاقل بوده و مفرد مؤنث فرض می‌شود.

مکمل

گزینۀ (۳): مفرده: ذَنْبٌ «ذَنْب: گناه» مفرد این کلمه است و جمع مکتسر «ذَنْب: ذُم» کلمۀ «أذْناَب» است. / گزینۀ (۴): مفرد (این کلمه جمع مکتسر «خُلُق» می‌باشد و مفرد نیست).

۱۲۲۸- گزینۀ «۳» خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): اسم مفعول («مُحاوَلَة: تلاش» مصدر باب مفاعلة است نه اسم مفعول). / گزینۀ (۲): اسم التفضیل من مصدر «هدایة» و خبر (با توجه به ترجمۀ عبارت «أهدی: هدیه کرد» فعل است نه اسم و چون بعد از موصول «مَنْ» آمده نمی‌تواند خبر باشد!) / گزینۀ (۴): اسم مکان (با این که «البیت» در معنا بر مکان دلالت می‌کند، اما چون بر وزن‌های اسم مکان (مَفْعَل - مَفْعِل - مَفْعَلَة) نیست، اسم مکان به شمار نمی‌آید.) - مضاف الیه (هیچ وقت بعد از اسم اشاره، مضاف‌الیه نمی‌آید).

۱۲۲۹- گزینۀ «۳» خطای این گزینه: الآیْتین (این اسم مثنی است، پس باید حرف نون کسره داشته باشد: الآیْتین) - الآخرین (این کلمه در این عبارت به معنای «دیگران» بوده، پس «الآخرین» صحیح است).

۱۲۳۰- گزینۀ «۳» خطای این گزینه: اجْتَنَبُوا (با توجه به معنای عبارت، این فعل باید امر و مخاطب باشد، بنابراین «اجْتَنَبُوا» صحیح است، چراکه امر باب «افتعال» بر وزن «افْتَعِلُ» می‌باشد).

۱۲۳۱- گزینۀ «۲» خطای این گزینه: مُحَاوَلَة (این کلمه مصدر باب «مُفاعَلَة» است و باید به شکل «مُحاوَلَة» نوشته شود).

۱۲۳۲- گزینۀ «۲» خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): الآخرین (با توجه به معنای عبارت، «الآخرین: دیگران» صحیح است). / گزینۀ (۳): الأولى (این عدد مؤنث «أول» است و باید بر وزن «فَعْلَى» باشد، بنابراین «الأولی» صحیح است). / گزینۀ (۴): تِسْعین (اعداد مضرب ۱۰ تا ۹۰) مانند جمع‌های مذکر سالم همواره به «ن» ختم می‌شوند و هیچ‌گاه تنوین نمی‌گیرند، بنابراین «تِسْعین» صحیح است).

۱۲۳۳- گزینۀ «۴» خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): مین (با توجه به معنای جمله و هم‌چنین این که بعد از این کلمه فعل به کار رفته است نمی‌تواند حرف جرّ «مِنْ: از» باشد بنابراین «مَنْ: کسی که» صحیح است). / گزینۀ (۲): أخوان (این کلمه مثنی بوده و معنای «دو برادر» می‌دهد در حالی که طبق مفهوم این عبارت، باید «إخوان» که جمع مکتسر است، به کار برود). / گزینۀ (۳): جاذل (با توجه به معنای جمله و هم‌چنین علامت سکون در انتهای فعل می‌فهمیم که این فعل امر است و باید به شکل «جاذل» بر وزن «فَاعِل» که از باب مفاعلة است، نوشته شود).